يا فاطمة ائتيني بالكساء اليماني فغطيني به فأتيت
فاطمة فأتيته وغطيته به وصرت أنظر إليه
وإذا وجهه يتلألؤ كأنه البدر ليلة تمامه
فما كانت إلا ساعة وإذا بولدي الحسن ع
قد أقبل وقال السلام عليك يا أماه فقلت
وعليك السلام يا قرة عيني وثمرة فؤادي
فقال لي يا أماه إني أشم رائحة طيبة كأنها
رائحة جدي رسول الله صلى الله عليه وآله
فقلت إن جدك نائم تحت الكساء فدنى منه
وقال السلام عل...

فما كانت إلا ساعة وإذا بولدي الحسين قد أقبل
وقال السلام عليك يا أماه إني أشم عندك

يا فاطمة ايتيني بالكساء اليماني فغطيني به قالت
فاطمة فأتيته به وغطيته به وصرت انظر اليه
واذا وجهه يتلألؤ كأنه البدر في ليلة تمامه
قالت فما كانت الا ساعة واذا بولدي الحسن ع
قد اقبل وقال السلام عليك يا اماه فقلت
وعليك السلام يا قرة عيني وثمرة فؤادي
فقال لي يا اماه اني اشم عندك رائحة طيبة كأنها
رائحة جدي رسول الله صلى الله عليه وآله
فقلت نعم ان جدك تحت الكساء فدنى منه
وقال السلام عليك يا جداه السلام عليك
يا رسول الله أتأذن لي ان ادخل معك تحت
هذا الكساء فقال قد اذنت لك فدخل معه
فما كان الا ساعة واذا بولدي الحسين قد اقبل
وقال السلام عليك يا اماه اني اشم عندك

يا فاطمة ايتيني بالكساء اليماني فغطيني به قالت
فاطمة فأتيته وغطيته به وصرت انظر اليه
واذا وجهه يتلألأ كأنه البدر ليلة تمامه
قالت فما كانت الا ساعة واذا بولدي الحسن ع
قد اقبل وقال السلام عليك يا أماه فقلت
وعليك السلام يا قرة عيني وثمرة فؤادي
فقال لي يا أماه اني أشم رائحة طيبة كأنها
رائحة جدي رسول الله صلى الله عليه وآله
فقلت ان جدك نائم تحت الكساء فدنى منه
وقال السلام عليك يا جداه السلام عليك
يا رسول الله أتأذن لي ان ادخل معك تحت
هذا الكساء فقال قد اذنت لك فدخل معه
فما كانت الا ساعة واذا بولدي الحسين ع قد اقبل
وقال السلام عليك يا أماه اني اشم عندك

رائحة طيبة كأنها رائحة جدي رسول الله صلى
الله عليه وآله قلت نعم يا بني إن جدك وأخا
ك هما تحت الكساء فدنى الحسين منه وقال
السلام عليك يا جداه السلام عليك يا من
اختاره الله أتأذن لي أن أكون معكما تحت
الكساء فقال له قد أذنت لك يا حسين
فدخل معه قالت فاطمة فأقبل عند ذلك أبو
الحسن علي بن أبي طالب عليه السلام فقال
السلام عليك يا بنت رسول الله فقلت و
عليك السلام فقال إني أشم رائحة طيبة
كأنها رائحة أخي وابن عمي رسول الله فقلت
ها هو مع ولديك تحت الكساء فأقبل نحو
الكساء وقال السلام عليك يا رسول الله
أتأذن لي أن أدخل معكم تحت هذا الكساء

فقال

فقال قد أذنت لك فدخل علي تحت
الكساء ثم أقبلت فاطمة وقالت السلام
عليك يا أبتاه السلام عليك يا رسول
الله أتأذن لي أن أدخل معكم تحت
الكساء فقال نعم قد أذنت لك فدخلت
فاطمة معهم فلما اكتملوا جميعا تحت
الكساء قال الله تعالى يا ملائكتي ويا سكان
سمواتي إني ما خلقت سماء مبنية ولا
أرضا مدحية ولا قمرا منيرا ولا شمسا
مضيئة ولا فلكا يدور ولا بحرا
يجري ولا فلكا يسري إلا في محبة هؤلاء
الخمسة الذين هم تحت الكساء فقال
الأمين جبرائيل يا رب ومن تحت الكساء

فقال هم اهل بيت النبوة ومعدن الرسالة
وهم فاطمة وابوها وبعلها وبنوها فقال
جبرائيل يا رب أتأذن لي ان اهبط الى
الارض لاكون سادسا فقال الله قد
اذنت لك فهبط الامين جبرائيل فقال
السلام عليك يا رسول الله العلي الاعلى
يقرئك السلام ويخصك بالتحية و
الاكرام ويقول لك وعزتي وجلالي
اني ما خلقت سماء مبنية ولا ارضا
مدحية ولا قمرا منيرا ولا شمسا
مضيئة ولا بحرا يجري ولا فلكا
يدور ولا فلكا يسري الا لاجلكم
وقد اذن لي ان ادخل معكم تحت الكساء

فهل تأذن لي انت يا رسول الله فقال نعم
قد اذنت لك فدخل جبرائيل معهم تحت
الكساء وقال ان الله تعالى قد اوحى اليكم
يقول انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل
البيت ويطهركم تطهيرا فقال علي عليه السلام
يا رسول الله اخبرني ما لجلوسنا تحت هذا
الكساء من الفضل عند الله تعالى فقال
النبي صلى الله عليه وآله والذي بعثني
بالحق نبيا واصطفاني بالرسالة نجيا ما
ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل اهل
الارض وفيه جمع من شيعتنا ومحبينا
الا ونزلت عليهم الرحمة وحفت بهم
الملائكة واستغفرت لهم الى ان يتفرقوا فقال
علي عليه السلام اذا والله فزنا وسعدنا
وكذلك شيعتنا فازوا وسعدوا

ورب الکعبة ثم قال النبی صلی الله علیه وآله
یا علی والذی بعثنی بالحق نبیا واصطفانی
بالرسالة نجیا ما ذکر خبرنا هذا فی محفل من
محافل اهل الارض وفیه جمع من شیعتنا و
محبینا وفیهم مهموم الا وفرج الله همه ولا
مغموم الا وکشف الله غمه ولا طالب حاجة
الا وقضی الله حاجته فقال علی علیه السلام اذاً
والله فزنا وسعدنا وکذلک شیعتنا فازوا
وسعدوا فی الدنیا والآخرة

ترجمهٔ حدیث شریف کسا

روایت شده از فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها که فرمود
داخل شد بر من پدر بزرگوارم رسول خدا در بعضی از
روزها و فرمود ای فاطمه بدرستیکه من ضعفی در بدن خود
میبینم عرض کردم به پناه خدا میبرم شما را از ضعف پدر

بزرگوار پس فرمود ای فاطمه بیاور عبای یمانی را و بپوشان
مرا بآن فاطمهٔ زهرا میفرماید پس آوردم آن عبا را و پوشانیدم
آنحضرت را بآن عبا و نگاه میکردم بآن حضرت ناگاه دیدم
روی مبارکش مثل ماه شب چهارده درخشان است پس نگذشت
مگر ساعتی ناگاه فرزندم حضرت حسن داخل شد و گفت سلام
من بر تو باد ای مادر گفتم بر تو باد سلام ای نور چشم من
و میوهٔ دل من پس گفت ای مادر بدرستیکه میشنوم
بوی خوشی در نزد تو گویا بوی جدم رسول خداست
پس گفت بلی جدت در زیر عبا میباشد پس حضرت حسن بجانب عبا
آمد عرض کرد سلام بر تو باد ای جد بزرگوار ای رسول خدا
آیا اذن میدهی بمن که داخل شوم با جناب شما در زیر عبا
رسول خدا فرمود اذن دادم پس حضرت امام حسن ع داخل
شده در زیر عبا پس نگذشت مگر ساعتی که ناگاه فرزندم
حسین داخل شد گفت سلام بر تو باد ای مادر پس گفتم

و بر تو باد سلام ای نور چشم من و میوهٔ دل من پس گفت
ای مادر بدرستیکه میشنوم بوی خوشی در نزد تو گویا
بوی جد من رسول خدا است گفتم بلی ای فرزند اینک جد برادر
تو در زیر عبا بند پس نزدیک شد حسین ع و گفت سلام
بر تو باد ای جد برگزیده تو را خدا آیا اذن میدهی مرا
که بوده باشم با تو در زیر عبا حضرت رسول ص فرمود بلی
ای تو در بدن اذن دادم تو را ای تو در بده پس حسین ع
داخل شد در زیر عبا و نگذشت مگر ساعتی که حضرت
امیر المؤمنین ع آمد و گفت سلام بر تو باد ای دختر
پیغمبر گفتم بر تو باد سلام یا امیر المؤمنین ع پس فرمود
ای فاطمه بوی خوشی میشنوم گویا بوی برادر و پسر
عم من رسول خدا است گفتم بلی یا علی ابن عم با دو پسر
در زیر عبا بند پس حضرت امیر ع نزدیک آمد و عرض
کرد السلام علیک یا رسول الله آیا اذن میدهی

مرا که بوده باشم با شما در زیر عبا حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود بلی اذن دادم تو را پس حضرت امیر المؤمنین ع
در زیر عبا داخل شد پس حضرت فاطمه سلام الله علیها
آمد نزدیک عبا و عرض کرد السلام علیک یا ابتاه
یا رسول الله آیا اذن میدهی مرا که داخل شوم با شما
در زیر عبا آنحضرت فرمود بلی تو را هم اذن دادم
پس فاطمه با ایشان داخل شد در زیر عبا آنگاه
حقتعالی فرمود ای ملائکه و ای ساکنان آسمانهای من
بدرستیکه من خلق نکردم آسمانهای بلند و نه زمینهای
مسطح و نه ماه روشن و نه خورشید درخشنده و
نه فلک دوار و نه دریای جاری و نه کشتی سیر
کننده را مگر از برای محبت و دوستی این پنج تن که
در زیر عبا بند جبرئیل عرض کرد ای خدای من چه
کسانند که در زیر عبا بند خداوند فرمود ایشان

اهل بیت پیغمبر و معدن رسالتند ایشانند که فاطمه
و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و دو پسر فاطمه هستند
جبرئیل گفت خدای من آیا اذن میدهی که بوده
باشم ششمی از ایشان حقتعالی فرمود بلی بتو اذن
دادم پس جبرئیل امین بزمین نازل شد و گفت سلام
بر تو باد یا رسول الله خداوند علی اعلا بتو سلام
میرساند و میفرماید که بعزت و جلال خودم که من
خلق نکردم آسمانهای بنا شده و نه خورشید نور
دهنده و نه فلک دور زننده و نه دریای جاری
شونده و نه کشتیهای سیر کننده را مگر از برای
دوستی و محبت شما اهل بیت و بدرستیکه
خدا اذن داد مرا که با شما در عبا داخل شوم آیا
تو هم اذن میدهی فرمود بلی اذن دادم پس جبرئیل
داخل در زیر عبا شد و گفت از برای این خمسه

طیبه که خداوند وحی کرده بشما و میفرماید
اینست و جز این نیست که میخواهد خدا ببرد
از شما بدی و طاهر کند شما اهلبیت را طاهر
کردنی پس حضرت امیر علیه السلام عرض کرد
یا رسول الله چیست از برای نشستن ما در زیر
عبا از فضل در نزد خداوند عالم پیغمبر فرمود
قسم بخدائی که مرا مبعوث کرده بپیغمبری و
برگزیده مرا برسالت ذکر نمیشود این حدیث در
محفلی از محافل اهل زمین که باشند در آن
مجلس جمعی از شیعیان و دوستان ما مگر
آنکه نازل میشود بر آنها رحمت پروردگار
و احاطه میکنند بر آنها ملائکه و استغفار
میکنند از برای آنها تا وقتی که متفرق شوند

پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در این
هنگام منم بخدا رستگار و نیکبخت شدیم
و هم چنین شیعیان رستگار و نیکبخت
شدند پس پیغمبر خدا ثانیا فرمود یا علی منم
بخدائی که مرا مبعوث کرده بر پیغمبری و بر
گزیده مرا بر رسالت ذکر نمیشود این حدیث در مجلسی
از مجالس اهل زمین که باشند در آن مجلس
جمعی از شیعیان و دوستان ما و در میان
ایشان مغمومی باشد مگر آنکه خداوند هم او را
زایل میکند و نه مغمومی مگر آنکه خداوند
غم او را برطرف میکند و نه طالب حاجتی
مگر آنکه خداوند حاجت او را بر می آورد

علی علیه السلام فرمود در این هنگام رستگار
و نیکبخت شدیم و هم چنین
شیعیان ما رستگار
و نیکبخت شدند
در دنیا
و آخرت
تمام شد حدیث شریف کساء اللهم اغفر
لقاریه و سامعه و کاتبه
بمحمد و آله الطاهرین.
سنه ۱۳[illegible]

[هذه]

رسالة عملية)

...و ماه جمادی الاولی سنة ۱۳۲۳)

خیابان ناصریه درمطبعه خورشید)

(بطبع رسید)

العزیز

شانزدهم [illegible] دار

الخلافه طهران بهمت

بهر کارخانه اکبری اسباب البا

آقا میرزا حسین بسعی

واهتمام عالیجناب رفیع [illegible]

مشهدی علینقی خراسانی

الاصل القمی المسکن

باتمام رسید التماس

از کسانیکه [illegible] خوانند دعا از [illegible]

رساله عملیه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیا والمرسلین و علی وصیه و خلیفته علی وعلی اولاده الانجبین الطیبین الطاهرین و لعنة الله علی اعدائه الی یوم الدین وبعد چون قلاده شریعت بگردن جان هر مکلفی انداخته شده لهذا در این عصر میمنت حصر که از فر طالع فرخنده مطالع حضرت سلطان

السلاطین قهرمان الماء والطین مظفر الدنیا و الدین سلطان مظفر الدین شاه خلد الله ملکه ریاست عامهٔ تامه ملت مطهره متعلق است بذات فرخنده صفات حضرت مستطاب حجة الاسلام ملاذ الانام ابو الفقراء والایتام فخر المجتهدین حامی شرایع دین مروج احکام سید المرسلین آقای اشرف الحاج و المعمرین حاجی میرزا حسین نجل نجیل آقای حاجی میرزا خلیل طهرانی متعنا الله بطول بقائه این چند مسئله از روی رساله آنحضرت محض تسهیل عمل بر مکلفین و مقلدین مختصراً انتخاب شده تا از مسلمین هر کسی که عمل بکنند بسهولت دریابند و باعث وبانی را بدعای خیر یاد آوری فرمایند اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً بتوفیقه ومنه و کرمه

﴿ اما بعد ﴾ بدانکه مقصود از نگارش و تحریر این رساله شریفه از واجبات است و آن بر چند فصل است که مسلمین را بفهمیدن آن از جاه

ضلالت بیرون میاورد (فصل) اول در اصول دین است
وآن پنج است (اول) توحید یعنی خداوند تبارک
وتعالی یکتا و بیهمتا و بی شریک وبی نظیر است
(دویم) عدل یعنی خداوند عادل است و ظالم
نیست و عالم است بر جمیع موجودات (سیم)
نبوت یعنی یک صدو بیست و چهار هزار پیغمبر بر
حق‌اند وحضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله
خاتم انبیا و رسول و فرستادهٔ خداست (چهارم)
امامت یعنی حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام با یازده فرزندانش وصی بلا فصل
پیغمبرند صلواة الله علیهم اجمعین (پنجم) معاد
یعنی قیامت برپا میشود و مردگان را زنده مینمایند
بجهة حساب وعقاب وثواب و عذاب (فصل) دویم
در فروع دین است وآن ده تاست (اول) نماز
(دویم) روزه (سیم) خمس (چهارم)
زکوة (پنجم) حج (ششم) جهاد (هفتم)

﴿ یازدهم ﴾ بر طرف شدن نجاست از باطن
مسلمان ﴿ دوازدهم ﴾ استبرا ﴿ سیزدهم ﴾
سنگ وکهنهٔ استنجا باشرایطش ﴿ چهاردهم ﴾
انفصال غساله ﴿ پانزدهم ﴾ تبعیت ﴿ فصل ﴾
در نجاسات است وآن دوازده چیز است ﴿ اول ﴾
بول ﴿ دویم ﴾ غایط ﴿ سیم ﴾ منی ﴿ چهارم ﴾
خون از هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد
﴿ پنجم وششم ﴾ سگ و خوک صحرائی نه دریائی
﴿ هفتم ﴾ میته یعنی مردهٔ حیوان که خون
جهنده داشته باشد ﴿ هشتم ﴾ کافر چه مرتد
ویهود ونصارا ومجوس وکسیکه منکر الوهیت ورسالت
وضروریات دین شود ﴿ نهم ﴾ شراب وامثال آن
اگرچه بخشکد که مشهور است بالحاق آب انگور
﴿ دهم ﴾ فقاع که از جو بعمل میاید ﴿ یازدهم ﴾
عرق جنب از حرام چه از زنا وچه از لواط بلکه وطی
حایض ووطی در روزه ﴿ دوازدهم ﴾ عرق شتر جلاله

بلکه مطلق هر حیوان جلاله ﴿فصل﴾
درغسلهای واجب است ازبرای زن شش غسل واز
برای مرد سه غسل ﴿اول﴾ غسل جنابت دویم
غسل حیض ﴿سیم﴾ غسل استحاضه ﴿چهارم﴾
غسل نفاس ﴿پنجم﴾ غسل مس میت ﴿ششم﴾
غسل میت سه غسل مردها جنابت و مس میت
وغسل مبت اما غسل دو شکل است یکی ارتماسی
ویکی ترتیبی اما ترتیبی اول باید استبراء بکند ازمنی
پاك بشود بعدبایدن توی آب یاخارج بدنرا ازکلیهٔ
فضلات وچرك پاك بکند بعدازپاك شدن و تطهیر
یکمرتبه زیر آب میرود به نیت سرو کردن بعد
یکمرتبه به نیت طرف راست ویك مرتبه هم به نیت
طرف چپ ویاانکه آب از خارج باظرفی میریزد به
نیت ترتیبی اول سرو کردن بلکه دست هم بمالد بعد
طرف راست ازسردوش آب میریزد تاسر انگشتان
دست وپارا بگیرد ودست هم بمالد بعد طرف چپ هم

بشرح ایضا اما غسل ارتماسی اول استبرا کند بعد
درتوی آب خودرا پاك کنند بعد نیت کنند وفرو
رود باب اما نیت دوشکل است یکی واجب ویکی قربت
نیت قربت این است که وقت باقی باشد ولی نیت
واجب آنست که شخص پیش از آفتاب بر خواست
ونماز صبح را نکرده وجنب باشد باید نیت غسل
واجب بکنند اما اگر نماز کرده باشد و بعد جنب
بشود ویاانکه افتاب زده باشد باید غسلرا نیت
قربت بکنند بهم چنین پیش از هر نمازی به نیت
واجب باید نیت کرد وبعداز هرنمازی به نیت قربت
اما استبرا از منی بول کردن است واستبرا از بول هم
سه دفعه باید بادست چپ یعنی انگشتان از مقعداصل
رگ را بقوت کشید تا زیر خصیه وسه مرتبه هم
از زیر خصیه باید ذکر را کشید یعنی از بیخ ذکر
تا سر حشفه و سه مرتبه هم باید سرحشفه را فشار
قایم بدهد انوقت تطهیر کنند ﴿فصل﴾ درآداب

حیض است بدان که علامت خون حیض چهاراست
برنك سیاه وگرم و با سوزش وجهنده بیرون میاید
وگاهگاه هم غیر از اینها میشود اما حیض از سه روز
کمتر وازده روز زیادتر نخواهــد شد اما استبراء از
حیض باید بعدازپاك شدن پنبه‌را داخل بکنند وقدری
صبر بکنند ودر آورد اگر خون باقی باشــد که حیض
است والا پاك است (اما) نفــاس خونی است که
بعد از زائیدن میاید بساعت از یکدقیقه که
آمد دیگر نمیــاید زن پاك است وبساعت زیادتر
میاید اما ازده روز زیادتر نخواهد شد اما استحاضه
سه قسم است قلیله وکثیره و متوسطه قلیــله یعنی کم
متوسطه یعنی نه زیاد ونه کم کثیره یعنی زیاد اما
استحاضه قلیله آنست که پنبه‌را بگذارند و به پنبــه
برسد اما تمام پنبه را نگیرد اما متوسطه آنست که
پنبه را فرو گیرد اما بکهنه نرسد و کثیره آنست که
تمام پنبه را فرو گیردواز پنبه گذشته بکهنه برسد اما

۸ ۸ جعفر ۳

زنیــکه استحاضه قلیله داشــته باشد باید از برای
هر نمــاز یك وضو بســازد و در هر نماز هم باید
پنبه را عوض بکنند اما متوسطه باید ازبرای نمــاز
صبح یك غسل بکنند وبعد یك وضو بسازد و پنبه
را عوض و نماز کنند بعد هم از برای هر نماز یك
وضو بســازد وپنبه را هم عوض بکنند اما کثیره
ازبرای نمــاز صبح یك غسل بکنند ووضو بســازد
و پنبه را عوض کنند ونماز بخواند واز برای نمــاز
ظهر و عصر یك غسل کنند و دو وضو بسازد ودو
مرتبه هم پنبه را عوض بکنند که یك وضو ازبرای
نماز ظهر ویکی برای نماز عصر وازبرای نماز مغرب
وعشــا هم یك غسل کنند ودو وضو بســازد مثل
ظهر وعصر پنبه را عوض بکنند
﴿اما﴾ غسل مس میت ازدست گذاشتن بمردهٔ
آدمی‌است وهرکه دست گذاشت واجبست غسل کنند
﴿اما﴾ غسل میت واجب کفــائی است یعنی

اگر صد نفر یا بیشتر یاهر چند نفر باشند چه زن
وچه مرد یک مرده باشد تمام آنها واجب است که
ان مرده را غسل بدهند اگر یک نفر غسل داد
از گردن انهای دیگر برداشته میشود وواجب است
میت را سه غسل بدهند

(اول) باسدر (دویم) باکافور (سویم)
باب خالص وواجب است ترتیت درمیان سه غسل
و فرق نیست که میت جنب ویا حایض باشد یا نباشد
و بهتر غسل دادن میت است به غسل ترتیبی وهر
چند اظهر بودن غسل ارتماسی است که کیفیت هر
یک از ترتیبی وار تماسی مثل غسل جنابت است که
ذکرش گذشت وهم چنین شرطاست در نیت هریک
از سه غسل ونیت هرغسلرا مقارن شروع نماید
واگر هیچ آب میسر نشود سه تیمم میت را بدهند
بقصد هریک ازآن سه غسل ویک تیمم بدل از مجمو
واظهر کفایت اخیر است

امر بمعروف (هشتم) نهی از منکر (نهم) تولی
یعنی دوستی بامحمد وآل محمد ص (دهم) تبرأ
یعنی دشمنی بادشمنان محمد و آل محمد ص تولی وتبرأ
جزوفروع الدین است
وچیزهائیکه خمس برانها تعلق میگیرد هفت چیزاست
﴿ اول ﴾ مال کافر حربی که در جهاد بدست
مسلم بیفتد ﴿ دویم ﴾ معادن ﴿ سیم ﴾ گنج
که اززیر زمین بیرون میاورند ﴿ چهارم ﴾ چیزها
ایست که از دریا بیرون میاورند یاعنبر که ازروی
دریا میگیرند ﴿ پنجم ﴾ ربح یعنی فائدهٔ که از کار
وکاسبی پیدا میشود ﴿ ششم ﴾ زمینی است که
کافر ذمی از مسلمان بخرد ﴿ هفتم ﴾ مال حلالیست
که داخل بحرام شده باشد
وخمس عبارت است ازپنج یک مال که باید داد نصف
آن را بمجتهد جامع الشرایط یاوکیل او یا باذن او
و نصف دیگر انرا هم بفقرا وایتام وسادات که از

طرف پدر و مادر سید باشند نه از طرف مادر
تنها ﴿ فصل ﴾ در اجناسی است که زکوة
بر انها واجب است و آن نه چیز است طلا و نقره
وشتر وگاو وگوسفند و گندم وجو و خرما و مویز
وهرکس خواست وجه نصاب خمس و زکوترا بدهد
رجوع برساله های عملیهٔ بزرگ نماید .

﴿ فصل سیم ﴾ در شناختن دوازده امام است
﴿ اول ﴾ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع
(دویم) حضرت امام حسن ع (سیم)
حضرت امام حسین ع (چهارم) حضرت امام
زین العابدین ع (پنجم) حضرت امام محمد
باقر ع (ششم) حضرت امام جعفر صادق ع
(هفتم) حضرت امام موسی کاظم ع (هشتم)
حضرت امام رضا ع (نهم) حضرت امام محمد
تقی ع (دهم) حضرت امام علی النقی ع (یازدهم)
حضرت امام حسن عسکری ع (دوازدهم)

حضرت صاحب الامر که اسم مبارکشان مهدی ع
واسم پدر بزرگوار شان امام حسن عسکری ع
و اسم مادر شان نرجس خاتون است و بمصلحت
حق غایب است تا وقتیکه امر حق بشود
واز مکه معظمه ظهور خواهند فرمود علامت
ظهور شان گرفتن ظلم تمام روی زمینرا وخروج
سفیانی وخروج دجال و صیحه آسمانی ومدتی
سلطنت خواهند فرمود وعالمرا پراز عدل وداد
خواهند کرد وهرکس جز ان وجود مبارك دیگر
این ادعا بکند ادعای او ضایع وباطل است وحضرت
رسول ص و حضرت فاطمه ع جز و چهارده
معصوم اند که این دو وجود مبارك و دوازده تن هم
دوازده امام که روی هم چهارده تن میشوند
سلام الله علیهم اجمعین ﴿ فصل ﴾ در مقدمات
نماز است وآن شش چیز است ﴿ اول ﴾ طهارت
وآن عبارت است از سه چیز وضو وغسل وتیمم

﴿ دویم ﴾ ازالهٔ نجاست ازبدن ولباس ﴿ سیم ﴾
ستر عورت مرد ازکمر تازانو وزن از فرق سر تا
کف پای در وقت نماز ﴿ چهارم ﴾ وقت
شناختن ﴿ پنجم ﴾ قبله شناختن ﴿ ششم ﴾
غصبی نبودن مکان نماز وجای سجده پست وبلند
نبودن مگر بکلفتی خشتی ضرر ندارد

﴿ فصل ﴾ درمقارنات نمازاست وآن دوازده
چیز است (اول) قیام (دویم) نیت (سیم)
تکبیرة الاحرام (چهارم) قرائت (پنجم) رکوع
(ششم) سجود (هفتم) تشهد (هشتم) سلام
(نهم) ترتیب (دهم) موالات (یازدهم) ذکر
(دوازدهم) طمأنینه است که هرکس یکی از
اینهارا بجای نیاورد نمازش باطل است

﴿ فصل ﴾ درمبطلات نماز است وآن چهارده
چیزاست (اول) خوردن (دویم) آشامیدن
(سیم) حرف زدن (چهارم) خندیدن

(پنجم) گریه کردن مگراز خوف خدا (ششم)
دست بر روی دست گذاشتن (هفتم) ترك
واجبی از واجبات کردن (هشتم) پشت
بقبله کردن (نهم) فعل کثیر بجای آوردن
(دهم) در فرش و مکان غصبی نماز کردن
(یازدهم) شك درعدد درکعات کردن (دوازدهم)
گفتن آمین در نماز جماعت بعداز ولاالضالین
﴿ سیزدهم ﴾ حدث سرزدن ﴿ چهاردهم ﴾
خواب (فصل) در واجبات وضو وآن نه چیز است
﴿ اول ﴾ نیت ﴿ دویم ﴾ شستن صورت
﴿ سیم ﴾ شستن دست راست ازآرنج تاسرانگشتان
﴿ چهارم ﴾ شستن دست چپ مثل دست راست
﴿ پنجم ﴾ مسح سر بادست راست ﴿ ششم ﴾
مسح پای راست بادست راست ﴿ هفتم ﴾ مسح
پای چپ بادست چپ ﴿ هشتم ﴾ ترتیب
﴿ نهم ﴾ موالات * درطریقه ادعیه وضو مستحب

است باین تفصیل که بعداز نیت و بسم الله سه
دفعه مضمضه یعنی آب بدهن بگیرد وبگوید این
دعارا که

اَللّٰهُمَّ لَقِّنی حُجَّتی یَوْمَ اَلْقاكَ وَ اَطْلِقْ لِسانی
بِذِکْرِكَ و دروقت استنشاق یعنی سه دفعه آب
بردماغ بگیرد وبگوید

اَللّٰهُمَّ لا تُحَرِّمْ عَلَیَّ ریحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنی مِمَّنْ
یَشُمُّ ریحَها وَرُوحَها وَطیبَها ودو دفعه همهٔ صورترا
ازرستنگاه موی تارنخ بشوید ودر بین این دعارا بخواند
اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهی یَوْمَ تَسْوَدُّ فیهِ الْوُجوهُ
وَلا تُسَوِّدْ وَجْهی یَوْمَ تَبْیَضُّ فیهِ الْوُجوهُ

ودروقت شستن دست راست میخوانی اَللّٰهُمَّ
اَعْطِنی کِتابی بِیَمینی وَالْخُلْدَ فِی الْجِنانِ بِیَساری
وَحاسِبْنی حِساباً یَسیراً بعدازآن میشوئی دست
چپ را ومیخوانی اَللّٰهُمَّ لا تُعْطِنی کِتابی بِشِمالی
وَلا مِنْ وَراءِ ظَهْری وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَةً اِلی
عُنُقی وَاَعوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّیرانِ بعد
مسح سر میکنی ومیگوئی اَللّٰهُمَّ غَشِّنی بِرَحْمَتِكَ وَ
بَرَکاتِكَ بعدازآن مسح میکنی پای راست راو میگوئی
اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَیَّ عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ
فیهِ الْاَقْدامُ بعدازآن مسح میکنی پشت پای چپ را

ومبکوئی واجْعَلْ سَعْیِ فیما یُرْضیك عنی
یا ذَاالْجَلالِ وَالاِکْرام

﴿ فصل ﴾ در نواقض وضو که باعث غسل نمیشود شش چیز است ﴿ اول بول ﴿ دویم ﴾ غایط ﴿ سیم ﴾ ریح ﴿ چهارم ﴾ خواب ﴿ پنجم ﴾ زایل شدن عقل مثل مستی و دیوانگی و بیهوشی و رطوبت مشتبه ﴿ ششم ﴾ استحاضه قلیله ﴿ فصل ﴾ در مطهرات است وآن پانزده چیزاست ﴿ اول ﴾ آب ﴿ دویم ﴾ افتاب ﴿ سیم ﴾ زمین ﴿ چهارم ﴾ اسلام ﴿ پنجم ﴾ کشیدن آب انگور یعنی ثلثان شدن ﴿ ششم ﴾ رفتن خون از محل ذبح حیوان ﴿ هفتم ﴾ غایب شدن مسلم ﴿ هشتم ﴾ انتقال ﴿ نهم ﴾ استحاله ﴿ دهم ﴾ برطرف شدن نجاست از بدن حیوان

﴿ فصل ﴾ در تکفین میت است واجب است کفن نمودن میت چه مرد باشد وچه زن بسه پارچه وآن پیراهن ولنگ ولفافه که سرتاسری باشد وشرط است در پیراهن که از شانه تانصف ساق را بپوشاند و لنگ انست که از ناف تامیان زانورا بپوشاند ولفافه آنست که از طول اینقدر زیاد باشد که بتوان دو سر کفن را بست و از عرض اینقدر زیاد باشد که روی هم بیفتد و افضل بلکه احوط پیراهن بلند نمودن است تاقدم ودر لنگ ازسینه تا قدم واحوط واظهر آنست که زاید از قدر واجب را بدون اذن کبار ورثه نکنند و اگر غسل داده شود بدون اذن اولیا باطل است و همچنین است حکم در نماز وشرط است غسل‌دهنده شیعهٔ اثنی عشری باشد مگر درحال اضطرار
﴿ اما ﴾ نماز میت بدانکه واجب کفائی است باین ترتیب که رکوع وسجود ندارد و نماز باید رو بقبله

باشد ونیت کند نماز میت میکنم قربة الی الله وپنج تکبیر دارد ﴿اول﴾ تکبیرة الاحرام و در میان هر تکبیری دعا بخواند ﴿اول﴾ شهادتین ﴿دویم﴾ صلواة بر پیغمبر و آل او ﴿سیم﴾ دعا بر مؤمنین ﴿چهارم﴾ از برای میت پس بعداز تکبیر اول بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً

رَسُولَ اللّٰهِ بعداز تکبیر دویم بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدْ وبعداز تکبیر سیم بگوید

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وبعداز

تکبیر چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتْ

واگر زن باشد میته پس اگر طفل باشد چه نماز براو واجب باشد وچه نباشد بعداز تکبیر

چهارم بگوید

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَاَجْراً

فصل در نماز های واجب است و ان دوازده عدد است (اول) نماز یومیه است (دویم) نماز جمعه است (سیم) نماز عیدین است اما وقتیکه امام ع باشد ویا نائب خاص امام باشد نماز جمعه و نماز عیدین انوقت واجب است نه حال (چهارم) نماز آیات که مقصود از آفتاب و ماه گرفتن و یا زلزله و یا بادهای مختلف و هر چیز ترسنده (پنجم) نماز طواف (ششم) نماز میت (هفتم) نمازی که کسی برای کسی اجیر شود (هشتم) نماز پدر و مادر که بر پسر بزرگ است (نهم) نماز نذر کردن که یعنی از خداوند کسی اولادی بخواهد یاهر حاجتی که از خداوند خواست مثلا بورود بر آمدن حاجت ده روز صاحب نذر نماز بخواند انوقت

واجب میشود (دهم) نماز عهد مثل نماز نذر است (یازدهم) نماز یمین یعنی بعد از قسم خوردن واجب میشود (دوازدهم) نماز احتیاط یومیه که در بین شك کردن حاصل میشود

فصل در نماز آیات است و آن واجب است بر هر مکلفی وان آفتاب گرفتن وماه گرفتن و زلزله است وان دو رکعت است هردو رکعت بیك سلام وهر رکعتی بعد از حمد و سوره یکرکوع بکند و بعد راست شود حمد و سوره بخواند و برکوع رود تا پنج مرتبه و مرتبهٔ پنجم برود بسجده و سجدتین را انجا بیاورد و باز برخیزد مثل رکعت اول عمل نماید و هر دو رکوع یك قنوت که در تمام این نماز پنج قنوت خوانده شود

﴿ فصل ﴾ در سجدهٔ سهو است و آن در پنج موضع نماز واجب میشود –

(اول) در سلام بیجا (دویم) در وقت گفتن کلام بیجا (سیم) وقت تشهد فراموش شده (چهارم) دو وقت سجدهٔ فراموش شده (پنجم) در وقت شك کردن در مابین چهار و پنج بعد از تمام کردن سجده دویم

﴿ سهویات ﴾ نماز بر دو قسم است یا چیزی از نماز کم میشود یاز یاد میشود اگر رکن باشد چه سهو و چه عمد نماز باطل است و اگر غیر از رکن باشد سجدهٔ سهو باید کرد

رکن نماز چهار است (اول) تکبیرة الاحرام (دویم) قیام (سیم) رکوع (چهارم) دو سجده است

﴿ فصل ﴾ در مبطلات روزه است و ان ده چیز است (اول) خوردن (دویم) اشامیدن (سیم) جماع کردن (چهارم) استمنا کردن از منی یعنی کاری کردن که منی از ادم خارج شود (پنجم) سر زیر آب فرو بردن

(ششم) کذب یعنی دروغ بخدا و رسول
خدا وائمه بستن (هفتم) غبار غلیظ بحلق فرو
بردن (هشتم) قی کردن (نهم) اماله کردن
(دهم) باقی بودن بر جنابت
تا صبح

﴿ فصل ﴾ در شکیات نماز است

وان بیست ویك قسم است پنج قسم ان اعتبار ندارد
و هشت قسم ان باطل است وهشت قسم ان صحیح
است اما ان پنجم قسم که اعتبار ندارد (اول)
شك بعد از سلام (دویم) شك بعد از وقت –
(سیم) شك بعد از محل (چهارم) شك
کثیر الشك (پنجم) شك امام و مأموم با حفظ
دیکری اما ان هشت قسم که باطل است (اول)
شك در نماز دو رکعتی واجب غیر از نماز احتیاط
(دویم) شك در نماز سه رکعتی مثل نماز
مغرب (سیم شك در نماز چهار رکعتی که پای

یك در میان باشد (چهارم) شك در نماز
چهار رکعتی که پای دو در میان باشد پیش از دو
سجده (پنجم) شك دو و پنج (ششم) شك
در میان سه وشش و دو شش (هفتم شك در
میان چهار و شش (هشتم) شك در عدد
رکعات که نداند چند رکعت خوانده است اما ان
هشت قسم صحیح (اول)شك میان دوو سه
در نماز چهار رکعتی بعد از سر برداشتن از سجده
(دویم) در این صورت بنارا بر سه کذارد و
نماز را تمام کند بعد یکرکعت نماز احتیاط ایستاده
یا دو رکعت نشسته بجا اورد بهتر آن است که بعدهم
نماز را احتیاطاً اعاده کند یعنی دوباره بخواند و
بهتر یکرکعت نماز ایستاده است (دویم)
شك دو و چهار بعدازسر برداشتن ازسجده دویم بنا
را بر چهار کذارد و نماز را تمام کند بعد دو
رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا اورد (سیم)

شك در میان سه و چهار در هر جا که باشد بنا را
بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند بعد یك رکعت
نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد
اما دو رکعت نشسته افضل است (چهارم)
شك میان دو وسه و چهار بعد از بجا آوردن سجدهٔ
دویم بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند
بعد دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت
هم نشسته بجا اورد بدو سلام اول دو رکعت ایستاده
را بجای اورد بعد دو رکعت نشسته را (پنجم)
شك میان چهار و پنج و ان دو صورت دارد بعد
از سجده دویم یکی و در قیام هم یکی اگر این شك را
بعد از سجده دویم کرد بنا را بر چهار گذارد و
نماز را تمام کند بعد دو سجده سهو واجب بجا
بیاورد و اگر در حال قیام باشد فرو نشیند بنا را
بر چهار گذارد و نماز را تمام کند بعد یا یك رکعت
نماز احتیاط ایستاده و یا دو رکعت نشسته بجا بیاورد

و دو رکعت نشسته افضل است و بعد هم دو سجده
سهو برای قیام خراب شده احتیاطا بجا بیاورد این
شك یا پیش از استقرار قیام یا در میان قرائت یا
بعد از قرائت یا پیش از رکوع در جمیع صور
احتیاطاً نماز را اعاده کند و اگر در سجده اول
یا دویم یا پیش از سجده یا بعد از سجده و بعد از
فراغ از نماز اعاده نمودن نماز تا تواند این احتیاط
را ترك نماید (ششم) شك میان سه و پنج در
حال قیام فرو نشیند و بنا را بر چهار گذارد و نماز
را تمام کند بعد دو رکعت نماز ایستاده احتیاطا
بجا بیاورد و دو سجده سهو برای قیام خراب شده
احتیاطا بجا آورد اگر این شك غیر از قیام در هر جا
که باشد نماز باطل است (هفتم) شك میان سه
و چهار و پنج در حال قیام فرو نشیند و بنا را بر
چهار گذارد و نماز را تمام کند بعد دو رکعت
ایستاده و دو رکعت هم نشسته احتیاطا بجا بیاورد ولی

دو رکعت ایستاده اول بعد نشسته و دو سجدهٔ سهو هم احتیاطا برای قیام خرابشده بجا بیاورد این شك هم مثل شك ششم است و اگر غیراز قیام در هر حال که باشد نماز باطل است (هشتم) شك میان پنج و شش در حال قیام فرو نشیند بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و احتیاطا نماز را اعاده کند و دو سجده سهو برای قیام بجاود و سجده هم برای زیادی نماز احتیاطا بجا بیاورد و در تمام این شکها باید قدری صبر کند اگر علم یا مظنه پیدا کرد که خوب والا بدستور العمل شکیات عمل بکند اما نه آن قدر صبر کند که از صورت نماز گذار خارج شود

فصل در نماز احتیاط و ان واجب است نیت کند که دو رکعت نماز میکنم احتیاطاً انچه از نماز کم شده قربة الی الله و بعد تکبیرة الاحرام بگوید مثل نماز به حمد تنها سوره ندارد و آهسته

بخواند و رکوع و سجود بکند باز بر خیزد بهمین طریق یك رکعت دیگر بخواند قنوت هم ندارد و تشهد و سلام بگوید اما سجدهٔ سهو آنست که نیت کند دو سجدهٔ سهو میکنم بجهت زیادی و کمی نماز قربة الی الله رکوع ندارد بسجده میرود و میگوید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد راست شود دو باره بسجده رود همین ذکر را بخواند بعد بنشیند وتشهد بخواند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته و سجده سهو را ترك نکند و تأخیر نیندازد که اگر ترك بکند نماز باطل میشود و اگر فراموش بکند هر وقت که خاطرش آمد بجا اورد واگر وضو نداشته باشد وضو هم بسازد

﴿ فصل ﴾ هفت موضع است که در وقت سجده باید بزمین برسد (اول) پیشانی (دویم وسیم) دو کف دست (چهارم وپنجم) دو سر

زانو (ششم وهفتم) دو انکشت بزرك پاها این هفت موضع باید بزمین قرار بکیرد آنوقت ذکر سجده خوانده شود

﴿ فصل ﴾ در آداب حمام رفتن و آن بر دو قسم است (اول) اموریست که سنت است بعمل آوردن ان و آن چند چیز است رفتن حمام یکروز در میان و بالنك بودن ودر حال دخول و غسل با امن از ناظر محترم و سلام کردن بکسیکه بالنك است و داخل خزانه که میشوند مکرر بکویند اعوذ بالله من النار و نسئله الجنة و نوره کشیدن هر پانزده روز یا منتهی بیست روز یکمرتبه اما در غیر روز چهار شنبه که مکروه است و مستحب است که اول قدری نوره باانکشت بر دارد بطرف دماغ برساند و بکوید اللهم ارحم سلیمان بن داوود ع کما امرنا بالنورة و بعد از نوره حنا بر سر تا پا مالیدن و سر را با خطمی یا سدر شستن و

ریش را خضاب کردن و دست و پارا خصوص ناخن را (دویم) اموریستکه باید بعمل آورده نشود و آن نیز چند چیز است پدر و فرزند با هم وارد شدن و با شکم خالی و پر بودن وآب سرد نوشیدن و اب سرد ببدن ریختن وبر پهلو یا پشت خوابیدن و ریشرا شانه زدن و مسواك کردن و لنك بر سر ورو مالیدن و با کوزه و آجر پارا پاك کردن و در حال نوره کشیدن نشستن

﴿ فصل ﴾ در آداب تخلی است سنت است در وقت داخل شدن پای چپ را پیش کذارد و در بیرون امدن پای راسترا و سنت است بسم الله کفتن و سر برهنه نبودن ودعا خواندن وقت استنجا مکروه است تخلی کردن در جاده ها و محل آب بر داشتن و محل افتادن میوها و قافله انداز و ورود خانه ها ورو بافتاب وماه و ماه تاب و رو بباد بول کردن ودر زمین سخت وسر سوراخ حیوانات ودر آب جه ایستاده

وچه جاری بول کردن وچیز خوردن وآشامیدن وطول دادن و مسواك کردن در وقت ادرار کردن و طهارت کرفتن بادست راست و با دست چپ هم اکر انکشتر کنده مثل اسماء و غیره باشد مکروه است وسخن کفتن مکر بذکر خدا و بلند کردن مرد بول خود را یعنی روی بپا لا بول کردن از بلندی مثل بام بول کردن وتخلی کردن در قبر یامیان قبور ومستحب است که در وقت استنجا کردن این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْهُمَا عَلَى النَّارِ وَوَفِّقْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

صورت اتمام و اختتام
پذیرفت بنابر خواهش حسب
الفرمایش جناب مستطاب عمدة الاعیان و النجبا
فخار الحجاج و التجار حاجی محمد اسمعیل آقا
الاصل طهرانی المسکن المعروف بقمی زید
توفیقه و طال عمره وقد تمت هذه النسخة
الشریفه من ید اقل السادات
سید علی محمد [illegible] فی شهر ذی
الحجه الحرام من شهور
سنه ۱۳۱۹

در بیان اصول دین است

[illegible]

ونستعین بسم الله الرحمن الرحیم وبه

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف النبیین محمد وآله

الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین بدانکه این

مختصریست از کتاب مفتاح الهدایه مسمی براه راست ترجمه

صراط المستقیم مشتمل بر دو مقصد و خاتمه مقصد

اول در اصول دین و مقصد دوم در فروع دین

مقصد اول مشتمل بر چند مطلب است اول اصول عقاید

پنج است توحید و نبوت و عدل و امامت و معاد در

یعنی اقرار بتوحید

قیامت

دربیان اصول دین است

نام نهاده اند اول جسم و مثل جسم و انچه لازمه جسم است
نیست دوم مرکب نیست سیم محل حوادث نیست چهارم
دیده نمیشود نه در دنیا و نه در اخرت پنجم شریک ندارد
ششم معانی و احوال که صفات زاید بر ذات است ندارد هفتم
محتاج نیست مقام دوم معنی عدل انستکه خدا

در عدل است

عادل است و ظالم نیست و دلیل بران انستکه ظلم
قبیح است و فعل قبیح بالضروره سزاوار خدائی نیست
مقام سیم معنی نبوت انستکه بشری از جانب خدا باید

در نبوت است

و مردم را بدین و ایمان بخواند و در اخبار وارد شده است
که صد و بیست و چهار هزار پیغمبر بوده اند و حضرت
محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم اشرف
و خاتم پیغمبران است و دلیل بر نبوت ان بزرگوار معجزه

در بیان اصول دین است

است که از او متواتر است که یکی از آنها قرآن مجید است که
آنحضرت از جانب خدا آورده و هیچکس نتوانست که
مثل آنرا اگرچه سوره باشد بیاورد و مقام دوم
یعنی امامت آنست که دوازده نفر وصی و جانشین محمد
بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم میباشند
حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة و السلام
و امام حسن و امام حسین علیهما الصلوة و السلام
و امام زین العابدین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام
و امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام و امام رضا علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام
و امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام
و امام عصر حجة ابن الحسن صاحب الزمان علیه الصلوة و السلام

که

در بیان اصول دین است

که زنده و غایب و منتظر فرج است و بعد از ظهور موفور
السرور ایشان پر خواهد کرد زمین را از عدل و داد
چنانچه پر بود از ظلم و جور و این دوازده امام مثل
حضرت محمد ابن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم
معصومند از معصیت و خطا و سهو و حضرت
فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر حضرت محمد ابن
عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم معصومه طاهره
مطهره میباشد و دلیل بر امامت این بزرگواران
معجزاتیست که از آنها ظاهر شده و اخبار متواتره که از
حضرت محمد ابن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم و
نسبت معصومین علیهم السلام بر امامت آنها رسیده مقام
پنجم معنی معاد آنست که تمام خلایق در قیامت زنده

میشوند

میشوند وطایفه به بهشت وطایفه بجهنم خواهند
رفت ودلیل براین آنستکه در دنیا می‌بینیم که جزای
خوب وبد داده نمیشود واگر آخرتی هم نباشد که جزای
عمل هر کسی را بدهند پس خلقت خلایق لغو وعبث
خواهد بود وکار لغو وعبث بر بی نیاز مطلق روا نیست
مطلب سیم آنکه بر هر کسی واجبست که یقین باصول
دین ومذهب داشته باشد وواجب نیست
دلیلها بشکلی که اهل علم استدلال بانها میکنند بداند
بلکه از هر جا که یقین از برای او حاصل شود کفایت
میکند انشاء الله تعالی وباید ضروریات دین را انکار
ننماید مثل وجود بهشت وجهنم وثواب وعقاب
وصراط ومعراج جسمانی وامثال اینها ونماز وروزه و

حج وزکوة وخمس وامر بمعروف ونهی از منکر وامثال
اینها ومحرمات مثل زنا وشراب ولواط وظلم وخوردن
وربا ومال صغیر ودیوانه وامثال اینها پس اینکه اعتقاد
بانچه ذکر شد داشته شیعه اثنی عشریه خواهد بود
پروردگار عالم عز اسمه همه را براه راست هدایت فرماید
بحق محمد وآله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مقصد
دوم در فروع دین است وان مشتمل است بر چند کتاب
اول کتاب طهارت وان مشتمل است بر چند مقام مقام
اول در احکام آبهاست بدانکه آب بر چند قسم است
اول آبی که ماده دارد وان بر دو نوع است یکی جاری
وان آبیست که ماده دارد وبروی زمین هم جاری
وروان است ودیگر آب چاه وچشمه که ماده دارد ولکن

جاری و روان نیست دوم آب بی‌ماده و آن نیز دو قسم
است کثیر و قلیل کثیر عبارت از آبی است که بکشد و
بیست و هشت من تبریز الا بیست مثقال باشد یا بحسب
مساحت هر یک از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم
باشد که مجموع آن در هر شکلی چهل و سه وجب الا هشت
یک وجب باشد و این مقدار را کر می‌نامند و قلیل آبی
است کمتر از این مقدار باشد اما آب با ماده دائم همیشه
بملاقات نجاست نجس نمیشود و اما آب بی‌ماده پس اگر کر
است آن نیز بملاقات نجاست نجس نمیشود و اگر قلیل است نجس
میشود و آب باران در حکم آب جاری است و همه اینها با
همه اقسامی که ذکر شد اگر رنگ یا بو یا مزه آن بواسطه
ملاقات عین نجاست تغییر یافت نجس میشود و پاک نمیشود

مگر

مگر برفتن تغییر و ممزوج شدن با آب طاهری که بملاقات
نجاست نجس نمیشود و چیزهائیکه اطلاق آب بتنهائی
برآنها صحیح نیست مثل گلاب و آب انگور و آب هندوانه
و هر چیز و آنچه مثل اینها باشد بمجرد ملاقات نجاست
نجس میشود و قابل پاک شدن هم نیست مگر اینکه در آب
کر یا جاری بیفتد و نابود شود مقام دوم
در آداب بیت الطهاره واجب است در حال تخلی و در
سایر حالات پوشانیدن عورتین از نامحرم و از طفل
غیر ممیز لازم نیست و حرام است رو بقبله یا پشت بقبله
کردن و واجب است شستن مخرج بول با آب دو دفعه
و اما مخرج غائط بکهنه و سنگ و مثل آنهم پاک میشود
اگر تعدی نکرده باشد بشرط آنکه کمتر از سه کهنه یا

سنگ

شد که جاری و آب باران

سنگ استعمال نکند و اگر عین نجاست پاک نشد باید ١٢
لازم است و حرام است استعمال چیزهائیکه در شریعت
مطهره محترم است مثل ورق قرآن یا تربت و امثال اینها
اگر بقصد استخفاف نباشد و الّا کفر است و همچنین حرام
است استعمال سرگین و استخوان و چیزهای خوردنی
مقام سیوم در نجاسات است و در آن دو فصل است
فصل اول در انواع نجاسات است و آن دوازده است
اول و دوم بول و غایط است از هر حیوان حرام گوشتی
که خون جهنده داشته باشد مثل شیر و پلنگ و
گرگ و روباه و امثال آن وچه بالعرض مثل گوسفند
و شتر جلال و امثال آن سوم و چهارم منی و خون
از هر حیوانیکه خون جهنده داشته باشد چه حرام گوشت

در نجاسات

١٣ باشد وچه حلال گوشت مگر خونیکه در ذبیحه حلال
گوشت بماند بعد از ریختن خونیکه در وقت ذبح بنحو
متعارف ریخته شود پنجم و ششم سگ و خوک صحرائی
و تمام اجزای این دو حتی اجزائیکه روح در آنها
دمیده نشده مثل مو و ناخن و امثال آن هفتم
میته از هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد خواه
حلال گوشت خواه حرام گوشت در همه حال مگر میته
آدمی که نجاست آن مخصوص به بعد از سرد شدن و پیش
از غسل دادن است و اجزائیکه از حیوان غیر خوک و سگ
و انسان غیر کافر جدا شود اگر روح در آن دمیده
نشده پاک و الّا نجس است هشتم کافر چه ذمی باشد
وچه حربی و مرتد چه فطری باشد وچه ملی و همچنین است

١٤ حکم اجزای آنها هر چند اجزائیکه روح در آنها دمیده
نشده تمام شراب و هر مست کننده که در اصل روان
باشد هر چند بخشکد و همچنین است آب انگور بلکه سخت
بجوش آید و دو ثلث آن نرفته باشد دهم فقاع است
و آن شرابی است که از جو بعمل می آید یازدهم عرق
جنب از حرام است خواه در وقت جنابت باشد
یا بعد خواه در زن باشد خواه در مرد خواه از زنا
باشد یا لواط یا وطی بهیمه یا غیر آنها دوازدهم
عرق شتر جلال بلکه مطلق حیوان جلال بنا بر
احوط و مراد از حیوان جلال حیوان نجاست خوار است
فصل دوم در احکام نجاسات شرط است ازاله
نجاست از بدن و جامه بجهت نماز و طواف و از محل

در احکام نجاسات

١٥ سجود و از ظرف بجهت خوردن و آشامیدن و از مساجد
و مصاحف و جلد مصاحف و ضرایح مقدسه
و خون جروح و قروح مادامیکه منقطع نشود
مشقت داشته باشد و خون کمتر از درهم اگر از حیض
نفاس و استحاضه و نجس العین چون سگ و خوک و
کافر نباشد معفو است مقام چهارم در مطهرات
و کیفیت تطهیر و چیزهائیکه پاک کننده است و آن
چیزهائیکه پاک کننده است و آن دوازده چیز است
اول آب است بدانکه آب اگر کر یا جاری باشد پاک می کند
هر متنجسی را که بآن برسد حتی خود آب اگر متنجس شود
و اگر آب غیر جاری قلیل باشد سایر متنجسات غیر آب
را پاک میکند بشرط آنکه آب باجزاء آن برسد و مضاف

در مطهرات

16 نشود و مشاهده کند اگر فرش برداراست بلکه مطهر فرشها
را اگرچه کمی باشد بدهند و نفع کند در غیر جاهای
تراک نماید بلکه در ظرفها احوط سه مرتبه است دوم
زمین است و آن پاک میکند محل استنجا و کف پا و ته
کفش و امثال آنرا سیوم آفتاب و آن پاک میکند زمین
و هر چه بر زمین متصل است و قابل برداشتن و
کذاشتن نیست مثل عمارتها و چوبها و درها و
میخهای آنها و درختها و کیاهها و میوهها مادامیکه
چیده نشده اگرچه رسیده باشد و اگر متنجس نیز
آفتاب خشکیده باشد دوباره او را تر کنند و بتابش
آفتاب بخشکد پاک میشود چهارم استحاله است و
آن چیز نجسی مبدل شدن است مثل آنکه شراب

17 سرکه و سگ نمک و چوب خاکستر شود پنجم اسلام
و آن پاک میکند بدن کافر و اجزاء متصله بآن از
مو و ناخن و رطوبات و غیرها اما ظرف و لباسیکه
در حال کفر با رطوبت بآن ملاقات کرده نجس است
و فرزند صغیر باسلام پدر یا مادر پاک میشود
ششم کم شدن آب انکور بقدر دو ثلث چه با آتش
و چه با آفتاب ثلث دیگر را پاک میکند و اگر بهوا
ثلثان شود احوط اجتناب است هفتم تبعیت و آن
پاک میکند جامه و دست جوشاننده آب انکور
و آلات طبخ را بشرط آنکه مشغول طبخ باشد تا وقتی که
ثلثان شود و دست شوینده لباس و بدن بتبعیت
لباس و بدن اطفال کفار بتبعیت پدر یا مادر پاک

میشود چنانچه گذشت هشتم انتقال چیزیکه محکوم
بنجاست بوده بچیزیکه محکوم بطهارتست مثل خون
انسان یا حیوان که منتقل ببدن کیک یا پشه و مثال
آن شود و منتقل شدن آب نجس بعروق درختها و
میوه‌ها و گیاهها و اگر شک در انتقال داشته باشد
محکوم بنجاست است نهم سنگ و کهنه استنجا که پاک
میکند محل غایط را چنانچه گذشت دهم برطرف شدن
عین نجاست از بدن حیوانات و از بواطن انسان مثل
باطن دماغ و گوش و دهن یازدهم جدا شدن
غساله که پاک میشود از آن رطوبتی که در محل باقی میماند
دوازدهم غایب شدن مسلم با علم او بنجاست و
احتمال تطهیر سیزدهم استبراء از منی ببول کردن و از

بول بفوت مسح کردن با انگشت از مقعد تا بیخ حشفه
سه مرتبه و از آنجا تا سر ذکر و فشردن سر ذکر سه کره
رطوبت مشتبهه بعد ازو محکوم بطهارت باشد چهاردهم
رفتن خون معتاد از محل ذبح بمقام خود و در آن چند
فصل است فصل اول در چیزهائیکه با غسل و وضو
و مبطل اینست و آن هفت چیز است اول و دوم و سوم
بول و غایط و باد است که از معده بیرون آید چه از
موضع معتاد و چه از غیر آن چه موضع معتاد مسدود
شده باشد و چه نشده باشد اگر اسامی آنها بر آن صادق
کند چهارم خوابیکه بر گوش غالب آید و از کار بیندازد
او را پنجم و ششم مستی و بیهوشی چه با اختیار باشد و چه
نباشد هفتم استحاضه قلیله بلکه استحاضه کثیره و

٢٠ متوسط و هرچه موجب غسل باشد غیر جنابت چون
حیض و نفاس و مستحبه و مدار حصول نواقض مذکور
بر علم است پس اگر مظنه باشد یا شك در حصول یکی از
اینها داشته باشد باعث وضو نیست فصل دوم
در واجبات وضو و آن چهار است اول شستن صورت
از رستنگاه مو تا آخر ذقن بحسب طول و میان انگشت
ابهام و وسطی بحسب عرض و آنچه از بشره صورت بموی
ریش یا ابرو پوشیده شده ظاهر آن مو کافی باشد
دوم شستن دست راست از مرفق تا سر انگشتها سیم
شستن دست چپ بهمین طریق چهارم از بالا پایین
شستن پنجم مسح کردن سر بقدری که صدق مسح کند
ششم مسح پشت پا راست از انگشتها تا ملتقی قدم و احوط

٢١ این است که تا آخر قدم مسح کند بعد پشت پای چپ بهمین
طریق هفتم به رطوبت وضو مسح نمودن هشتم این
شستنها و مسح کردنها به نیت قربت بسوی خدا تعالی
بودن نهم وضو با آب مطلق ساختن دهم آب وضو و
فضائیکه در آن وضو میگیرد غصبی نبودن دوازدهم
(یازدهم آب وضو و محل وضو پاک بودن)
ترتیب در شستن و مسح نمودن بطریقیکه ذکر شد
سیزدهم موالات یعنی هر عضو را بشوید و مسح نماید
پیش از خشک شدن اعضاء سابقه چهاردهم آنکه بنفس
خود وضو بگیرد و اگر نتواند دیگری او را وضو دهد و
احوط نیت نمودن هر دو است و اگر یکی از اعضا وضو جراحت
یا قرحه داشته باشد و روی آن را تخته یا کهنه بسته باشد
و نتواند آب بزیر آن برساند یا نتواند و ضرر داشته باشد

بر جای همان تخته و کهنه مسح کند کفایت میکند و احوط آن
است که بعد از آن تیمم کند و اگر عذر زایل شد و جبیره دور
شد اکتفا بآن وضو کند و وضوی تمام بگیرد مثل وضو
در حال تقیه که بعد از رفع آن وضو باز دفعه
وضوی تجدید شد چنین واجبست ولی نماز رجب در حق
واجب اگر بخواهد بجا آورد باید با وضو باشد حتی
اجزاء فراموش شده نماز که قضاء آن واجبست مثل سجده
واحده و تشهد فراموش شده و رکعات احتیاط مگر نماز
میت که بی وضو میتوان کرد و طواف خانه کعبه هرگاه
واجب باشد اما طواف مستحب را بی وضو میتوان کرد هم
مس کتابت قران هر چند مد یا تشدید و اعراب آن باشد
بهر عضوی از اعضای بدن هر چند ناخن بوده باشد

و همچنین است اسماء و صفات خاصه خداوند عالم و اسماء
انبیا و ائمه و حضرت زهراء صلوات الله علیهم اجمعین علی
الاحوط و نیت و شبه آن نیز وضو واجب میشود ششم
در احکام شکها که در وضو هم میرسد اگر وضو داشت
و شک در حدث کرد وضو صحیح است و اگر محدث بود
و شک در وضو گرفتن کرد وضو بگیرد و مظنه بوضو
گرفتن کفایت نمیکند و کسیکه علم بوضو و حدث دارد
و نمیداند کدام مقدم و کدام موخر است در حکم محدث است
و اگر بعد از وضو شک کرد در جزئی یا شرطی از آن اعتنا
نکند و کثیر الشک شکش اعتبار ندارد اگر چه در حال وضو
باشد و ترک احتیاط نکند و اگر در حال وضو شک در
شستن یا مسح کردن عضوی یا بجا آوردن آنچه در او شک کرده

اعاده کند اگر معلوم شود که نخورده والا وضو از سر گیرد
مقام ششم در غسل و واجبات آن شش است غسل جنابت
و غسل حیض و نفاس و استحاضه و مس میت و غسل اموات
و کافی و واجب میشود بنذر و شبه آن چنانچه در وضو
نیز گذشت و در این مقام چند فصل است اول سبب جنابت
دو چیز است اول خروج منی است چه از مرد و چه از زن چه
در خواب و چه در بیداری هر چند از مخرج غیر معتاد باشد ولیکن
باید علم بمنی بودن آن داشته باشد و در حکم منی است
رطوبتی که بعد از انزال و پیش از بول کردن بیرون آید
پس اگر بول نکرده غسل کرد بعد رطوبتی بیرون آمد که احتمال
منی بودن آن میرود غسل را باید اعاده کند دوم
جماع و آن داخل شدن حشفه یا مقدار آنست در قبل یا

در غسل

دبر زن یا مرد و آن سبب جنابت فاعل و قابل است
چه صغیر باشد چه کبیر عاقل باشد و چه دیوانه چه مرده
و چه زنده و در وطی بهیمه نیز احوط غسل است و کافر
و صغیر و دیوانه بعد از اسلام و بلوغ و عقل باید غسل
کنند فصل دوم بر جنب حرام است هفت چیز اول
قرائت سورهای سجده حتی بسم الله بقصد آن سورهها دوم
مس کتابت قرآن حتی مد و اعراب و آنچه در وضو گذشت سیم
درنگ کردن در مساجد چهارم مرور کردن در مسجد
الحرام و مسجد پیغمبر ص پنجم گذاشتن چیزی در مسجد ششم
نماز هفتم طواف و مکروه است خواندن زیاده از هفت
آیه از سورهای دیگر و قرآن برداشتن و حمایل کردن و مس
جلد آن کردن و خوردن و آشامیدن و خضاب کردن

٣٦ و روغن مالیدن فصل سیم غصبی نبودن فضا و مجرا
و غصبی و مضاف نبودن آب و پاک بودن اعضا چنانچه
اشت در وضو گذشت فصل چهارم در کیفیت غسل
و احکام و اقسام آن بدانکه غسل بر دو قسم است ترتیبی
و ارتماسی و در هر دو قصد قربت معتبر است و کیفیت غسل
ترتیبی آنستکه بعد از نیت اول سر و گردن را بشوید بعد
جانب راست بدن بعد جانب چپ آن و عورت و ناف را
با هر دو جانب بشوید و آب تمام بشره بدن حتی زیر موی
ریش و سر برساند و شستن مو بکه عرفا ملحق به بشره نیست
مثل زیادتی ریش و گیسو لازم نیست و موالات و از
بالا به پائین شستن لازم نیست و غسل ارتماسی این
است که یکدفعه بدن را زیر آب فرو برد و در هر دو قسم

لازم است که ازاله مانع از بشره بکند تا آب تمام بدن ٣٧
برسد و در غسل ارتماسی بیرون بودن تمام بدن
از آب لازم نیست ولیکن احوط این است که تا زانو یا
کمر بیشتر در آب نباشد فصل پنجم غسل برای
هفت چیز واجب است طواف و نماز و قرائت سورهای
سجده و روزه واجب و مس کتابت قرآن و اسم خدای
تعالی و اسما انبیا و ائمه و حضرت زهرا علیهم السلام
و گذشتن در مسجد پیغمبر ص و مسجد الحرام و درنگ
کردن در سایر مساجد فصل ششم غسل بجهت چند
چیز مستحب است روز جمعه و لیکن خوبست که مهما امکن
غسل جمعه را ترک نکنند بلکه احوط است و شب و روز عید
رمضان و شبهای طاق ماه رمضان و عید قربان و نیمه

۲۸ رجب و شعبان و مولود حضرت رسالت و مبعث و مباهله
و دحو الارض و غدیر و عرفه و غیر آن که در مقام خود
مذکور است مقام هفتم در غسل حیض و استحاضه
و نفاس و در آن چند فصل است فصل اول در حیض و
آن غالباً سیاه و گرم و سوزنده و جهنده است و خونیکه
دیده شود پیش از نه سالگی و بعد از پنجاه سالگی در غیر
قرشیه و بعد از شصت سالگی در قرشیه حیض نیست
و حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمیشود و
پاکی از حیض یعنی فاصله میان حیض و حیض دیگر نیز کمتر
از ده روز نمیشود و حاصل میشود عادت زن بیکجا
بودن ایام خون در دو ماه بحسب وقت و عدد یا وقت
پس در ماه سوم ترک میکند عبادت را بمجرد دیدن

۲۹ خون اگرچه خون زرد باشد بخلاف غیر ذات العاده
که تا سه روز از دیدن خون نگذرد ترک عبادت
نمیکند و بنا را نمیگذارد بر حیض بودن تا وقتی که
سه روز بگذرد مگر اینکه خون متصف بصفات خون
در استحاضه
حیض باشد فصل دوم در استحاضه غالباً زرد
و سرد و رقیق است و با سستی بیرون می آید و حدی از
برای کم و زیاد آن نیست و فاصله پاکی ده روز
بین استحاضه و استحاضه دیگر شرط نیست و آن بر
سه قسم است قلیله و متوسطه و کثیره پس هر گاه پنبه
خون ولو یک قطره و کمتر باشد قلیله است و اگر پنبه
را خون فرو گرفت متوسطه و اگر جاری شد کثیره است
و در هر سه صورت لازم است که برای هر نمازی وضو

۳۰

در نفاس است

بکرد و پنبه را عوض کند با لشوید و در قسم دوم یک غسل
بجهة نماز صبح پیش از وضو یا بعد از وضو نیز لازم است
و در صورت سوم سه غسل یکی بجهة نماز صبح و یکی
بجهة نماز ظهر و عصر و یکی برای مغرب و عشا فصل سوم
در نفاس است و آن خون ولادتست که با مولود بیرون
آید اگر چه سقط و علقه و مضغه باشد یا بعد از ولادت
تا ده روز و اقل آن یک لحظه و اکثر آن ده روز است از
اول دیدن خون اگر چه روز دهم ولادت باشد پس
اگر از ده روز گذشت استحاضه است تا اقل طهر واقع
نشده و بعد از آن حیض و ذات العاده در حیض ایام
عادتش را نفاس قرار دهد اگر خون از ده روز
بگذرد و اگر بعد از ده روز قطع شد تمام ده روز

در غسل میت است

نفاس و مثل حیض است در احکام مقام هشتم در غسل
میت و سایر احکام آن باید مریض را در حال احتضار
بنحوی بخوابانند که اگر بنشیند رو بقبله باشد و
مستحب است که شهادتین و اقرار با ئمه و کلمات فرج
را تلقین او نمایند و اگر شب است چراغ نزد او گذارند
و قرآن بخوانند خصوص سوره یس و صافات و واجب
است ورثه غسل بدهند بعد از آنکه ازاله نجاست از
بدن او کرده باشند اول با آب سدر دوم با آب کافور
سوم با آب خالص و در کافور و سدر مسمی کافیست و
معتبر است مماثلت غاسل با میت پس زن زن و مرد
مرد را غسل دهد مگر طفلی که کمتر از سه سال داشته
باشد و زن و شوهر و شوهر زن را غسل میدهد

در غسل میت است

۳۲ وبا نبودن اینها محارم غسل بدهند و اولی بمیراث اولی است
پس اگر خود مباشر نشود اذن و در غسل میت با احکام
معتبر است و با امتناع از اذن و مباشرت اعتبار اذن
ساقط است و بعد از غسل لازم است قدری کافور
بهفت موضعی که در حال سجده بر زمین میگذارد بپاشند
مگر اینکه در حال احرام پیش از آنکه طیب بر او حلال شود
مرده باشد فصل دوم در تکفین واجب است در آن
سه قطعه لنگ و پیراهن و لفافه و در حال ضرورت
هر چه میسر است کافی است و اگر امر دایر شد میان لفافه
و غیر آن لفافه مقدم است و جایز نیست تکفین در
مغصوب و نجس و حریر محض و پوست و در اجزاء آن
غیر ماکول بنابر احوط فصل سوم هرگاه میت با کفن

با علم بعدم اولی

او

در نماز و دفن میت است

او بعد از غسل نجس شد ازاله نجاست لازم و اعاده ۳۳
غسل لازم نیست و اگر بعد از وضع در قبر کفن نجس شد
اگر ممکن باشد بشویند والا همان موضع را مقراض
نمایند و کفن زن بر شوهر است اگر متمکن باشد و الا
بر مال خود زن است و کفن مملوک بر مولی است و کفن
و سایر مصارف تجهیز بنحو اقتصاد و سایر کارها از اصل مال
میت مقدم بر وصیت و دین و میراث است فصل
چهارم در نماز و دفن میت واجب است بر میت پنج تکبیر
بگویند بعد از تکبیر اول شهادتین و بعد از دوم
صلوات و بعد از سوم دعا مومنین و بعد از چهارم
دعا بر میت بهر عبارت که باشد و مستحب است که بنحوی که
در اخبار وارد شده و در کتب مفصله مذکور است بخوانند

[illegible]

و میت

٣٤ ومیت را در قبر به پهلوی راست بخوابانند رو بقبله و او را
در خاک پنهان کند بقدری که از جانوران ایمن باشد و بوی
بیرون نیاید و فصل پنجم مس میت بعد از یکه صد و مس کند
اگر چه با جزائیکه حیات در آنها حلول نکرده باشد مثل ناخن
بعد از سرد شدن و پیش از غسل موجب غسل است و مس
شهید و کسیکه پیش از کشته شدن او را غسل میت داده اند
موجب غسل نیست و حکم قطعه از زنده یا مرده حکم میت است
اگر استخوان داشته باشد و الا موجب غسل نیست مطلقا
ششم در تیمم و موجبات و احکام آن هر کس وضو یا غسل
بیکی از اسباب آن بر او لازم شود و عاجز از بدل استعمال
آن شود چه نداشتن آب بعد از طلب آن در زمین سست
بقدر دو تیر پرتاب و در زمین سخت بقدر یک تیر و

٣٥ چه بر بودن و چه بضرر داشتن و چه بحاجت داشتن
آن بجهت حفظ نفس محترم واجبست که بجای آن تیمم کند بخاک
خالص و رمل و ریگ و سنگ اگر ممکن شود و الا بغبار
و اگر نه بگل و کیفیت آن بنحو احتیاط چه در وضو و چه در غسل
این است که هر دو کف دست را یکدفعه بر زمین زند
و پیشانی و ابروها را از طرف بالای بینی هر دو مسح کنند
بعد تمام ظاهر کف دست راست را بباطن دست چپ بعد
تمام ظاهر کف چپ را بباطن دست راست مسح کند و دفعه
دیگر نیز دو دست بر خاک زند و همین کیفیت دستها را
مسح کند و موالات تیمم پی در پی بجای آوردن است
عرفا و در وجوب نیت و ترتیب و مباشرت و طهارت
و اباحه خاک و محل و رفع مانع و غیر آن حکم وضو است

 کتاب الصلوة

کتاب الصلوة و در آن چند مقام است مقام اول در اعداد
نمازهای واجب و نوافل یومیه و وقتهای آنها و جمله‌ای از احکام آن
و در آن دو فصل است فصل اول در عدد آنها بدانکه نماز
واجب پنج است اول نماز یومیه شبانه روزی دوم صلوة آیات
سوم نماز طواف چهارم نماز یکه نذر و شبه آن بر خود
واجب کرده باشد پنجم نماز میت اما نماز شبانه روزی
پس واجب از آن هفده رکعت است دو رکعت صبح چهار رکعت
ظهر چهار رکعت عصر سه رکعت مغرب چهار رکعت عشا
و ظهر و عصر و عشا از برای مسافر و خائف دو رکعت است
و اما نمازهای مستحب پس آنها اما آنچه اهتمام به آن در شرع زیاد
است حتی اینکه اگر نکرد قضا کند نوافل یومیه است و عدد
رکعت
انها سی و چهار است هشت رکعت پیش از ظهر و هشت

پیش از عصر و چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت نشسته
بعد از عشا که شمرده یک رکعت است و آن را وتیره میگویند
و دو رکعت نافله صبح و یازده رکعت نافله شب که
از هشت رکعت نهم و دهم آن شفع و یازدهم وتر است و این سه رکعت
دیگر افضل است و نافله صبح از اینها افضل است و از
مسافر و خائف نوافل نمازهای چهار رکعتی ساقط است
فصل دوم در اوقات نمازهای واجب و مستحب شبانه
روزی و در آن مسائل چند است اول داخل میشود
وقت ظهر بزوال شمس و چون مقدار چهار رکعت از زوال
گذشت ظهر و عصر شریک‌اند در وقت تا چهار رکعت بغروب
ماند پس مختص بعصر است تا اول مغرب که رفتن سرخی
ان چهار رکعت بعصر
از طرف مشرق است و احوط تا خیر نیند اختن نماز ظهر

در اوقات نمازهای واجبی و مستحبی

و عصر است از فرود رفتن قرص آفتاب و شناخته میشود ۳۷

زوال باینکه سایهٔ هر چیزی که بر روی زمین منصوب شده زیاد

شود بعد از کم شدن یا پیدا شود بعد از نبودن سیم

چون مقدار اداء نماز مغرب از اول آن گذشت مغرب

و عشاء شریک شوند در وقت تا چهار رکعت نصف شب تمام

لیکن مخصوص عشا است تا اگر تا آخر نهاد پیش از طلوع فجر

بجا آورد لکن نیت اداء و قضا نکند چهارم فجر صادق

که طلوع کرد وقت نماز صبح است تا وقت طلوع آفتاب و

فجر صادق روشنی است که پهن میشود در کنار افق مثل

جامهٔ سفید و هر چند نگاه میکنند روشنیش زیاده تر

میشود بخلاف فجر کاذب که دراز میشود بسمت آسمان

مثل دم گرگ و هر چند نگاه کنند روشنی کم میشود

در بیان قبله است

مقام دوم در قبله و در آن مسائل چند است اول

قبله عین خانهٔ کعبه است از برای دور و نزدیک ولیکن از

برای دور سمت کعبه کافی است بنحوی که بگویند رو بکعبه

ایستاده و آثار مساجد و قبور مسلمانان و ستاره

جدی در بلاد عراق و بعض ستارهها دیگر در جاهای

دیگر تشخیص میتوان داد دوم کسیکه قبله را نمیتواند شد

و راهی بتشخیص آن ندارد بچهار سمت نماز بخواند و اگر

میداند که از دو سمت یا سه سمت یا یک سمت بیرون

نیست بهمان سمت بایستد سیم فرق نیست در معتبر

بودن قبله بین نماز واجب و مستحب در حال اختیار

هر چند در کشتی باشد بلی نماز مستحب را در حال سواری

و راه رفتن بغیر قبله میتوان خواند و در حال ضرورت نماز

واجب

در لباس نمازگذار

واجبه برای اهل مشهور خوانند ولی استقبال قبله هر قدر
ممکن شود لازم و اگر نشد ساقط است مقام سوم
در لباس نمازگذار و در آن مسائل چند است اول واجب
است در حال اختیار پوشانیدن بشره عورت اگر چه ناظر
محرم هم نباشد در نماز واجب و مستحب و اگر در بین نماز مکشوف
شد یا از اول مکشوف بود و مصلی ملتفت نبود و بعد
از التفات پوشانید کافی است دوم عورت مرد که باید در
حال نماز و غیر آن بپوشاند قضیب و خصیتین و دبر است
لیکن مستحب است که از ناف تا زانو را بپوشد و عورت
زن تمام بدن او است حتی سر و موها مگر صورت و پنجه
و قدم که پوشانیدنش لازم نیست و بر کنیز پوشانیدن
سر هم لازم نیست سیم لباس باید مباح و پاک باشد از

در مکان نمازگذار

هر نجاستی مگر خونیکه کمتر از گودی کف دست باشد و
خون حیض و نفاس و استحاضه و نجس العین نباشد و همچنین
باید از ابریشم و پوست حیوان حرام گوشت نباشد و در
لباس مرد شرط است که طلا باف و حریر خالص نباشد مقام
چهارم مکان نمازگذار باید مستقر باشد و غصبی
نباشد و اگر نداند که غصب است یا فراموش کرد نماز
صحیح است و جاهل مقصر یعنی نداند که غصب حرام است
در حکم عامد است و موضع پیشانی در حال سجود
باید از هر نجاستی پاک باشد و باید تا ممکن است بر زمین
یا گیاه یا کاغذ سجده کند نه چیزهای دیگر مثل خوردنیها
و پوشیدنیها و معدنیها مثل یاقوت و فیروزه و
امثال آن از چیزهائیکه زمین نامیده نمیشود سجده

جایز نیست و بهتر این است که بر تربت حضرت سید الشهداء
علیه السلام سجده کند مقام پنجم در اذان و اقامه بدانکه
اذان و اقامه هر دو مستحب‌اند در نمازهای یومیه چه اداء و چه
قضا از برای منفرد و جماعت چه مرد و چه زن و در جماعت
و نمازهای جهریه خصوص صبح و مغرب مستحب موکد است
و در بعضی نمازها واجب یعنی اذان و اقامه شرط صحت الصلوة
کفن مستحب است و معتبر است در اذان و اقامه عقل و اسلام
بلکه ایمان و بلوغ در اقامه شرط است نه در اذان پس
اذان طفل ممیز صحیح است دون اقامه او و اذان زنان
برای خودشان خوب است مقام ششم در افعال نماز
و آن بر دو قسم است واجب و سنت و واجبات آن یازده
است نیت تکبیرة الاحرام قیام قرائت رکوع سجود ذکر

در اذان و اقامه

در افعال نماز

تشهد سلام و ترتیب و موالات و هر یک مشتمل بر واجبات
و مستحبات است که تفصیل هر یک مذکور میشود پس در
این مقام یازده فصل است فصل اول در نیت و آنچه واجب
است در نیت نماز و آن بجا آوردن نماز است بداعی تقرب
بخدا و باید عالم در اول تکبیرة الاحرام و باقی بودن بر همین
قصد تا آخر نماز و قصد وجوب و استحباب لازم نیست
لیکن قصد چیزهایی که بآن نماز از نمازهای دیگر امتیاز داده
میشود لازم است و واجب نیست که بخاطر بگذراند که نماز
میکنم قربة الی الله بلکه همین قدر که نماز را بهمین قصد
بجا آورد کافیست مسئله اگر قصد نماز کرد پس از آن منصرف
شد که نماز پیش را تمام نکرده مثل اینکه پیش از بجا آوردن
ظهر قصد عصر کرد عدول میکند بظهر و همان نماز

بر قصد ظهر تمام میکند و اگر قصد ظهر کرد پس ملتفت
شد که نماز ظهر را کرده نمیتواند قصد عصر کند بلکه باطل
است مسئله اگر بنیت نماز ظهر برخواست و بزودی بنیت
عصر جاری شد یا بخاطرش خطور کرد بی آنکه قصد
بقصد دیگر مبدل شود ضرر ندارد و همان نیت که
برخواسته نماز را تمام میکند فصل دوم تکبیرة الاحرام
رکن است پس زیاد کردن و کم کردن آن نماز را باطل می شود
اگرچه سهوا باشد و باین جهت است که اگر دو دفعه بقصد
تکبیرة الاحرام تکبیر گفت و نماز باطل شد باید دفعه سوم
بگوید تا صحیح شود و همچنین فصل سوم قیام رکن است
در تکبیرة الاحرام و رکوع باین معنی که باید از قیام برکوع
رود و در قرائت واجب غیر رکنی است پس ترک آن عمدا

مبطل و سهوا مبطل نیست و واجب است اگر میتواند
خود بایستد پس اگر تکیه کرد بر کسی یا چیزی نماز باطل است
بلی اگر نتوانست باید تکیه کند اگرچه باجیر کردن کسی باجرت
واجاره کردن عصا باشد و اگر عاجز است از قیام
چه از روی نبودن چیزی که بر او تکیه کند و چه بواسطه شدت
نشسته نماز کند و اگر نتوانست بدست راست بخوابد و
اگر نتوانست بدست چپ و اگر نتوانست بر پشت بخوابد
و از برای رکوع و سجود لب را اشاره کند اگر میتواند و اگر نه
بچشم و اشاره از برای سجود زیادتر کند فصل چهارم
واجب است در رکعت اول و دوم نماز خواندن سوره
حمد و یک سوره تمام غیر از حمد بعد از آن و در این چند
مسئله است اول در صورت مرض و تعجیل میتوانند

بحمد تنها اکتفا کند دوم واجبست که حمد را بر سوره
مقدم دارد پس اگر عمداً مؤخر داشت نماز باطل و اگر سهو
کرد و قبل از رکوع متذکر شد سوره دیگر بعد از حمد
بخواند سیم جایز نیست خواندن سورهای بزرگ که بسبب آن
فوت وقت میشود پس اگر عمداً خواند نماز باطل و اگر سهو
شروع کرد و ملتفت شد قطع کند و سوره دیگر بخواند
و همچنین جایز نیست خواندن سورهای سجده و حکم عمد
و سهو آن مثل سابق است چهارم واجبست بر مرد بلند
خواندن حمد و سوره در نماز صبح و مغرب و عشا و
آهسته خواندن در ظهر و عصر مگر بسم الله آن که مستحب
است بلند بخواند و اگر از روی نادانی و فراموشی در
موضعی که باید بلند بخواند آهسته خواند یا بعکس عیب

ندارد و واجبست آهسته خواندن حمد و سوره حتی
بسم الله آن بر مأموم مگر تکلیفش خواندن قرائت باشد
مثل اینکه در رکعت دوم امام اقتدا کرده باشد و
سوم امام که دوم اوست باید قرائت بخواند و اما زنان
پس مخیرند در مواضع جهریه بلند خواندن و آهسته
خواندن اگر نامحرمی صدای ایشان را نشنود و الا آهسته
بخوانند پنجم واجبست بر کسیکه قرائت را نداند یا غلط
بخواند تعلیم گرفتن آن و کفایت میکند اداء حروف بطوریکه
از یکدیگر ممتاز باشند و محافظت بر وقف و اعراب در
مواضع آن و چیزهای دیگر که اهل تجوید ذکر نموده اند
لازم نیست ششم مخیرست مکلف در رکعت سوم و
چهارم از نماز سه رکعتی و چهار رکعتی بین قرائت حمد

در رکوع و ذکر آن

تنها خوانند و تسبیحات اربعه که سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر باشد واحتیاط آنست سه مرتبه
بخوانند فصل پنجم واجب است در هر رکعتی یک رکوع و آن
رکن است پس کمی و زیادتی آن نماز باطل میشود چه
عمدا باشد چه سهوا مگر در جماعت که اگر پیش از امام
سهوا سر را از رکوع برداشت واجبست متابعت امام
کند و برکوع رود و در اینجا چند مسئله است اول
باید بقدری خم شود که دستهایش بزانویش اگر بخواهد
برساند نتواند خم شود بان مقدار هر قدر میتواند کافی   واگر نتواند ×
است واگر هیچ نتواند خم شود بنشیند واگر نهاد در بر نتستر
هم نسبت رکوع را ایستاده باشاره ادا کند و باید
بقصد رکوع خم شود پس اگر بقصد دیگر خم شد همینکه

در سجود و ذکر آن

بحد رکوع رسید قصد رکوع کرد کافی نیست سیم
واجب است در رکوع سه مرتبه سبحان الله یا یک
مرتبه سبحان ربی العظیم وبحمده بگوید واستقرار و طمانینه
در حال رکوع و ذکر لازم است اگر نتواند والا ساقط است
فصل ششم واجب است در هر رکعتی دو سجده و هر دو
با هم رکن اند پس اگر هر دو را ترک کند یا زیاد چه عمدا
و چه سهوا نماز باطل است و در این چند مسئله است
اول باید دو کف دست و دو زانو و دو انگشت شصت
پا را بر زمین گذارد و طمانینه واستقرار در آنها باشد
و سه مرتبه سبحان الله یا یک مرتبه سبحان ربی الاعلی
وبحمده بگوید و باید در حال تمام ذکر این هفت موضع
در محل خودش باشد بلی غیر از پیشانی سایر مواضع را

پیش از کشیدن ذکر مشغول برداشتن و بگذارد دوم باید موضع صنعی
پیشانی و محل ایستادنش مساوی یکدیگر باشد و بلند
و کوتاه نباشد مگر بقدر کلفتی یک خشت که ضرر
ندارد و باید سر از سجده اول بلند کند و بنشیند و
از نشستن بسجده دویم رود و سجده دوم را همین طریق
بجا آورد ششم کسیکه قدرت بر خم شدن از برای سجده
ندارد موضع سجده را بلند کند و پیشانی را بران نهد
و اگر هیچ قادر بر خم شدن نیست بسر اشاره کند
و اگر نمیتواند بچشم فصل هفتم در تشهد و کیفیت آن
این است که بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد
و آل محمد فصل هشتم سلام جزء نماز است و محل آن بعد

تشهد رکعت آخر است و کیفیتش آن این است که بگوید السلام
علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین السلام علیکم و رحمة الله و
برکاته ولیکن سلام اول مستحب است و آخر اجزاء تشهد است
و یکی از دو سلام آخر واجب است و هر کدام را که بگوید
کافیست و از نماز بیرون میرود فصل نهم واجب است ترتیب
در افعال نماز بنحویکه ذکر شد پس اگر عمدا ترک ترتیب نماید
نمازش باطل است و اگر سهوا چنین کرد پس اگر رکنی را بر
رکن دیگر مقدم داشت نمازش باطل است و اگر رکن بر غیر
رکن مقدم داشت مثل اینکه پیش از قرائت رکوع کرد ضرر
ندارد و اگر غیر ارکان را بر یکدیگر مقدم داشت هم ضرر
ندارد ولیکن بعد از ملتفت شدن باید برگردد از جایی که

52 بی ترتیب کرده مثل ترتیب بجا بیاورد اگر داخل رکن نشده و فصل
دهم موالات در افعال و اقوال نماز واجب است و معنی
موالات این است که افعال پی در پی باشند پس اگر فاصله
باشد میان فعلی و فعل دیگر یا قولی و قول دیگر موالات
حاصل نخواهد بود مقام ششم چیزهائیکه نماز را
باطل میکند غیر از آنچه در ضمن مسائل سابقه گذشت
و آن یازده چیز است اول حدث اصغر و اکبر که در هر جا
نماز واقع شود باطل است اگرچه در حرف آخر سلام باشد
چه عمدا و چه سهوا و چه قهرا دوم غیر مسلوس و مبطون
و مستحاضه دوم دست بر دست نهادن در حال قیام
بطوریکه اهل سنت میکنند سوم پشت بقبله کردن چه
عمدا و چه سهوا و چه قهرا و همچنین است اگر تمام بدن یا

53 تمام صورت بجانب راست و چپ برگردد که در این صورت
نیز عمدا و سهوا بلکه قهرا هم مبطل نماز است و اگر کمی
از این برگشت سهوا عیب ندارد و عمدا مبطل است
چهارم حرف زدن بغیر قرآن و دعا و ذکر اگرچه بدو
حرف مهمل باشد عمدا مبطل است و سهوا مبطل نیست
~~چنانکه تبسم که خنده بی صدا است مبطل نیست پنجم قهقهه یعنی خنده~~
صدادار و آن مبطل است عمدا و قهرا و اگر از روی غفلت
از نماز باشد مبطل نیست چنانچه تبسم که خنده بی صدا است
عمدا نیز مبطل نیست و اگر خنده را حبس کند که صدا بروز
ننماید ظاهرا حکم قهقهه دارد ششم گریه کردن از برای
امور دنیا عمدا بلکه قهرا نیز مبطل است و اگر از روی
غفلت از نماز باشد ضرر ندارد هفتم فعلیکه

نماز چو صورت صلوة باشد و اسم نماز را از میان ببرد
اگرچه کم باشد مثل بر جستن و امثال آن چه عمداً چه
سهواً مبطل نماز است و اگر اسم نماز را از میان نبرد
مبطل نیست اگرچه بسیار باشد مثل حرکت دادن انگشتها
هشتم خوردن و آشامیدن اگرچه کم باشد و
صورت نماز را بهم نزند و فرو دادن بقیه طعامی که
در دهن است مانند که از دندان و امثال آن که در
دهن آب شود و فرو رود عیب ندارد نهم بعد از
حمد آمین گفتن بدون تقیه عمداً مبطل و سهواً
مبطل نیست دهم شک در عدد رکعات نماز دو
رکعتی و سه رکعتی و دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی
و اما دو رکعت آخر پس حکمش خواهد آمد انشاء الله

یازدهم عمداً زیاد کردن یا کم کردن جزئی از نماز
چنانچه گذشت مقام هفتم در صلوة آیات و در
آن چند فصل است فصل اول در چیزهایی که بواسطه
آنها این نماز واجب میشود و آن چند چیز است اول
و دوم ماه گرفتن و آفتاب گرفتن چه تمام آن بگیرد
و چه بعض آن سیم زلزله چه شدید و چه ضعیف چهارم
بادهای سیاه و سرخ و زرد و تاریکی و صاعقه و امثال
اینها اگر شدید باشند بنحوی که غالب مردم بترسند
چه آسمانی باشد و چه زمینی مثل اینکه زمینی یا شهری
بزمین فرو رود و وقت نماز کسوف و خسوف از وقتیکه
میگیرد تا وقتیکه شروع در انجلاء کند اداء است و از
وقتیکه تمام منجلی شد نیت ادا و قضا نکند بلکه نیت

56 قرینه مطلقه بجا آورد واما سایر آیات اگر مقدار آن از زمان
که بتوان نماز کرد طول بکشد باید فوراً نماز کرد و اداء
است اگرچه بمقدار یک رکعت باشد و اگر نه وقت معینی نخواهد
داشت و هر وقت میتوان کرد و کسیکه مطلع نشود بر
گرفتن آفتاب و ماه تا وقتیکه تمام منجلی شود قضا بر او
لازم نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و نماز آیات بر
کسی لازم است که آیه در بلد او ظاهر شده باشد پس اگر
مطلع شود که در جائی دیگر ماه گرفته یا زلزله شده نماز
ندارد فصل دوم نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعتی
پنج رکوع و بدو کیفیت است کیفیت اول این است که نیت میکنند
و تکبیرة الاحرام میگوید و حمد و یک سوره میخوانند و برکوع
میروند تا پنج مرتبه همین ترتیب بعد سجده میکنند و بعد از

و سر از رکوع برمیدارد و باز حمد و یک سوره میخواند و برکوع میرود تا پنج مرتبه صح

57 سجدتین برمیخیزد و رکعت دوم را نیز بکیفیت رکعت اول
بجا می آورد و بسجده میرود و بعد از سجدتین تشهد و سلام
میگوید کیفیت دوم این است که بعد از نیت و تکبیرة
الاحرام حمد بخواند و یک آیه از یک سوره بخواند و برکوع
رود و بعد از رکوع آیه دیگر از همان سوره بخواند و
برکوع رود و سر بردارد و آیه دیگر از آن سوره بخواند
و برکوع رود تا پنج مرتبه تمام شود پس دو سجده بجای
می آورد و رکعت دوم را نیز چنین بجای می آورد و باید
بیک حمد و یک سوره تمام پیش از پنج رکوع خوانده شود
و سوره قل هو الله احد که پنج آیه است با بسم الله باین
کیفیت خواهد شد و حکم این نماز در شرطها در انحدث
وخبث و سایر شرایط حکم نماز یومیه است مقام هشتم

[illegible]

در شکیات نماز و در آن چند مسئله است مسئله کسیکه ۵۸
شک کند در اینکه نماز کرده یا نه پس اگر بعد از گذشتن
وقت نماز است اعتنا نکند و اگر در وقت است نماز کند مسئله
اگر بعد از نماز شک کرد اعتنا نکند چه شک در رکن باشد
چه در غیر رکن مسئله کسیکه بسیار شک میکند باید
اعتنا نکند چه شکش در عدد رکعات باشد چه در
افعال چه در اقوال و بنا بر آوردن مشکوک گذارد اگر
موجب فساد نماز نیست و الا بنا بر آوردن بگذارد مسئله
کسیکه شک کند در کاری از کارهای نماز و هنوز از
محل آن کار نگذشته یعنی مشغول کار دیگر نشده باید بجا
بیاورد و اگر گذشته اعتنا نکند مسئله کسیکه شک کند
در رکعات نماز باید قدری فکر کند اگر بخاطرش آمد که چه

رکعتی است عمل کند و اگر بر شک باقی ماند پس اگر شک در ۵۹
نماز دو رکعتی است یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول از
نماز چهار رکعتی است نمازش باطل است و اگر در دو
رکعت آخر نماز چهار رکعتی است در نه صورت نماز باطل
نیست و علاج دارد و در غیر اینها باطل اول آن نه صورت
صحیح شک بین دو و سه بعد از سر برداشتن از سجده
دوم که بنا را بر سه میگذارد و رکعت چهارم را بجا
میاورد و نماز را تمام میکند و بعد از نماز یک رکعت
ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند دوم شک میان
سه و چهار در هر جا که باشد بنا را بر چهار میگذارد
و نماز را تمام میکند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده
یا دو رکعت نشسته بجا میاورد سوم شک میان دو

وچهار بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوم بنا را بر چهار می
گذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت ایستاده بجا می
آورد چهارم شک میان دو و سه و چهار بعد از سر بر
داشتن از سجدهٔ دوم بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام
میکند و بعد از نماز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
میکند پنجم شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجدهٔ
دوم بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند بعد دو
سجدهٔ سهو میکند ششم شک میان چهار و پنج در حال
قیام که قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد بشک سه
و چهار و حکم آن گذشت هفتم شک میان سه و پنج در حال
قیام قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد بشک دو و
چهار و عمل او را بجا می‌آورد هشتم شک میان سه و چهار و

و پنج در حال قیام قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد
بشک دو و سه و چهار و عملش را بجا می‌آورد نهم شک
میان پنج و شش در حال قیام قیام را بهم میزند و شکش
بشک چهار و پنج بر میگردد و عمل آنرا بجا می‌آورد و دو
سجدهٔ سهو میکند مسئلهٔ رکعات احتیاط مثل سایر
نمازها است در وجوب نیت و تکبیرة الاحرام و رکوع
و سجود و تشهد و سلام و شرایط و احکام ولیکن حمد
تنها بخوانند و آهسته بخوانند حتی بسمله آن را علی الاحوط
و قنوت ندارد و باید متصل بنماز باشد قبل از آنکه
چیزی که منافی نماز است بجا آورد مسئلهٔ اجزائیکه از
نماز فراموش کرده قضا ندارد مگر یک سجده و تشهد
و اجزاء تشهد را که قضای اینها بعد از نماز بدون فاصله

در سجدهٔ سهو است

61 لازم است حتی قبل از رکعات احتیاط مسئله سجده سهو
در شش جا واجب است اول کلام بیجا دوم سلام بیجا سوم
شک بین چهار و پنج چهارم سجده فراموش شده پنجم تشهد
فراموش شده ششم قیام بیجا بلکه نشستن بیجا بلکه هر
زیاد و کمی که در نماز سهواً واقع شده و در محل تدارک آن
نکرده علی الاحوط کیفیت آن این است که بسجده برود و
بگوید بسم الله و بالله وصلی الله علی محمد و آل محمد پس سر
بردارد و دوباره بسجده رود و ذکر را بگوید و بعد از
سر برداشتن تشهد متعارف بزبان بیاورد اشهد ان محمداً
رسول الله بیش از صلوات و مجموع را بقصد قربت مطلقه
بخوانند و اکتفا کند به السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
مقام نهم در نماز جماعت و در آن چند فصل است

در نماز جماعت

فضل

در نماز جماعت است

62 فضل اول جماعت در مستحبات موکده است در تمام نمازها
واجب خصوص نماز یومیه خصوص ادا بیشتر از آن خصوص نماز
صبح و مغرب و عشا خصوص بر کسیکه همسایه مسجد است
و فضیلت نماز جماعت بسیار است بحدیکه اگر عدد جماعت
کننده گان بده نفر برسد اگر تمام دریاها مرکب و تمام
درختها قلم و تمام جن و انس و ملائکه نویسنده باشند
قادر نیستند که ثواب یک رکعت آنرا بنویسند و در مسجد
الحرام و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مشاهد مشرفه و
مسجد جامع فضیلتش بیشتر است و شرط است در امام
جماعت اینکه عادل باشد یعنی معصیت کبیره و اصرار
بر صغیره نکند و طریق فهمیدن عدالت آنکه مردمیکه
با او معاشرت دارند بغیر از خوبی از او نگویند یا در غالب

شهادت بعدالت او بدهند فصل دوم و در آن چند
مسئله است اول باید در نماز جماعت نیت اقتداء
بشخص معینی کرد پس دو نفر در یکجا نماز جماعت میخوانند
هر دو را عادل میدانند ولیکن نمیدانند نماز کننده کدام
است قصد صحیح نیست مگر آنکه نیت اقتداء با امام حاضر
کند و در تعیین امام بعد از آنکه عدالتش را دانست همین
قدر کافیست که قصد کند اقتدا با این شخص و دانستن اسم
و رسم و خصوصیات دیگرش لازم نیست دوم خواندن
حمد و سوره در دو رکعت اول امام از ماموم ساقط است
چه نماز جهریه چه اخفاتیه سوم باید ماموم متابعت کند
امام را در افعال ولکن اگر پیش یا عقب بیفتد اگر عمداً
باشد حرام است ولکن اقتدا بهم نمیخورد و لحوط اعاده

است

است چهارم ماموم اگر در رکعت دوم مثلا با امام اقتدا کرد
باید در رکعت سوم امام که رکعت دوم اوست حمد و سوره
آهسته بخواند و اگر امام برکوع رفت و هنوز سوره
را نخوانده ترک سوره کند و با امام برکوع رود و لیکن
اگر حمد را نخوانده نیت فرادی کند و تا امام سر از رکوع
بر نداشته میتواند اقتدا کند و بعد از آن در این رکعت
نمیتوان اقتدا کرد پنجم مرد بزن و ایستاده بنشسته و نشسته
بخوابیده نمیتواند اقتدا کند ولکن عکس جایز است فضل
ششم باید میان ماموم و امام یا مومنین که بین او و امام
فاصله اند چیزیکه مانع مشاهده است مثل بودن دیوار
یا پرده و امثال آن حایل نباشد و در اینجا چند مسئله
است اول تاریکی و غبار اگر مانع مشاهده هم باشد ضرر

ندارد

ندارد و حایل کوتاه که مانع از مشاهده است در حال سجده 65
ضرر ندارد دویم این شرط معتبر است در جماعت مردها
با مردان و زنان با زنان اگر ماموم زن باشد و امام مرد
و بین او و امام حایل مذکور بوده باشد و لکن مانع اطلاع
بر افعال امام نباشد ضرر ندارد سیم معتبر است که بین امام
و ماموم دوری زیاده از متعارف نباشد بلکه زیاده از
یک گام متعارف از موضع ایستادن امام و سر ماموم
در حال سجده فاصله نباشد اگرچه در بین نماز حادث
شود بلی اگر ماموین مهیا شده باشند از برای اقتداء
بنحویکه مشرف بر گفتن تکبیرة الاحرام باشند اقتدا کردن
ماموین عقب ندارد اگرچه خلاف احتیاط است چهارم +
باید مکان امام بلند تر از مکان ماموم نباشد بلی اگر زمین

66 قلیلی سرشیب باشد عیب ندارد و اما مکان ماموم اگر
زیاد بلند باشد عیب ندارد مادامیکه ربط بین امام
و ماموم از میان نرود پنجم باید ماموم مقدم بر امام بلکه
مساوی با او هم نباشد بلکه در همه حالات امام مقدم باشد
مقام دهم در نماز مسافر بدانکه بر مسافر لازم است که
نماز را قصر کند و روزه را افطار کند به هفت شرط اول
اینکه بقدر مسافت باشد و مسافت هشت فرسخ است و هر
فرسخی سه میل است و هر میلی چهار هزار ذراع دست انسان
معتدل است و باید مسافت معین باشد بعلم یا دو شاهد
عادل یا شیاعی که موجب اطمینان باشد پس اگر شک داشته
باید نماز را تمام کند و روزه بگیرد و اول جائیکه باید
مسافت را از آنجا حساب کند سور و باره بلد است اگر سور

در نماز مسافر است

داشته باشد و اگر نه احوط آنست در بلاد متعارفه مسئله
مسافت مذکوره در رفتن تنهائی یا برگشتن تنهائی باشد شبهه
نیست و اگر در رفتن و برگشتن هر دو بقدر مسافت باشد
چند صورت دارد یکی آنکه رفتن چهار فرسخ باشد و برگشتن
هم چهار فرسخ دوم آنکه رفتن بیشتر از چهار فرسخ باشد
و برگشتن کمتر سوم عکس آن صور تا آخر قصر مطلقا نیست
و در دو صورت دیگر اگر خیال دارد در همان روز
و شب برگردد قصر لازم است و الا اگر ده روز نماند
احوط جمع است شرط دوم آنکه مسافر قصد مسافت داشته
باشد پس هرگاه مقدار مسافت را بی قصد برود مثل آنکه
عقب دزد یا گریخته و مانند آن برود و نداند که بعد
مسافت خواهد رفت یا نه و اگر با نخود برود از مسافت محسوب

نیست و باعث قصر نمیشود هر چند زیاده از هشت فرسخ باشد
و فرق نیست در قصد مسافت میان آنکه بالاصالة قصد
داشته باشد یا بتبع غیر مثل غلام و کنیز و زن و مانند
انها حکم انها حکم مولی و شوهر است پس اگر مولی و شوهر
قصد مسافت دارند حکم کنیز و زن قصر است شرط
سوم آنکه قصد مسافت را مستمر بدارد تا وقتی که
بآخر برسد پس اگر پیش از آنکه چهار فرسخ برود مترددد شد
یا قصد برگشتن کرد نماز را تمام کند و روزه را اگر افطار
نکرده افطار نکند و نمازیکه پیش از تردد کرده صحیح است
اعاده و قضا ندارد شرط چهارم آنکه مسافت را قطع نکند
بقصد ماندن ده روز یا ماندن تا سی روز بی قصد
یا عبور بوطن که اگر یکی از اینها حاصل شد سفر قطع می

شود پس اگر قصد هشت فرسخ مثلا کرد و لیکن بنا دارد
که در بین راه ده روز بماند یا بوطن خود مرور کند چنین
هشت فرسخی مسافت شرعی نیست و موجب قصر نمیشود
و همچنین اگر از اول مردد است که در اثناء راه ده روز
بماند یا نه یا بوطن مرور کند یا نه و حکم تردد در نیت
اقامه یا مرور بوطن که در اثناء راه بهم رسد مثل تردد
در طی مسافت است که در شرط سوم گذشت شرط پنجم
آنکه سفر مباح باشد پس اگر سفر معصیت باشد نماز را
باید تمام بخواند و روزه بگیرد چه خود سفر معصیت باشد
مثل گریختن غلام و کنیز و امثال آن و چه بجهت معصیت
باشد مثل سفر کردن از برای دزدی و راه زنی و از برای
ظلم بر کسی و امثال آن شرط ششم آنکه سفر را عمل خود قرار

ندهد مثل مکاری و ملاح و قاصد و امثال اینها که باید
نماز را تمام بخوانند در سفر و روزه بگیرند مگر به پنج شرط یکی
آنکه مسافری را که عمل خود قرار داده اند بقدر مسافت شرعی باشد
و اگر کمتر باشد مثل فرسخی که در کمتر از مسافت تردد
میکند اگر به مسافت سفر کرد باید قصر کند دوم آنکه سه سفر
پی در پی کرده باشند که اگر سفر اول ایشان باشد باید قصر
کند و در سفر دوم احتیاط باید جمع بین قصر و اتمام
کند و در سفر سوم تمام کند سوم آنکه ده روز پی در
پی در وطن خود یا جای دیگر با قصد اقامه نمانند چهارم
آنکه سفر بغیر باشد که آنرا عمل خود گرفته اند که اگر سفر دیگر
کند مثل آنکه مکاری یا ملاح بقصد حج یا زیارت سفر
کند قصر کند پنجم آنکه سفر کردن شغل دائمی یا غالبی ایشان

باشد که اگر مثل حمله دارها در خصوص موضع سفر کنند
یا مثل بعضی پیله ورها در تابستان سفر کنند و در زمستان
نکنند باید که قصر کند هفتم از شروط قصر آنکه از جائیکه
میخواهد سفر کند تا بقدر دو فرسخ باشد که دیوارها
یا دیوار سور شهر نبیند و اذان بلد را نشنود اگر ببیند
دیوار شهر را نمیتواند قصر کند و در مراجعت از سفر هم همینکه
بجائی رسید که دیوار بلد دیده میشود یا اذان شنیده
میشود نمیتواند قصر کند مسئله هرگاه این هفت شرط جمع
شد باید نماز را قصر کند مگر در چهار مکان که مخیر است
میان قصر کردن و تمام کردن اول مسجد الحرام دوم مسجد پیغمبر
صلی الله علیه و آله سیوم مسجد کوفه چهارم حائر حضرت
سید الشهداء علیه السلام اگر در هر یک از اینها نیت ده روز

از فرمطهر ## کتاب صوم ## بخیرات

و در آن چند مقام است مقام اول در معنی روزه و
کیفیت آن بر سبیل اجمال بدانکه روزه عبارت است از
امساک کردن و نگاه داشتن خود را از نه چیز از اول
طلوع فجر صادق تا اول مغرب قربة الی الله تعالی اول
و دوم خوردن و آشامیدن سیوم جماع کردن چهارم
دروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام و پنجم
زهرا علی الاحوط ششم فرو بردن تمام سر در آب هفتم غبار
غلیظ بحلق رسانیدن و ملحق است دود هفتم باقی
ماندن بر جنابت تا طلوع فجر هشتم استمنا کردن نهم
حقنه کردن بچیزهای روان دهم قی کردن مقام دوم
در بیان احکام آن و در آن چند فصل است فصل اول

در بیان روزه است

۷۳ بدانکه نیت شرطست در روزه و در هر عبادتی بنحویکه در
نماز گذشت و گفته شد که بخاطر گذرانیدن نیت لازم
نیست بلکه کفایت میکند داعی بر عمل محض فرمان برداری
خداوند عالم جل جلاله باشد که اگر غرض خدا نباشد
عبادت نیست و همچنین گذشت که اگر عمل متعدد بر ذمه
داشته باشد باید تعیین کند که این عملیکه میکند کدام
یک از آنهاست و اگر یک عمل بیشتر بر ذمه ندارد قصد
تعیین لازم نیست بلکه همین قدر که آن عمل را به نیت
قربت بکند کافیست فصل دوم بدانکه در ماه مبارک
رمضان روزه غیر رمضان نمیتوان گرفت چه روزه
واجب و چه مستحب حتی کسیکه روزه رمضان بر او واجب
نیست مثل مسافر و امثال آن چه این حکم را بدانند و چه

۷۴ ندانند و چه فراموش کرده باشد بلی تعیین روزه رمضان
هم لازم نیست بلکه همین قدر قصد کند که فردا روزه
میگیرم قربة الی الله کفایت میکند اما در غیر رمضان
هر روزه که میگیرد باید تعیین کند که چه روزه ایست
مثلا کفاره یا قضا یا نذر یا عهد یا یمین و امثال
آن میگیرم قربة الی الله فصل سوم وقت نیت روزه واجب
اول طلوع فجر است از برای شخص ملتفت و کسیکه ملتفت
نیست یا خوابست همین قدر که جزئی از شب نیت روزه
فردا کند کافیست و اما روزه مستحب از اول شب تا آخر
روز هر وقت که نیت کرد عیب ندارد و روزیکه شک
دارد که آخر شعبان است یا اول رمضان باید به نیت آخر
شعبان روزه بگیرد و اگر بعد یاد بر این معلوم شد که

چه بدانند که رمضان است یا ندانند یا فراموش کرده باشد بلی

٢٥ که از رمضان بوده در رمضان ادا کرد و یا بنیت را مستمر بدارد
تا آخر روز با این معنی که قصد اینکه روزه نباشد نکند
بلکه مردد نشود که روزه باشد یا نه فصل چهارم در بیان
از این مفطرات را اگر عمداً بجا آورد موجب قضا و
کفاره میشود مگر قی کردن که موجب قضا تنها است
و کفاره خوردن روزه یکی از سه چیز است یا یک بنده
آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن که سی و یکروز پیش
پی در پی باشد یا شصت مسکین را طعام دادن فصل
پنجم در چند مورد قضا تنها لازم است اول کسیکه
قدرت بر تفحص از طلوع فجر داشته و تفحص نکرده یا
از روی اعتماد بر قول غیر عادل بلکه دو عادل مفطری
بعمل آورد بعد معلوم شد که صبح طالع بود دوم

٢٦ کسیکه را خبر دهند که صبح طالع شده و اعتنا نکند
از روی آنکه او را صادق نداند یا مسخره خیال کند
بلکه اگر دو عادل با و خبر دهند و اعتنا نکند و مفطر
بعمل آورد کفاره نیز لازم است اگر معلوم شد که صبح بوده
سوم کسیکه بواسطه کوری یا عذر دیگر از روی اخبار مخبر
بداخل شدن شب افطار کرد با تمکن از تفحص بوده
بی آنکه تفحص کند از داخل شدن شب بقول عادل بلکه
عدلین افطار کرد چهارم کسیکه بواسطه تاریکی
قطع کرد که شب داخل شده و بی آنکه تفحص کند افطار کرد
بعد معلوم شد که مغرب نشده پنجم کسیکه بخیال سرد
کردن دهن آب در دهن ریخت و بی اختیار فرو رفت
فصل هفتم در اقسام روزه روزه بر چهار قسم است

واجب و مستحب و مکروه و حرام و روزه واجب هفت است
روزه ماه رمضان و کفاره و قضا و بدل قربانی در حج
تمتع و نذر و عهد و یمین و امثال آن و روزه سیم روز از
ایام اعتکاف و روزه روزی که نماز عشا شب پیش
بواسطه خوابیدن تا نصف شب نخوانده است و روزه
مستحب بسیار است و روزه چند روز مستحب موکد است
پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه وسط
و ایام البیض هر ماه که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
باشد و روز غدیر و روز مولود پیغمبر صلی الله علیه و
آله و روز مبعث و روز دحو الارض و عرفه و مباهله
و هر پنجشنبه و هر جمعه و روز اول ذی الحجه بلکه نه
روز اول آن و روزه ماه رجب و شعبان و غیر اینها از روزه

مکروه چند روز است روزه روز عرفه از برای کسیکه
او را از دعاهای عرفه ضعیف کند یا اول ماه معلوم (خواندن)
نباشد و احتمال عید بدهد و روزه مهمان بی اذن
میزبان و روزه فرزند بی اذن پدر و مادر و روزه
حرام چند روز است روز عید رمضان و عید قربان و سه
روز بعد از آن از برای کسیکه در منی است و روز سی ام
شعبان بقصد رمضان و روزه وفا بنذر معصیت و
روزه سکوت و روزه وصال و روزه واجب در سفر
مگر آنکه نذر کرده باشد فصل هشتم روزه از غیر
بالغ و دیوانه و حایض و نفسا واجب نیست و از مست
و بیهوش و مسافر و مریض صحیح نیست ولیکن قضا آن
بر اینها لازم است مگر بر مریضی که مرضش تا سال دیگر

+ غیر از غیر بالغ و دیوانه

طول بکشد که قضا از او ساقط است ولیکن باید هر روزی ۷۹
یک مد طعام بفقیر بدهد و قضای روزه فوری نیست لیکن
قضای ماه رمضان را تا رمضان دیگر نرسیده باید کرد
و کسیکه روزه واجب بر ذمه دارد روزه مستحبی نمی تواند
بگیرد و قضای روزه که از پدر فوت شده بر پسر بزرگ
لازم است و احوط قضای از مادر است نیز مطلب سیم
در زکوة و در آن دو مقام است مقام اول زکوة بر نه
چیز واجب است گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره مسکوک
بسکه معامله و گندم و جو و مویز و خرما و در همه نصاب
شرط است نصاب گوسفند پنج است چهل یک گوسفند صد
و بیست و یک دو گوسفند دویست و یک سه گوسفند
سیصد و یک چهار گوسفند چهارصد و هر صد و یا در شود

۸۰ هر صد یک گوسفند نصاب شتر دوازده است از پنج تا
بیست و پنج هر پنج یک گوسفند بیست و شش شتر یک بچه
در دو سال شده باشد یعنی و شش شتر یکبره داخل در سه
باشد چهل و شش شتر یکبره داخل در چهار باشد شصت و
یک شتر یکبره داخل در پنج باشد هفتاد و شش شتر دو شتر که داخل
در چهار باشد صد و بیست و یک و زیاد بر هر چهل
شتر یکبره داخل در سه باشد با هر پنجاه شتر یکبره داخل در
چهار باشد و زکوة شتر هر جا که شتر میدهند ماده
باشد نصاب گاو دو است یکی سی گاو و یک گاو یکساله
بدهند نر یا ماده و یکی دیگر چهل گاو و یک گاو ماده
که داخل در سه سال باشد بدهند و نصاب طلا
دو است اول بیست مثقال صحیح نخود بعد چهار مثقال

81 هرچه زیاد شود و نصاب نقره هم دو است یکی صد و
چهل مثقال صیرفی نخودی و بعد بیست و هشت مثقال
هرچه زیاد شود و زکوة هر دو نقره یک چهل و یک است
و نصاب کند و باقی دیگر صد و چهل و سه من شاه
است قدر زیادتر من شاه هزار و دویست و هشتاد
مثقال بجیب و چهار نخودی است و در پنج اول شرط آنست
که سال بگذرد و در سه اول شرط است که رکن نباشند
و در تمام سال بگیرند مقام دوم در زکوة فطر است
واجب است زکوة فطره بر هر که داخل ماه شوال شود
عاقل و بالغ و آزاد و دارای مؤنه سال خود و عیال خود باشد
از برای خود و هر که عیال اوست بلکه میهمان و مولود که
پیش از غروب وارد شود و مقدار آن نصف من شاه است

در زکوة فطره

82 تخمینا از خرما یا گندم یا جو و اگر قیمت آن بدهند نیز خوب است
مطلب چهارم در خمس است و در آن دو مقام است اول
واجب است خمس در هفت چیز اول آنچه از معدن بیرون
آورند مثل طلا و نقره و فیروزه و نفت و امثال آن دوم
گنجی که پیدا کند و شرعا مالک آن شود سوم آنچه از دریا
بفرو رفتن در آن بیرون آورند چهارم هر مداخلی که
مثل آنکه از کافر حربی بجنگ گرفتن بدزدی یا مثل آن
یا جواهری که از دریا بیرون افتاده باشد یا از زیر زمین
چیزی حسن که کنز نباشد و امثال اینها پنجم زمینی که ذمی
بخرد از مسلم ششم مالیکه بحرام مخلوط شده مقدار و
صاحب آن معلوم نباشد هفتم آنچه از مؤنه سال زیاد
بیاید از تجارت و صناعات و زراعات مقام دوم

نصف خمس مال فقراء بنی هاشم است که شیعه اثنی عشری
باشد و نصف دیگر مال حضرت امام عصر است عجل الله
وارواحنا له الفدا علیه و علی آبائه المعصومین افضل
الصلوة والسلام و در زمان غیبت راهی بغیر از
رجوع بمجتهد جامع الشرایط بنظر نمی آید مطلب ششم
در عقود و در این چند مقام است اول فروختن و
خریدن که معنی بیع است اگر ثمن و مثمن تاخیر ندارد
نقد است و اگر ثمن تاخیر دارد نسیه است و اگر مثمن
تاخیر دارد سلف است و این هر سه صحیح است و اگر هر دو
تاخیر دارند کالی بکالی است و باطل و باید فروشنده
و خریدار عاقل باشند و سفیه نباشند و ثمن و مثمن
معلوم باشند و اگر مکیل و موزون باشد مساوی

باشند که اگر یکطرف زیاده باشد ربا میشود و حرام
اگر از یک جنس باشند مقام دویم اجاره مالک نمودن
کسی است که منفعت چیزی را مثل خانه و دکان و حیوان
و امثال آن بقصد اجاره یا شخصی خودش را اجاره
بدهد بکسی که عملی از برای او بکند و باید آنچه را که اجاره
میدهد و آنچه وجه اجاره است معلوم باشد مقام
سیوم ضمان یعنی کسی ضامن شود که طلب زید را که از
عمرو دارد مثلا بر ذمه او باشد و حواله یعنی طلبی که
زید از او دارد بعمرو مثلا بدهد و کفالت یعنی کسی که
مدیون عمرو است هر وقت عمرو او را بخواهد حاضرش
نماید مقام چهارم رهن چیزی را که قرار بدهند
که طلبکار مطمئن باشد که اگر دین او را نداد آنچیز را

در بیان رهن

بفروشد و عوض طلبش برگردد و قرض یعنی چیزی از اشیا طلا ٨٥
و نقره ملک کسی بکند که هر وقت بخواهد عوض آن را بدهد
مقام پنجم معنی وکالت کسی را نائب خود کردن است در
کاری در زمان حیوة و معنی وصیت نائب کردن
کسی است در کاری بعد از مردن و در حقوق مردم و
خمس و زکوة و حج و امثال اینها وصیت واجب است و
در غیر اینها مستحب است و چه بسیار خوب است که همچنین وصیت
نامه اش شخص زیر سرش بوده باشد خاتمه بعضی از
علماء رضوان الله علیهم عقد اخوت را ذکر فرموده اند
و فایده از عقد این است که اگر برادری نموده مقدم
بدارد در حوائجی که دارد بنا بر این برادران اگر هم
دور از هم باشند بهم امداد و اهتمام در دعای خیر [illegible]

در وکالت

[illegible]

٨٦ داشته باشد ان شاء الله تعالی ثوابش زیاده خواهد بود
و صیغه آن باین طریق است که برادر بزرگتر بگوید احببتک
فی الله و صافحتک فی الله و صافیتک فی الله و عاهدت
الله و ملائکته و انبیائه و کتبه و ائمته علی انی ان کنت من
اهل الجنة و الشفاعة و اذن لی الدخول فیها لا ادخلها
الا و انت معی پس کوچکتر بگوید قبلت و اسقطت عنک
حقوق الاخوة ما خلا الدعاء و الزیارة و الشفاعة
الحمد لله رب العالمین و کوچک قبول کند و السلام
علی محمد و آله الطاهرین و علی اخواننا المؤمنین و رحمة
الله و برکاته

تمت

بسم الله الرحمن الرحيم

پس حواشی در رسائل مرسوم است محل تامل است محل
اشکال است معلوم نیست اشکال دارد خالی از اشکال نیست
با اینکه مراجعه شود محتاج بمراجعه است تمام این عبارتها
مفادش یکی است یعنی بی فتوائی است میتوان رجوع بغیر
نمود یا مختلف است و در بعض صور هم احتیاط را
میدانند تکلیف مقلد چیست و مراد از اینها چه باید
نمود چه بلی در تمام اینها میتوان رجوع بغیر نمود مگر
بعید نیست که این از اینها ظاهر فتوی است و مانند اینها
طریق احتیاط و تفهیمش نخواهد باید سؤال از کسانیکه
میدانند و عالمند نمایند انشاء پس مقلد بکر فعلا

نمیتواند رجوع بمجتهد خود نماید در هر مسئله محل ابتلاء
خود و در رسائلهم مسئله را ندیده یا نیست یا میتواند
رجوع بغیر اعلم نماید با عدم علم او بمخالفت غیر اعلم با اعلم
و یا رجوع بعالم مجتهد غیر جامع الشرایط تقلید میتواند
نمود در صورت مظنه بموافقت و یا مجتهد خودش باید
چه بلی رجوع میتواند نمود و مجتهد غیر جامع شاید
هیچ یک از امور شرعیه نیست والله العالم پس مقلد
میداند که مجتهد او مدام بمراجعه تجدید رای و تبدل
فتوای جهت و حاصل میشود فعلا در مسائل ابتلای
که در رسائل مرسوم است با عدم اطمینان ببقاء مجتهدش
بر آن رای و آن فتوی تکلیفش چیست چه عمل بر رسائل
مرسومه میتواند نمود تفحص و تجسس لازم نیست والله

٨٩ الله العالم س در صورت علم بفسق حاکم شرع معین
عالمین بفسق حاکم بحکم چنین حاکمی اخذ حقوق نمیتوانند حاکم و علم انحصار
با عدم انحصار اخذ حق برجوع باین حاکم چه حال دارد
تصرف در این مال ماخوذ از برای محکوم له و از برای
غیر محکوم له در صورت محق بودن ج اگر ما خود عین
مال محکوم له بوده باشد تصرف جایز است والا حرام است
والله العالم س مسئله در بعض رسالها فتوی
فرموده اند و در بعض دیگر احتیاط چه باید نمود ج موضع
رسالها محشی بر اینکه غالبا فتوای متن که موافق با احتیاط
است بحال خود میگذارند حاشیه نمینویسند پس منافی
با اینکه در رساله دیگر احتیاط فرموده باشند ندارد
فتوی اگر بخواهد
و عمل بر آن ~~احتیاط خواهد بود یعنی رجوع بغیر~~ مجتهد نمیتوان

٩٠ ~~نمود و اما اگر هر دو نفر یک مجتهد باشد آن احتیاط~~
~~نماید تا معلوم شود و اگر با خبر یکی را باید سند عمل برای آن~~
~~مسئله خواهد~~ والله العالم س ماذون از قبل حاکم
شرع که فکر از وجوهات خود را بمستحقین برسانند
هرگاه بداند مومن سائل خود را بطریق متعارف از ملک
یا متنعم و امثال آن دارد چون زیاده بر کی میکند آخر
سائل محتاج خواهد شد صلاح میشود از وجوهات باو
بدهد یا نه و مسئله دیگر را هم نمیدانند که بدانند انحصر
مقتضای ذی احتیاط اندازه است ج بیش از اخوانه که محتاج
میشود نمیتوان از وجوهات باو داد و مسئله دیگر اگر
کسانیکه با آن شخص معاشرت دارند و از احوالات او
باخبرند و غرض شان نفاق و دو دوستی و ملاحظات دیگر ندارند

بگویند تا آن در امور معاش خود زیاده روی نمیکنند ٩١
کالفحات و هرجا که شک دارند و نمیدانند احتیاط فرمایند
انشاء الله تعالی س اهل دیوان مولی دارند که محتمل است مال
حلال در آنها و بعضی اوقات معلوم است حلال بودن
بعضی اموال آنها ولو با اینکه در معاملات تقلب میکنند
و تعدی و جبر و ظلم به بایع میدهند کما اینکه متعارف است فعلا
در دو نوع مردم فعلا اموالیکه معلوم نیست حرمت آنها اگر قبض
و تصرف نمودن و خریدن و فروختن چه صورت دارد
ج ما دامیکه خصوص آن وجه را نمیدانند حرام است
و احتمال حلیت میدهند جایز و حلال است بحسب ظاهر
شرع انور والله العالم س در این زمان وضع تجار
بر آن شده که عنوان کمپانی برقرار نموده اند باینکه جمعی

٩٢ شریک میشوند و مبلغی وجه محدود معین مینمایند و مشغول
تجارت میشوند و سابقین ده تومان صد تومان
هزار تومان میدهند با چند نفر که مدار شراکت
و تجارت با آنها است بدون آنکه قرار در منافع و
مصارف و ضرر و نفع بدهند بر چند نفر در آخر سنه
حساب میکنند بعد از وضع مخارج و ضرر آنچه نفع حاصل
گردیده هر کسی را بحسب تفاوت که داده است نفعی میدهند
این عنوان عنوان شراکت است یا مضاربه یا عنوان دیگر
مشروع است یا نه ج علی ای حال جایز و بی ضرر است
ان شاء الله تعالی و اگر خدا نخواسته خسارتی روی دهد تجار مسطور
ضامن نیستند اگر بدون تفریط باشد والله العالم
س مؤنه مرض زوجه از ادویه و اغذیه غیر متعارفه

واجره طبیب بر زوج است و از نفقه است یا نه و مخارج سفر
نمودن زوجه سفر زیارت یا غیر زیارت باذن زوج
خود مخارج چیکه زاید بر وطن است هم از جهت کرایه و هم از
جهت اغذیه بر زوج است یا نه وکذا مخارج مکه معظمه
از اغذیه و اطعمه که زاید بر حضر است ج هرگاه سفر صورت
بر زوج بیست الی اگر زوج خواسته بودن زوجه را در
سفر و ملاحظه خود را نموده اگرچه زوجه نیز مایل بوده
بعید نیست مخارج متعارفه سفر بر زوج بوده باشد
س وجوهی که وکیل حاکم شرع است از بابت سهم امام
علیه السلام وغیره ما دامیکه نرسانیده است بحاکم شرع
بدون رجوع و استیذان میتواند معامله کند بانوعیکه
نفعی عاید شود یا نه و در صورت عدم جواز اگر معامله

نمود و نفعی حاصل شد چه صورت دارد ج بدون
اذن حاکم شرع اگر معامله نمود نقصان در عهده اوست
و علی کل حال نفع از مستحقین است باید باذن مجتهد
جامع الشرایط صرف شود س وکیل از قبل حاکم شرع
من باب تحصیل وجوهات مخارجی مینماید بمثل اضیافت
میکند من باب اینکه در ضیافت مردم را آشاد کند ولهذا بدارو ع
بدادن وجوهات اگر چنین شده و ثمری مترتب شده و
بواسطه آن مجلس عاید شده بعنوان مخارج ضیافت در محسوب
نمود از وجوهات یا نه ج مظان اشتباه و وقوع در خلاف
واقع است البته ترک نماید مگر اینکه اذن بخصوص از حاکم
شرع بخواهد انتهی س شخصی وکیل از قبل حاکم
شرع اخذ وجوه نماید و حواله مسد سبیلی و نفوذی

95 كه كرفته است تفاوت دارد در بلد بين مثلا در بلد اصفهان
ليره كرفته است بقيمت پنج تومان و حواله ميكند در بلد كه
حاكم شرع است مبلغ پنج تومان بدهد بحاكم شرع و اكر
عين ليره شد حواله كند تفاوت دارد مثلا در بلد حاكم
قيمت ليره پنج تومان و ده قران است تكليف چيست بايد
عين ليره را كه كرفته است حواله كند تا تفاوت و زيادی عايد
فقراء بشود يا الفرض نيست ج بايد عين ليره را بحاكم شرع
برساند يا دست مزد العمل ديكر دهد هر چه فرمايد اطاعت كند
انه تعالی س وصی عالم است بدين موصی و ورثه
منكرند دين را ميكويند بايد ثابت شود و قسم ياد كند
دائن يا وصی ميتواند بعلم خود عمل كند يا نه و آيا جايز است
از ثلث بدهد و در صورت علم جواز دادن را از اصل تركه

بدون ثبوت و قسم يا نه ج وصی با علم بدين بينه و يمين نه
ميتواند وفا نمايد و حكم فقها در مقام فقه و ورثه اكر بشود بايد
جواب بدهد مجرد علم داشتن ثمر در مقام فقه ندارد و از
ثلث نميتواند مكر بوصيت يا محتاط مطلق بودن در ثلث
هو العالم س وكيل حاكم شرع در اخذ وجوهات
وجهيكه ميكيرد اكر تبديل نمايد عين وجه را بنقد ديكر
كه زيادتی و تفاوت دارد آيا واجب است بكند يا جايز
ج واجب نيست اجازه خواهد بود س شخصی وجهی
ميدهد بزيد كه بجهت اموات و قرائت نمايد يا نايب
[illegible] بكيرد الشخص عالم است كه اكر بكويد من خودم قرائت
ميكنم يا نايب ميشوم نهايت رضايت را الشخص دارد اما
يقين دارد كه صاحب وجه قاطع است كه زيد بغير [illegible]

٩٧ وجود شیء یکیه بعد از آن صورت میشوند بر بلد و چه برین درتر
بعید جهت نخوانند مرا انهم
و قرائت زیارت کند یا نه ج
ان باشد ریک میشوند بر دارد و اگر آن شخص از خود داده باشد
مطلق بوده ... والله العالم س شیخ عالم است
زید وجوهات بر ذمه دارد و عاصی است نمیدهد الا با حا
است بر آن شخص که از اموال او بر دارد بقدر یکه مقلد و ش
میشود و بحاکم شرع برساند و یا در صورتی جواز
با علم جواز فرقی میانه وکیل از قبل حاکم شرع و غیره هست
یا نه ج جایز نیست مگر باذن حاکم شرع او و فرقی میان
وکیل و غیر آن نخواهد بود والله العالم س یک قطره باد و
قطره بباید از آسمان نجس بشود بملاقات نجس و پاک کند جاوان
است یا نه ج یک قطره و دو قطره معلوم نیست او عرفا باران

نگویند پس باید قطرات پی در پی عرفا بباید که او را باران
بیاشد بلکه احوط آنست که نقدر باشد که اگر بر روی سنگ
بارد بهمین سبب ببارد فلکه جاری شود س تطهیر آب کر و
جاری اگر تعدد بخواهد بر همین جو تیره و حوض و نهر و امثال
آن اگر نجس باشد یا نجس شود چه باید نمود و چه نکه فرق
میشود فشار آن لازم است و چه مقدار باید فشرد ج
اما در تطهیر با آب جاری تعدد لازم نیست و در کر احتیاط
است و در بول و همین آن احتیاط لازم نیست اگر چه
احتیاط در آن نیز مستحب است و در جنین تعدد بعضی نموده
نموده چون مسئله مبتدا نیست لهذا و متمکنا است اگر چه
نمی باشد چه در کر چه در جاری کافی است
... شستن مس غسالات آب جاری و کر چه حکم دارد

ج غساله در هر دو پاک است خصوصاً جایی که بلند بعد
در آن کافی است والله العالم س طریق تطهیر آب نجس چه
گونه است ج آبیکه بملاقات نجس نجس نشود مثل باران و
کر و جاری وارد بر او شود اگر چه از منبع دور بیاید بتوسط
فواره و لکن آب در فواره را بگیرد یا کاری بکنند که آب فواره
متصل بآب حوض شود مثلا مقدار یک کر از آب نجس را مقداری
از آن آب وارد ممزوج شود عرفاً پاک میشود و باقی هم ممزوج
شدن بآن ممزوج شده نیز پاک میگردد والله تعالی س حکم
شک دو و پنج و سه و پنج بعد از سلام چیست ج مرحوم
مبرور رضوان مقام آقای حجة الاسلام طاب ثراه میفرمودند
اگر منافی بعمل آورده باطل است و الا بر حسب بعض جوابات ما
حکم نهاده در صورت اول و یک رکعت هم چنین در صورت

دوم بجای آورد و احتیاطاً نماز را اعاده نماید والله تعالی
س شک بعد از السلام علینا و علی عباد الله الصالحین چه حکم
دارد ج اگر عادت بگفتن السلام علیکم دارد بعد از آن
نداشته اعتنا بشک ننماید و اگر معمول بوده چنانکه اکنون
متعارف چنین است احوط عمل نمودن بموجب آن شک است
والله العالم س وضو و غسل پیش از وقت را چگونه
باید نیت نمود ج وضو میگیرم یا غسل میکنم که طهارت
حاصل شود که یک سوره توحید مثلا بخوانم قربة الی الله
تعالی و نیت وجوب و استحباب ننماید چون غالبا مبتلا
بنماز قضا میباشیم و اگر بعد سوره توحید را نخوانند
ضرر ندارد و در ماه رمضان در شب قدر چنین غسلی میکنند
و این طریقه احتیاطی است خالی از اشکال معتمد بر آنست والله تعالی

س: زاهد غض وضامن بودن در معامله با صغیر چیست
ج: ولی طفل که پدر و جد پدری است وکیل نماید فروشنده
را که هر وقت آن طفل چیزی بدهد یا بگیرد او قبول نماید و اگر
خریدار حقیقی پدر فروشنده خواهد بود چون وکیل است و اگر
ولی ندارد حاکم شرع انور نیز اذن خواهند فرمود و ملاحظه
عدم مفسده در ولی و مصلحت در حاکم البته خواهد شد
والله العالم س: در این زمان بواسطه چیزهائی که
اجمالاً بلکه بعض از آنها تفصیلاً و یا بالاخص غالب مردم
با اختلاف مذهب و اجتهاد و تقلید معاشرت مشکل
و اختلاف مشکل تکلیف چیست ج: چنین است که ذکر شد
ولی با آنکه بعضا وقت نجس میشود و بعض از اوقات
پاک است و در حال معاشرت نمیدانند وقت نجس بودن

102 نابالغ شد و دست معاشرت و ملاقات و ضرر ندارد و
شرعاً او محکوم بطهارت است و همچنین سئوال نمیشود از
حمام و امثال آن که وقتی نجس است و وقتی پاک است اگر در
حال ملاقات با آنها ندانند نجاست را شرعاً پاک است و
اجتناب از آن لازم نیست و این اشکالات و امثال آن غالباً
از ندانستن مسئله میشود و شاید در متدینین و ضعفا
منجر بوسواس گردد والله هو الموفق للصواب س: از آنها
چیزهائی که نمیدانیم چه صورت دارد و حکم ید مسلم و سوق مسلمین
چیست ج: آنچه حلال نباشد یا حاجت نباشد که شرعاً
ندانسته باشد مثل اقمشه و حبوبات و جواهرات و امثال
آنها تا ما دام بیقین علم بحرمت آنها و نجاست آنها نیست اگر چه با
ساختن آنها محرز بوده باشد که ملاقات کافر با

معلوم باشد که فروش و خریدن از کفار عیبی ندارد و بظاهر شرع
انواع حلال و پاک است و اینکه حیوانات است و محتاج تذکیه
است و پوست و چربی و پیه و لحم و مثل آن از کافر گرفتن محکوم
بحرمت و نجاست است ولی اگر از مسلم یا کسیکه در بازار مسلمین
بوده باشد اگر چه اسلام او معلوم نباشد یا اثر اسلام در
او باشد جایز است گرفتن و خریدن اگر چه معلوم باشد که
از کفار بوده و اینها درست نموده اند و از دست اینها بیرون
آمده والله العالم مسئله صراف بر اینهائی که تجارت میکنند شرعا
چه حکم دارد ج جواب دو قسم است اول آنکه زید پولی
دارد و آنرا بدیگری داده نزول میکند که بعمرو بدهند او
بتحویل بنماید و بعد از زمانی بزید برساند در این
قسم حق السعی و حق العمل بطریق متعارف تجار و صرافان

با اینکه برضایت هر دو قرار بدهند جایز است شرعا عیبی ندارد ١٠٤
دویم آنستکه زید پولی میگیرد و حواله میکند در ولایت
دیگر که بعمرو بدهند در این قسم اگر زیادتی داشته چون
قرض است ربا است و حرام خواهد بود لیکن خوب است عوض ده
لیره که مثلا زید میخواهد بگیرد با او مصالحه نماید بپانصد
و ده قران مثلا و زید پانصد و ده قران را برات کند
بعمرو که در آنجا بگیرد و بفروشد ده لیره بمبلغ از قران مذکور
نیز خوب است ولی چون بیع صرف قبض در مجلس میخواهد باید
صیغه بیع داشته باشد والله العالم مسئله کسیکه میخواهد
ده تومان مثلا قرض کند تا یکسال و قرار بدهد که
یکتومان بقرض دهنده بدهد چه قسم نماید که شرعا جایز
باشد ج ده قران بقرض دهنده مصالحه نماید بده مثقال

نبات مثلاً و شرط نماید که ده تومان با او قرض بدهد ۱۰۵
تا مکیال مطالبه ننماید والله العالم س در این خرید
و فروشها از خوردنیها و پوشیدنیها و غیر آن که مردم مبتلا
با آنها هستند و بواسطه جهل باحکام شرعیه یا بی مبالاتی
غالب آنها باطل و فاسد است مثل اینکه مجهول است یا
نسیه است و مدت آن معلوم نیست یا باید چنین میفروشند + وزن نفروختند ۲
و امثال آن چه باید کرد ج معامله و بیع و شرائی نیست
شرعاً ولی تصرف در آنها چون قطع نظر از معامله مالکش
راضی است عیب ندارد جایز است باین معنی چونکه زید
فروشنده در نزد عمر خریدار است و پول عمرو در نزد زید
است و راضی است در این حال تصرف هر یک و این براضی
است تصرف پول را اگر چه معامله نباشد و این را با ج

۱۰۶ بعوض میسازند و چنین است اجاره کار و اجیر او و خانه که
غرباً و زوار اجاره میکنند و معلوم نیست چند مدت میمانند
میگویند شبی فلان مبلغ چه موجود واضح است که اگر غرض
مثلاً ده روز آن منزل بماند و اجرت حساب کند
+ در قرارداد مجهول بدهد اگر چه اجاره او صحیح نباشد لهذا
هر زمان بخواهد او را بیرون کند شرعاً میتوانند و علما
که فرموده اند رضایت باقی نیست حرام است غرض از جهت
معامله و رضایت در ضمن معامله است والله العالم
س ساعتهای طلا و زنجیرهای طلا ای چه حکم دارد
شرعاً ج جواب عینا طلا و نقره که در این زمانها متعارف
است حرام نیست و زنجیر طلا این حرام نیست لیکن اگر مکرر
اندازند با لباس یا و بزینت که اسباب تجمل است بر مردان

حرام است مثل انگشتر طلا و در عینک طلا از برای مردان
تامل است رجوع بغیر فرمایند انشاء تعالی س تریاک کشیدن
بهر جور و بهر قسم جایز است یا حرام ج مداومت بر کشیدن
تریاک بهر جور و بهر قسم از برای نوع بی شبهه حرام است
بر خود ترحم فرمایند و دین و دنیا خود را حفظ نمایند
و خود را در مهلکه نیفکنند انشاءالله س چه آوازی است که
غنا و حرام است ج آوازیکه مخصوص مجلس لهو و لعب
مختص اهل طرب و بازیگرها است غناء و حرام است اگرچه
در غیر آن مجلس بخوانند یا در نوحه و روضه و قرآن
خوانده شود و اگر کسی بوجدان خود رجوع نماید و
بعض
از دانایان سؤال نماید بسیاری از افراد آن بر او
ظاهر خواهد گردید انشاءالله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

چونکه رساله شریفه مسمی بصراط المستقیم بواسطه اختصار
و جامعیت آن مرغوب و مطلوب طباع گردید و با اینکه آن
در بین مشتاقین طبع مکرر رسیده و از دار الخلافه طهران رضاء لله
عن الجهلاء از بعضی مؤمنین اخیار و شیعیان ابرار خواهش نسخه
مصححه نموده بواسطه طبع و سابقا بر حسب خواهش بعضی از
اجلاء السادات زید توفیقه ملحوظ شد و بار دیگر رساله کوچک
سؤال و جواب که از حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین
آیة الله فی العالمین مد ظله العالی و جواب بخط مبارک مرقوم
فرموده لهذا ملحوظ شد بعد از تصحیح نسخه مصححه صراط المستقیم
بواسطه کثرت انتفاع جمیع مؤمنین وفقنا الله جمیع المؤمنین
بما یجب و یرضی حرره اقل خدام العلماء محمد[illegible] الاصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

این سؤال و جواب مسائلی است که اقل خلق الله و احقر عباد
المحتاج الی رحمة ربه الغنی الکریم میرزا عبد الله از حضرت حجة
الاسلام مرجع الخواص و العوام و نائب الامام علیه و علی آبائه
الطیبین الطاهرین صلوات الله الملک العلام حاجی سید اسمعیل
صدر دام ظله العالی سؤال نموده و جواب بخط شریف خود
مرقوم فرمودند

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی

سؤال هرگاه شخصی خبر دهند که یوم قبل زلزله شده و
این شخص یقین کرد که راست است لکن در وقت زلزله مطلع
نشده بود نماز آیات واجب است یا نه جواب بسمه الرحمن الرحیم
وبه ثقتی بلی واجب است والله هو العالم سؤال هرگاه شخص

نفقه عیال و خرج خودش را بر وجه اش مقاطعه داده باشد
بمبلغ معینی چند سال بهمین قسم بوده حال شوهر فوت
کرده ضعیفه قلبا از این وجوهات را اضافه آورده است
ملک ضعیفه میشود یا نه جواب اگر آن مقاطعه شرعی
پسند بوده آن وجه مال ضعیفه است سؤال آیا در باب
غسل ترتیبی در آب کر خارج شدن از آب بجهت هر عضو
میخواهد یا نه جواب نمیخواهد انشاء الله تعالی سؤال هرگاه
شخصی مالی احتیاج میخواهد ولی از ارباح مکاسب بین سال
در بین سال نمیخورد میخواهد بعد از سال بخورد خمس آن چیز را
باید بدهد یا نه جواب باید بدهد هو العالم سؤال
سادات و فقراء که خمس و زکوه میگیرند هرگاه بعد از
سال اضافه از مؤنه سال باید خمس را باید بدهند یا نه

۱۱۱ جواب نباید بدهند ولی زیاده از مؤنه سال نباید
بگیرند حال اگر مؤنه سال اینده محبوس دارند مختارند
سؤال هرگاه مسلمانی طفل یهودی را مثلا اسیر کرده
نگاه داری کرد تا زمان تکلیف بعد هم چند سالی
مذهب شیعه زندگانی نمود بعد وفات کرد آیا
از ابتدا این طفل تابع مسلمان میشود که پاک باشد یا
جواب مادامی که صغیر بوده طهارتش ان مشکل است
بلکه شاید مشهور نجاست بوده باشد والله تعالی
هو العالم سؤال زید وفات نموده بدون وصیت
چند اولاد صغیر و یک کبیر دارد مال الصغیر هم نزد
شخص امینی ضبط است عمرو مدعی طلب است و طلب
خود را خدمت حاکم شرع ثابت کرده و قسم هم خورده

۱۲۶ این شخص امین میشوند از مال الصغیر بردارد بعد حصه اینها
فرض شده را ادا نماید یا انکه باید صبر نماید تا زمان
بلوغ صغیرها ان فرمایند جواب میشوند انشاء الله تعالی
سؤال هرگاه شخص نماز قضای استیجاری را بگیرد به
تسبیحات اربعه بخواند کفایت میکند یا نه جواب
بسم الله الرحمن الرحیم و بر تقدیر باید رجوع موجب جزما
باشد اگر او در این مقام اذن داده یکبار فقط کافی و الا
الثلث انشاء الله تعالی سؤال کفار در مذهب
خودشان شراب فروشی را حلال میدانند و اجرت را
میگیرند شخص مسلمان میداند این وجه شراب است که فروخته
آیا جایز است تصرف در این وجه یا نه جواب جایز است انشاء
الله تعالی سؤال جوهریان منتخب را که بعضی از اوقات

شخص مریض محتاج است بیع و شراء آنها جائز است یا نه حضرت
علماء اعلام خرید و فروش متنجس و اگر متنجس بود آنها بیند
جائز نمیدانند مگر روغن متنجس که روشنی با ولی نجاست
جوهر آن معلوم نیست از شکر و عسل و مجاز باد تو باشد
و اگر شخص عطار قصد خرید و فروش نکند جوهر بلکه بدهد
~~جواب~~ ... پول بگیرد حاجت دیگری را قضا
نماید ظاهرا مانعی ندارد والله تعالی هو العالم سؤال
هرگاه تعیین سوره نشد در حین بسمله در نماز در
رساله مذکور است که باطل است حاشیه مرحوم فرموده اند
معلوم نیست عملاً چه باید کرد جواب ظاهرا معلوم نیست
در خصوص مقام ترجیح عدم بطلان است ولی رجوع
بغیر طریق مسأله مجتهد است والله تعالی هو العالم سؤال

هرگاه

هرگاه زن اجنبیه نمازگذار مسأله کند یا آنکه یهود یا
یهودیه مسأله کند تکلیف نمازگذار چیست بیان فرمایند
جواب بسم الله الرحمن الرحیم مرحوم مبرور رضوان
مقام خصوص حجة الاسلام طاب ثراه در مسأله اجنبیه
میفرمودند در مورد یکه وقف نکند قصد تحیت مسلم
را نماید قطع نظر از زن بودن و مخالف با قواعد عربیه
نیست و اما یهود چه مرد چه زن اولی السلام علیک
بوقف بقصد قرآن بگوید بقصد رد نماز نیز ادا انشا
الله تعالی سؤال هرگاه زوجه دائمی خود را شخص
مطلقه ساخت بدون اطلاع زوجه تا عده اش گذشت
باز اطلاع نداد تا یکسال گذشت و بطریق سابق نفقه
هم میداد حال اطلاع داده که در یکسال قبل تو را

طلاق

طلاق داده ام اینجا نفقه داده ام علاوه از زمان عده
داماد بدهی یا حق مطالبه دارد یا نه جواب بعد از
تحقق دعوای زوج شرعاً اعتبار اینجا موجود است حق
مطالبه دارد و اینجا زوجه در حال تجربه صرف نموده
یا تلف کرده حق مطالبه معلوم نیست هو العالم سؤال
در ماه مبارک رمضان کذب بخدا و رسول موجب کفاره
جمع میشود یا نه جواب معلوم نیست والله تعالی هو العالم
سؤال هرگاه کسی نماز گذار غلط سلام کند نماز
میشود باطل یا نه از قرآن که سلام در او هست بخواند
بقصد قرآن و جواب سلام تخصیص یا نه جواب بسیار
خوب سؤال تریاک کشیدن بهر جور و بهر قسم جایز
است یا حرام جواب بلی و مستمر کشیدن تریاک بهر جور

و بهر قسم از تجارت نوع که مشتبه حرام است بر خود تو حرم فرمایند
و دین و دنیای خود را حفظ نمایند و خود را در مهلکه نیندازند
سؤال ساعتهای طلا و زنجیرهای طلا چه حکم دارد شرعاً
جواب ساعت طلا و نقره که در این زمانها متعارف
است حرام نیست زنجیر طلا نیز حرام نیست لکن اگر بگردن
اندازند یا به سینه بیاویزند که اسباب تجمل است بر مردان
حرام است مثل انگشتر طلا و دسته عینک طلا از برای
مردان تأمل است رجوع بغیر فرمایند انشاء الله تعالی
سؤال هرگاه در مرض زوجه زاد و بیره و اغذیه غیر متعارفه
و اجرت طبیب بر زوج است و از نفقه است یا نه و مخارج
سفر نمودن زوجه سفر زیارت یا غیر زیارت با اذن
زوج خود مخارج سفر زائد بر وطن است هم از جهت کرایه

بسمه تعالی

۱۱۷۰ وهم از جهة اغنیه بر زوج است بانه وکذلک مخارج مکة
معظمه از نفقه و اطعمه که زاید بر حضر است جواب درهر
سه صورت بر زوج نیست بلی اگر زوج خواست بودن
زوجه را در سفر و ملاحظه خود را نموده اگر خرج زوجه
بر زاید بوده بعید نیست مخارج متعارفه سفر بر زوج
بوده باشد سؤال هرگاه شخص در نماز شک دو و
چهار کرد بعد از اکمال بنا را بر چهار گذاشت سلام داد بعد
شروع کرد بنماز احتیاط شک دو و چهار اصل نماز مبدل
شد به شک سه و چهار تکلیف چیست بیان فرمایند جواب
بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی عمل شک سه و چهار میکند و
یک رکعت ~~بعد~~ [احتیاط را] میخواند و نماز را اعاده مینماید علی
الاحوط والله هو العالم سؤال هرگاه شخص تکلیفش نشسته

در بین نماز احتیاط

نماز

بسمه تعالی

۱۱۷ نماز خواندن است سهو از سجده دویم برداشت بمجرد نشستن
شک دو و سه کرد این بعد از اکمال است یا در قیام و هم
همچنین بفرمایید بعد از اکمال در نماز نشسته از کجا تا کجا
است جواب شک بعد از سر برداشتن از سجده دویم
آخر رکعت دویم بعد از اکمال است خواه در حال جلسه
استراحت باشد یا در قیام پس کسیکه تکلیفش نشسته
است باید بنا را بر سه بگذارد و عمل شک دو و سه
را تمام کند شخص مطلب دیگر لازم نیست که توهم دیگری
موجب سؤال گردد والله تعالی العالم سؤال هرگاه
شخص [illegible] اگر مرضش را [illegible]
وجه معینی تعقیب [illegible]
نذر [illegible] العالم سؤال

هرگاه شخصی بگوید بعد ذکر دم اگر حاجتم برآورده شد چنین
خواهم کرد یا بکفنش همین لفظ کرند ذکر دم باشد چیزی بر
او لازم میشود یا نه جواب لازم نمیشود بنابر مودۀ مشهور
علماء اعلام ولی احتیاط در لزوم است انشاء الله تعالی
سؤال صدقه همراه نماز گذار باشد نماز صحیح است یا نه
جواب صحیح است انشاء الله تعالی واحوط ترک است سؤال
شخص در وقت مخصوص نماز عصر عمداً قضای نماز صبح بخواند
بعد شروع کند بنماز عصر که نماز عصر دو رکعت
در وقت و دو رکعت در خارج وقت واقع میشود چه
صورت دارد و همچنین آیا فرقی هست ما بین اینکه قضای
صبح همین روز باشد و دیگر قضا بر ذمه نداشته باشد
یا داشته باشد یا آنکه قضای سابق باشد بیان فرمایید

جواب معصیت نموده ولی نماز صبح صحیح است چه همین
روز یا غیر آن باشد سؤال دندان مصنوعی در دهن
نماز گذار باشد چه صورت دارد از جهت قرائت جواب
ضرر ندارد انشاء الله تعالی سؤال دندان مصنوعی
هرگاه متحرک باشد در دهان نماز گذار چه صورت دارد
نماز آن جواب ضرر ندارد انشاء الله تعالی سؤال
متحیر قبله در ضیق وقت هرگاه بقدر دوازده رکعت
نماز بیشتر وقت ندارد نماز ظهر او قضا است یا نه و بر
فرض عدم قضا چه قسم باید نماز بخواند جواب ظاهراً
مخیر باشد که چهار رکعت اولا از برای ظهر و هشت رکعت
دو نماز عصر یا دو نماز ظهر اولا و یک نماز عصر بعد از
آن والله هو العالم سؤال هرگاه شخص قبل از وقت بجا

بسمه تعالی

۱۳۰۱ وضو بگیرد که بعد از دخول وقت با این وضو نماز واجب را
بخواند همه قصدش همین است لکن برخود قرار میدهد که
وضو میگیرم بجهت خواندن آیه از قرآن و وضو میگیرد و آن
آیه را هم میخواند بعد از دخول وقت با این وضو نماز واجب را
میخواند چه صورت دارد و همچنین غسل را با این ضمیمه بعمل آورد
چه صورت دارد جواب موافق با احتیاط است و نیت استحباب
و وجوب نماید ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه زید دویست
تومان سرمایه تجارت دارد در یکسال مبلغ [illegible]
تومان از سرمایه صرف مؤنه شده در سالهای بعد مبلغی
از مؤنه اضافه آمده جایز است بیست تومان از اضافه را
خمس بدهد سرمایه را دویست تومان کند و زیادی
را خمس بدهد یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین اگر

بسمه تعالی

کمتر از دویست تومان سرمایه سال و بدست بنماید مؤنه محسوب باقی را
بیست تومان از منافع کاسبی را خمس بدهد و خمس سرمایه را
قرار بدهد والله تعالی هو العالم سؤال هرگاه زید و
عمرو در بلدی هستند و هر یک در بلد دیگر شریک دارند
زید بعمرو میگوید بنویس بشریک خود ده لیره مثلا از این
تاریخ لغایت یکماه دیگر بدهد بشریک من و قیمت لیره را
در اینجا قطع مینماید که چند قران میشود و قرار میدهند
بعد از یکماه دیگر در اینجا پول سفید از قرار قیمت لیره که قطع شده
بدهد در موعدهم میدهد جایز است یا نه اگر جایز نیست
آن قسم که صحیح و جایز است بیان فرمایید جواب ظاهر این
است که اگر ده لیره را مصالحه بپول سفید که منظور هست بکنند
مانعی ندارد ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه کسی زیاد از

[illegible]

مطلق کفار است با خصوص اهل حرب و کفاری که در بلاد
اسلام هستند و بشرایط ذمه عمل نمیکنند و مسلمانان
از ایشان خائف میباشند میشود حربی باشند یا نه جواب
جواز در غیر کفار حربی معلوم نیست و اهل ذمه که در بلاد
اسلامند اگرچه بشرایط ذمه رفتار نمیکنند ولی در امان
اسلام میباشند والله تعالی هو العالم سؤال خدمت جناب
حجة الاسلام عرض میشود اذن بفرمایید در اراضی
مجهول المالک که شخص رسید و میخواهند نماز بخوانند یا
توقف کنند قدری که در اینجا یک وجهی در نظر بگیرد و نماز
کند بعداً تو خبر از تغییر بدهد جواب ماذون میباشند
ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه شخص در مرض موت
وصیت کند که زید مثلاً دو تومان طلبکار است از

من و مدیون او هستم بعد از وفات آن شخص زید باید حکم
حاکم شرع ثابت کند و قسم بخورد یا لازم نیست باید ورثه
بدهند بیان فرمایید جواب اگر اقرار شخص مطلقا محقق و
منکری ندارد مخرج آن از ثلث خواهد بود والا باید مرافعه
شود سؤال هرگاه شخص یکصد تومان اسکناس میگیرد
که بجای دیگر یکصد و دو تومان اسکناس یا پول سفید
بدهد چه صورت دارد جواب بسم الله الرحمن الرحیم و
به ثمنیت اسکناس و امثال آن معلوم نیست بنفسه مالیت داشته
باشد که خود آن قرض داده شود بلکه نظیر سند و برات
بر آن پولی که میگیرد بتوسط اسکناس قرض میشود و
اگر شرط زیادتی بشود ربا خواهد بود والله العالم
سؤال زن کبیره را بعقد انقطاعی طفل صغیر نمود

دو ساعت در او روند با صغیره را بمدت دو ساعت بعقد
کبیره چه صورت دارد جواب احوط در هر دو مقام تا زمانی
بعد از دخول در بلوغ است و چون در عقد انقطاعی
ولی میتوانند مدت را ببخشند اگر مفسده نداشته باشد و شرط
عدم وطی در آن مانعی ندارد پس توهم ضرری در آن
نخواهد بود انشاء الله تعالی سؤال مشهور است در
چراغ اسراف نیست اصل دارد یا نه مثلا در مجلس هرگاه
یک چراغ کافی باشد پنج یا ده چراغ روشن نمایند
و همچنین شخصی خوابیده چراغ را خاموش نمیکند جایز است
یا نه جواب اینها را اگر غرض عقلائی در صرف آن باشد اسراف
نیست والله تعالی هو العالم سؤال هرگاه زید هزار
تومان مثلا طلب دارد بعمرو و میگوید حواله میکنم مثلا در جا

هر کس هر قدر حواله کردم بده و ما دون در نقص [illegible]
و زید فراموش کرد که تومانی صد دینار مثلا بعمرو
حق العمل بدهد شرعا این حق العمل صحیح است یا نه جواب
مبنی حق العمل زائد است در مفروض سؤال غیر از
پول نیست والله العالم سؤال در نماز نشسته سمع الله
و بحول الله گفتن چه صورت دارد جواب ضرری ندارد
انشاء الله تعالی سؤال در نماز مستحبی شخص سوره را
ترک کند ولی قنوت را بجا آورد این چه صورت دارد جواب
ضرری ندارد انشاء الله تعالی سؤال هرگاه شخص مسافر
نماز عشا را نخوانده خوابش برد تا بعد از نصف شب فردا
روزه بگیرد یا صبر کند در جائی که قصد اقامه میکند
روزه کفاره عشا را بگیرد جواب [illegible]

بسمه تعالی

۱۲۶ روزه ... و قضا نماید ولی بلکه
احوط خواهد بود ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه زن بین
روزه تتابع واجب شد روزه کفاره عمداً اگر روزه
کفاره عمدا بگیرد تتابع بهم میخورد یا نه جواب ظاهراً
بهم نمیخورد والله العالم سؤال هرگاه دو ظرف آب باشد
یکی از آن دو آب نجس است و مشتبه شد از هر دو و باید اجتناب
نمود وضو با هیچیک صحیح نیست اگر یکی از دو آب مشتبه نجس
یا مفقود شد آن دیگری چه حکم دارد نجس است یا پاک و
با آن وضو گرفت جواب آن دیگر را فرمودند اجتناب است
نمیشود وضو از آن گرفت والله العالم سؤال هرگاه
شخصی یکصد تومان مثلا قرض کند که منفعت بدهد
بقرض دهنده این صد تومان شرعا ملک این شخص میشود

بسمه تعالی

که بیع شرط کند و لباس بخرد و بپوشد یا غذا از آن بخرد ۱۲۷
و بخورد یا نه جواب صد تومان مذکور ملک گیرنده
شرعا نشده اگر قطع نظر از معامله مالک راضی در
تصرف بوده تمام رشته ترتیب بر آن جایز است بر رضا
والله العالم سؤال در عده منقطعه که شوهر مدت
را بخشیده بود با اعتقاد اینکه میشود رجوع کرد در
بین عده رجوع کرده و مقاربت هم کرده آیا سبب حرمت
رجوع بغیر نماید
ابد میشود یا نه جواب ... والله تعالی هو العالم
سؤال در نماز واجب بواسطه ضیق وقت باید
سوره را ترک کند اگر قنوت بخواند چه صورت دارد جواب
اگر قنوت ... غیر ... مانعی از جواز بنظر نمیرسد والله تعالی هو العالم سؤال
هرگاه زید یقین دارد که فردا شب خسوف واقع میشود

۱۲۸ و در وقت خسوف زید خواب بود مطلع نشد بعد معلوم
شد که خسوف واقع شده لکن تمام نکرفته قضا نماز
آیات لازم است یا نه جواب بروم معلوم نیست ولی
احوط است سؤال ختنه کردن اطفال بر ولی واجب
است یا مستحب و هرگاه ولی ختنه نکرد بعد از بلوغ
طفل واجب است یا نه جواب بر طفل بعد از تکلیف
واجب و بر ولی قبل از آن احوط والله تعالی هو العالم
سؤال در مسائلیکه محتاج الیه شخص است و فتوای
حضرت عالی بدست نیاید آیا مسئله محل تامل باشد
اگر مقلد بخواهد رجوع بمجتهد دیگر کند در آن مسئله یا بکلی
یا از علماء اعلام اذن معتبر میباید رجوع کند جواب
بهر یک از علماء اعلام که دارای آن در معرض تقلید

میباشند

۱۲۹ میباشند رجوع نمایند ولی ~~خوش دارم که او رجوع هم~~
~~ننمایند بلکه راضی نیستم~~ فهو العالم سؤال هرگاه
شخصی در وقت مختص نماز ظهر مثلاً مشغول شود بنماز
قضای یقینیه یا احتیاطی قبل از اتیان بفریضه جایز است
یا نه جواب در اول وقت جایز بلکه مستحب بلکه احوط
و در آخر وقت جایز نیست والله تعالی هو العالم سؤال
ضعیفه در خانه شوهر مریض میشود خرج دوا و غذا که
محتاج است داخل در نفقه است باید شوهر متحمل
شود یا بر خود ضعیفه است اگر شوهر ندارد دین است برای او
یا نه جواب دوا و آنچه لوازم او نیست معلوم نیست از نفقه
باشد پس اگر ندارد دین نخواهد بود فهو العالم سؤال
روضه خوانی در مسجد با نحوی که مسجد را سیاه پوش نمایند.

وچراغها

١٣٠ وچراغها از قبیل چهل چراغ وچادر میگذارند و زمین
مسجد را فرش میکنند و اسباب قهوه خانه بجهة چای
و قلیان مهیا مینمایند و چادر میزنند و منبرها کوبیده
میشود جایز است اینگونه تصرفات در مسجد و تعزیه داری
باید و از برای مستمعین جایز است رفتن در آن مجلس یا نه جواب
ظاهر اینست که اینها از تصرفات که موجب ضرر بر مسجد نشود
عرفا و مانع از مصلین نباشد مانعی ندارد والله العالم
هو العالم سؤال جلودیکه از بلاد کفر میاورند و علم به
تزکیه شرعیه آنها نیست با عدم علم کفایت میکند جواب
اگر از ید مسلم یا سوق مسلم اگرچه مجهول الحال باشد
عدم علم کافی است اگرچه علم داشته که از دست کافر بیرون
آمده فهو العالم سؤال بیع شرطهائیکه معمول است

١٣١ باین قسم که خانه مثلا هزار تومان قیمت دارد میفروشد
به بیع شرط بمبلغ دویست تومان ولی نه بایع قصد
فروش دارد نه مشتری قصد خرید بلکه بعضی اوقات ملتفت میشود
که مشتری میگوید یکدانک زیادتر در بیع قرار بده من
نمیخواهم خانه تو را تصاحب کنم بایع میگوید همین قدر بس
است که من نمیخواهم خانه خودم را بتو بفروشم این معامله صحیح است
باشد یا نه جواب بیع شرط اگر قصد خرید و فروش نیست
بی شبهه باطل است بلی اگر قصد دارند ولی از یکدیگر
مطمئن میباشند که اگر عمل بشرط هم نشود ملک را باو
رد خواهد نمود مانعی ندارد ~~و باید در این صورت~~
~~بایع بداند که اگر فرضا بعد از لزوم و پیش از رد مشتری~~
~~مرد برای او حرام است مطالبه نماید مطلقا اگر وارث او~~

~~غیر مکلف باشد و حرام نیست بلکه بدون رضای ایشان~~

سؤال هرگاه ماموم عالم است که امام فسقی کرده که موجب
خلاف شرعی بوده ولی خلاف حاکم شرع ثابت نشده بعد
ثابت شده و توبه کرده است آیا جایز است با این امام اقتداء
کردن یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر ملکه عدالت
نفس مذکور زایل نشده بعید نیست بعد از توبه جایز
باشد ولی اگر در حال محبوس بودن از ائمه جماعت بوده
چنین فسقی از او صادر شده مناسب ترک او و سپردن کار
عالم همه را حفظ فرماید ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه
شخص سهواً اراده در قیام را بعمل آورد در حین خم شدن
بجهة رکوع که بدن در حرکت است پاها را حرکت میدهد
ضرر بجهة نمازش دارد یا نه جواب ضرر ندارد ان شاء الله

تعالی سؤال هرگاه شخص روزه دار ماکول و مشروب
هر دو را ممزوج کند و بخورد یا آنکه بنج را در دهان نهد آنگاه شرب
قلیان آب تنباکو بخورد بعد خود بنج را که ما بقی آن است بلع
میکند آیا دو کفاره تعلق میگیرد یا یک کفاره کفایت
میکند جواب یک کفاره کافی است والله هو العالم
سؤال هرگاه شخص روزه دار در مجالس متعدده
از یک جنس افطار کند مثل آنکه در دو مجلس نان خورد
کفاره متعدد میشود یا نه جواب بلی متعدد است والله هو
العالم سؤال در قنوت نماز وتر چهل مؤمن را که
دعا میکند بفارسی اذن میفرمایید دعا کند مثل اینکه
بگویند خدایا حاجی میرزا حسن را بیامرز یا نه جواب
ضرر ندارد ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه شخص روزه در رمضان

۳۴ مبارک را عمدا افطار کرد بعد قبل از ظهر مسافرت اختیار
کرد کفاره ساقط میشود یا نه جواب احوط کفاره است
بلکه خالی از وجه نیست والله هو العالم سئوال کفاره
شهر رمضان اگر شخص مسکین نیابد اطعام بدهد هرگاه متمکن
بلکه قیمت گندم را بدهد کفایت میکند یا نه جواب با اطمینان
بصرف در طعام ضرر ندارد ان شاء الله تعالی سئوال هرگاه
حاجی که در میقات که محرم میشود از اول تقصیر میکند
مثل اینکه سر را میپوشاند ولی در بین راه و در منزل
گاهی سر را برهنه میکند و گاهی میپوشاند تا وقت
طواف آیا یک قربانی کفایت میکند یا بجهت هر دفعه که
سر را برهنه کرده و بعد پوشیده یک قربانی باید
بنماید و همچنین مکرر به درخت و زمین اگر کنده باشد جواب

۳۵ بسم الله الرحمن الرحیم در سر پوشانیدن بنحو مذکور ظاهرا
یک کفاره کافی است ولی در مکرر به درخت مکرر میشود
فهو العالم سئوال صورت زن نامحرم عورت است یا خیر
جواب بسم الله الرحمن الرحیم عورت بودن آن معلوم نیست
ولی مهما امکن ترک احتیاط را ننمایند ان شاء الله تعالی
سئوال سنگ گچ و آهک از معادن است یا خیر جواب
بعض از افراد سنگ معدن است مثل مرمر و نحو آن و آهک
و گچ را از معادن محسوب دارند ان شاء الله تعالی سئوال
اخراج مؤنه در غلات بشود و بعد زکوة داده شود
یا قبل از اخراج زکوة موضوع شود جواب احوط در
مؤنه هر قبل از انعقاد حب اخراج نمودن است و بعد از
انعقاد مشمول اذن داد ولی خلاف احتیاط شدید است

مگر در مورد دیگر ضرر کلی و اجحاف بر مالک شود والله
هو العالم سؤال در معادن که خمس تعلق میگیرد
و کسانی که متصدی امور معادن هستند اخراج خمس می
کنند چه کفار باشند در معدن طلا و نقره و مس و
غیره و اجناس دیگر از باج مکاسب باشد که اعتقاد
بخمس ندارند چه مسلمان باشد که عصیاناً خمس نمیدهند
در هر صورت تکلیف کسانی که باین اموال مبتلا هستند
چه چیز است جواب کفار را رجوع بغیر فرمایند اما شیعه
هر مالی که بدست وی بیاید و علم دارد که خمس او نداده
باید بدهد بلی میشود بآن دهنده رجوع نماید انشاء
الله تعالی سؤال استعمال باد کر نقره جایز است یا نه
جواب جواز آن بعید نیست والله تعالی هو العالم سؤال

هرگاه

 هرگاه شخص نماز قضا ابتدا در دست داشته باشد میشود که
تسبیحات و ذکر رکوع و سجود را یکدفعه بخوانند یا نه جواب
بلی میشود انشاء الله تعالی سؤال اگر شخص قرائت صحیح باشد
و معنی صیغه را بداند ولی صرف و نحو نخوانده باشد مثل اینکه
زن بگوید زوجتک نفسی مرد بگوید قبلت صحیح است یا نه
جواب صحیح است انشاء الله تعالی سؤال هرگاه مرد خودش
در این صورت طرف ایجاب و قبول شود چه صورت دارد
جواب معلوم نیست عیب داشته باشد اگر بعد او از زن
راهم تلقین نماید که او هم بگوید یعنی احوط این است که اکتفا
در ایجاب و قبول بخودش نکند والله هو العالم

هو

در عهد دولت

جاوید مدت سلطان العادل

والملک الباذل السلطان ابن السلطان

والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان مظفر الدین

شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته این رساله

شریفه صورت اتمام و اختتام یافت بعد از کمال

دقت در تصحیح و تنقیح آن نموده در

مطبع گلزار عالیجناب میرزا علی اصغر

و مشهدی عبدالرحیم الاصل طهرانی

المسکین بطبع رسید

١٣٢٠

هو الله تعالی شأنه العزیز

بسعی و اهتمام عالی جناب

نیکو فطرت ستوده خصلت مشهدی

محمد حسین طهرانی کتابفروش این

رساله شریفه سؤال و جواب در

دار الخلافه طهران صورت

انطباع پذیرفت

فی ١٣٢٢

رساله سؤال
و جواب فارسی حجة الاسلام الحاج
میرزا محمد حسن طهرانی دام ظله
العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر
خلقه محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم
اجمعین الی یوم الدین و بعد مخفی نماند
بر اخوان ایمانی و اخلاء روحانی که عبد جانی
محمد حسین بن محمد علی الخراسانی اوتیا کتابهما
یمینا و یومهم الله عبدا قال امینا در سنه هزار و
سیصد و هشت مشرف شد بعتبات عرش درجات و در زمان
تشرف و غلبت توقف بعضی از مسائل متفرقه را جمعا
لبعض المؤمنین سؤال نمود از حضرت مستطاب حجة

الاسلام و کهف الانام الحاج میرزا محمد حسن نجل
المرحوم المبرور الحاج میرزا خلیل طاب ثراه و جواب را
در این اوراق ثبت کرد تا محتاطین بی شبهه و اشکال
عمل نمایند و مقصد ابدا کا خبرنا و نفرها بید الله الموفق
والمعین **سؤال** اغسال مندوبه مثل غسل جمعه و
زیارت پیش از رفع حدث اکبر صحیح است یا خیر **جواب**
اغسال زمانیه را میتوانند ظاهرا **سؤال** حدث اصغر
ناقض اغسال مندوبه هست یا نه **جواب** اما اغسال
زمانیه مثل غسل جمعه و عرفه و عید و امثال اینها
منتقض نمیشود بحدث مطلقا نه اصغر و نه اکبر و اما
اغسال دیگر که از برای افعال است مثل غسل زیارت
منتقض میشوند بنوم بین غسل و عمل و اما حدث
اصغر غیر از نوم پس احوط انتقاض و اقوی استحباب
اعاده غسل است **سؤال** استحاضه قلیله که هیچ
بر نگردد به کثیره و متوسطه موجب غسل میشود یا نه
جواب موجب غسل نیست **سؤال** استحاضه کثیره
یا متوسطه در صورتیکه هر یک بر گردد بقلیله غیر

انقطاع لازم است یا نه جواب غسل کند احتیاطا اگر
صاحب استحاضه کثیره یا متوسطه که فتره دارد غسل تو
در این زمان دفع حدث میکند یا نه جواب دفع حدث میکند
سؤال واجب اصلی که در بعضی عبارات اطلاق میشود
بر وضو در مقابل نذر و شبه آن چه معنی دارد ج
مراد از وجوب اصلی وجوب بایجاب و جعل شارع است
اولا ولو للغیر مثل وضو للصلوة و مقابل آن وجوب
بجعل ثانوی شرع است مثل نذر و عهد و مانند
اینها سؤال در بعضی از موارد که احتیاط مطلوب است
باطل کردن وضو و اعاده آن اگر ممکن نشود ابطال
آن تکلیف چیست و وضو را بچه نیت بسازد جواب
در صورت عدم امکان وضو بگیرد بقصد قربت مطلقه
سؤال جوجه حلال که فضله آدم بخورد و گوشتش حرام
میشود بفضله شتر چه حکم دارد جواب اجتناب
کند احتیاطا سؤال بزوال وصف جلل فضله پاک
و گوشت حلال میشود یا نه جواب زوال وصف
جلل باستبراء میشود بعد از آن حلال و طاهر میشود

سؤال وطی نمودن زوجه را مع الحائل حکم وطی
بدون حائل را دارد شرعا در ترتیب آثار از قبیل
ابطال صوم و ایجاب غسل و احکام مصاهره یا خیر ج
فرقی نیست بین وجود حائل و عدمش خلافا لابی حنیفه
سؤال قصر نمودن ناخن زائد و مایل علیه بوده
و قضیب بیضتین و خال آنکه در تو مستور است
غالبا با الیتین یا تمثیل ایشان در مسئله الاثم
فیه الصلوة بجوراب و عرقچین و بند زیر جامه
ظاهرا منافی دارد و دفع منافی فرمائید جواب
مراد از ساتر آنست که ستر نماید عورت را بنفسه در
جمیع حالات پس اگر ستر نماید بعلاج مثل بدست گرفتن
یا چسبیدن و پیمان یا چسبانیدن ساتر نیست بخیر و هم
چنین اگر ستر نماید در حال قیام مثلا و در حالات دیگر
اینهم ساتر نیست بنا علی هذا ساتر بودن موهم کردن
عورت را بفرض امکان در بعض حالات مثل حالت قیام
نه در سایر حالات و در هر حال لهم بعلاج است مثل
آنکه بر پستان بند یا بدست بگیرند تا بفتد یا بسر دیگر و

امثالش

امثالش محسوب باشند پس منافاتی نیست بین این دو مطلب که ذکر
شده سؤال حیوان موطوء انسان بیضه و شیر و گوشتش
چه حکم دارد جواب احوط اجتناب است سؤال در
استنجاء لازم است مالیدن جسم طاهر قالع را بمحل
حتی بحجر متعارف نیست یا مالیدن محل را هم بحجر مثلا مطهر است
شرعا یا نه جواب فرقی نیست بین مالیدن محل بجسم مطهر
یا مالیدن مطهر بمحل استنجا سؤال در مسئله مسح نمودن
نسبت طرفین یک سنگ که مجری نیست بنا بر احتیاط فرقی
بین سنگ کوچک و بزرگ هست یا خیر مثلا قطعه
عظیمه از جبل که حجر واحد گفته میشود شخص مستجمر اگر
محل را نسبت بنقطه از آن بمالد طهارت حاصل میشود یا نه
جواب مثل قطعه عظیمه از جبل حجر واحد محسوب میشود
استنجا بطرفین آن عیب ندارد سؤال اصابع و امثال
آن از چیزهائیکه منتهی باصل واحد میشوند در استنجا
اشیاء منفصله محسوب میشوند یا مثل شیء واحد از اشیاء
مجری نخواهد بود جواب اصابع و امثال آن اشیاء
متعدده محسوب میشود سؤال در اعتبار بکارت

در احجار استنجاء دای حجر بعالی حیثیت باید اصلا استعمال
بآن نشده باشد یا اگر بکمال عدد نباشد با تطهیر شود بر تقدیر
نجو استنجا باینها ثانیا و ثالثا و هکذا مجری و معتبر
خواهد بود یا نه جواب احوط اعتبار بکارت است
بر تقدیر تحقق استنجاء تطهیر جسم کافیست و نیز از بکارت
سؤال مکلف وضو ساخت بقصد طواف و نماز و تلاوت قرآن
بعد مانع رسید از زیارت و تلاوت و قبل نماز داخل میشود
با این وضو میتواند نماز بخواند یا نه جواب میتواند
سؤال شخص نمیداند وقت نماز داخل شد یا نه غایت
دیگری را هم غیر کون بر طهارت شرعا نمیکند وضوء
صحیح است یا نه جواب هرگاه قصد کند کون بر طهارت را
وضویش صحیح است سؤال در حوض مسجد وضو
بسازد و در مسجد دیگر نماز بخواند نمازش صحیح است
یا نه جواب احتیاطا در همان مسجد دو رکعت نماز
بخواند اگر از کیفیت وقف اطلاعی ندارد سؤال در
بخاک وقف مثل فرش و خاک مسجد تیمم کردن صحیح است
یا نه جواب مانعی ندارد سؤال غسل نمودن در حوض

مسجد به دعوتیکه مستلزم مکث نباشد جایز است یا نه
جواب نکند سؤال زن قبل از اختیار شوهر نذر
میکند صوم یوم الخمیس را مثلا بعد از شوهر کردن
نذرش چه حالی دارد حق شوهر مقدم است یا وفای
این واجب جواب تقدیم حق زوج مشکل است
سؤال شخصی نذر میکند در زمان نذر اسباب
انعقاد موجود است بعد آن شیء منذور بسبب بعضی
جهات مرجوح یا حرام میشود نذر بهم میخورد یا نه
جواب بهم خوردن نذر مشکل است در صورت
مرجوحیت و اگر حرام شود بهم میخورد در آن زمان
البته مثل اینکه اگر نذر کند صوم یوم الخمیس را مثلا
پس حیض شود آن روز آن روز را روزه نگیرد پس
زید مبلغی بعنوان قرض الحسنه بعمرو میدهد عمرو
میخواهد کسب و خیالش آسوده باشد یا یکسال یا دوسال
مثلا زید حق المطالبه خود را صلح میکند بمبلغ معینی
عمرو هم بالطوع و الرغبه قبول صلح میکند از موضع
ربا خارج است این صلح یا حیله است و اشکال دارد

جواب صلح صحیح نیست چون حق مطالبه حکم است
حق نیست قابل صلح باشد سؤال شخص صد تومان
اسکناس را میفروشد بصد و ده تومان پول سفید نسیه
تا مدت معینه چه صورت دارد اگر حکم ربا دارد بفرمائید
جواب عیبی ندارد سؤال زید از مال خودش ده
تومان صلح میکند بعمرو و در ضمن عقد شرط میکنند
که عمرو صد تومان باو بدهد بعنوان قرض الحسنه
و تا یکسال حق مطالبه نداشته این معامله ربوی است
یا خیر جواب چون حیله است احوط و اولی ترک است
سؤال کشتن سگ در حالتیکه غیر عقور باشد در خانه
دارد محض اینکه کثرت طرف ابتلا عبا نجاست باشد شخص
جایز است یا نه جواب نکشد سؤال در مسئله
مسوغات تیمم مثل ان نفس محترمه را بیان فرمائید
جواب اینکه مالیکه دارد مثل گوسفند و گاو در خطر
تلف آنها مضر بحال شخص باشد خوف تلف آنها موجب
تیمم میشود یا نه بعبارة اخری وضو و غسل
مقدم یا رعایت حال حیوان صاحب ظن در اینمسئله

کلب هرکی را دیدنا بوا بنکه کشتنش بلا جهت خلاف شرع است
جواب اگر ممکن باشد ذبح حیوان بدون ضرر بر مالک
ذبح نماید حیوان او و صبر نکند و الا آب بحیوان بدهند
و تیمم کنند و در مسئله کلب هراش و امثال آن نیز بعید نیست
تقدیم تیمم و دادن آب بکلب سؤال مشاهد مشرفه
و روضات مقدسه شامل حرم بعضی از امامزادهای
محترم میشود یا مخصوص است بحرم معصومین علیهم السلام
مثلا جنب و حایض میتواند مکث در حرم امامزادها
بعمل آورند یا نه جواب شامل نیست سؤال زیارات
بجز ماثوره که مرسوم است میخوانند در زیارات بعضی از
امامزادها و مؤمنین کاملین و مشتمل است بر سلام
و خطابات چه صورت دارد و بچه قصد باید خوانده
شود جواب بعبارات منطبقه بر مورد ضرر
ندارد و بقصد قربت مطلقه سؤال ضعفا رفتن
مطهر بعضی از امامزادها از دور دیده میشود رو بآن
سلام میکنند صحیح است یا نه جواب ضرر ندارد
سؤال زیارت امامزادهای واجب التعظیم و شرب کراهت

دارد یا نه جواب کراهت معلوم نیست و دلیلی
بنظر نرسیده بر کراهت سؤال نیابت در
زیارت غیر معصوم چه صورت دارد و بقصد آنکه
ثواب زیارت را نثار مرده کنند جواب ضرر ندارد سؤال
نماز خواندن بر میت مخالف بدعا کردن بر او واجب است
یا نه میتوان ترک نماز کرد جواب نماز بر میت مسلم
واجب است اگرچه مخالف باشد سؤال تحصیل احکام
میت و سایر واجبات کفائیه واجب عینی است یا
کفائی جواب هرگاه مظنه ابتدا باشد واجب
عینی است سؤال صیغه محرمیت که مرسوم است
دختر شیرخواره صیغه میکنند برای مرد اجنبی
که مادرش محرم شود قصدی در این مقام غیر محرمیت
مادر و طفل نیست و مرکوز اذهان است که این صیغه
از نکاح دائم و منقطع خارج میدانند بلکه صغیره
اگر قابلیت هم داشته باشد شوهر او و ولی او یا تقبیل کند
و میدید یا مادر طفل بفهمند نزاع و فساد میکنند
این نوع از تزویج چه صورت دارد و محرمیت حاصل

میشود یا نه جواب با قصد عدم تمتع فاسد است
سؤال صغیره یکساله را میتوان صیغه نمود در
مدت یکساعت بدون داخل نمودن زمان تمتع
یا نه جواب باید زمان تمتع را داخل نمود که قابل
تمتع باشد اگرچه قبل از بلوغ نشده باشد سؤال
ربا گرفتن از اهل ذمه که شغلش ربا گرفتن از مسلمین
است جایز است یا نه جواب بر فرض ذمی بودنش
جایز نیست اخذ ربا از آن سؤال اهل ذمه که
هیچ بشرایط ذمه عمل نمیکنند و کمال اقتدار و سلطنت
دارند در بلاد مسلمین مسلم اگر مال آنها را تملک
کند و خمسش را بدهد با آنکه فسادی لازم نیاید جایز
است یا نه جواب تملک اموالشان در مفروض سؤال
عیب ندارد سؤال نظر کردن بزنان و دختران اهل
ذمه که خالشان این است با ریبه و استلذاذ بقصد
استرقاق از برای مسلم جایز است یا نه جواب
جایز نیست سؤال محاذات زن با مرد و تقدمش
بر او در نماز بدون حائل و فاصله ده ذراع

چه صورت دارد جواب عیب ندارد سؤال
نماز خواندن در جوراب که ساق را نپوشاند صحیح است
یا نه جواب نماز صحیح است و احوط اجتناب است
سؤال اشخاصیکه عملشان ربا یا ظلم یا تغلب و
کم فروشیست و معلوم است از حال ایشان که اموال
آنها مظالم و حقوق فقراء است اگر فقیر شرعی بقصد
انفاذ حق خود از این اموال چیزی بدزدد و در
صورتیکه موجب فساد و مستلزم هرج و مرج
نشود با اذن حاکم شرع و بی اذن چه صورت دارد
جواب با اذن حاکم عیب ندارد سؤال معامله با مرتد
فطری که مالش مال ورثه است صحیح است یا نه جواب
خرید اموالش از خودش جایز نیست پس معامله با
اشخاصیکه معلوم است که خمس نمیدهند جایز است یا نه
جواب در عین اموالی که معلوم است که خمس آنها را ندادند
جایز نیست سؤال اشیائی که از بلاد کفر میاورند
از قبیل شحوم و لحوم و جلود مثل شمع کچی و کیف
تیماجی و کمربند خریدنش از بازار مسلمین و از دست ایشان

با علم باینکه این مسلمین از کفار میخرند چه صورت دارد
محکوم بطهارت داشتن یا بنجاست و نماز خواندن بانها صحیح است
یا نه ظرفها ابتلاء عمومیست جواب را بتفصیل بیان فرمایند
جواب باشد بطهارت و نجاست محکوم نیست بطهارت
و باشد بتذکیه و عدم تذکیه محکوم است بتذکیه
بلی اگر یقین داشته باشد که کافر ذبح کرده محکوم است
بعدم تذکیه و اگر شک کند در اینکه از ماکول اللحم است
یا غیر ماکول صحیح است بیع و محکوم است بطهارت
و نماز با آن مشکل است **سؤال** انتفاع بفضلهٔ
حیوانات غیر ماکول اللحم مثل آنکه بعضی از حمامها فضلهٔ
فیل را برای سوختن حمام و بیع و شری واقع میسازند
جایز است یا نه **جواب** مشکل است **سؤال** خریدن
لحوم و شحوم و جلود از قبیل اشیاء مذکوره از کفار
و بیع آنها بمسلمین صحیح است یا نه بر تقدیر اینکه از ید
مسلم و سوق مسلم خریدن صحیح باشد **جواب** جایز
نیست **سؤال** خریدن این اشیاء از کفار و که در بازار
مسلمین تجارت میکنند چه صورت دارد رجح مشکل است

سؤال فروختن شیرهٔ متنجس بجهت مالیدن و نحو آنها
که مرسوم است صحیح است یا نه **جواب** مشکل است
سؤال انتفاع بمیته و اعیان نجسه مطلقاً صحیح نیست یا
مورد صحیح دارد مثلاً از پوست کلب و خنزیر دلو
و از شعر آنها ریسمان ترتیب داده شود بجهت
کشیدن نجاست جایز است یا نه رجح مشکل است **سؤال**
فروختن مایعات نجسه و متنجسه را بجهت مالیدن
بدن و احتقان جایز است یا نه رجح مشکل است فروختن
سؤال فروختن خمر بجهت احتقان و استعلاج
چه صورت دارد **جواب** جایز نیست **سؤال**
در هندوستان کسبه ضعفا فروشندهٔ مایعات را مثل سرکه و شیره
میخرند فروشند بکفار در ظرفهای آنها که نجس است
میریزند آنها یعنی هنوز از ملک مسلم خارج نشده
نجس میشود بیع این مایع متنجس بکافر جایز است یا نه
جواب با عدم علم بنجاست ظرف عیب ندارد
سؤال نماز نافله و نماز اول ماه در وقت مختص
فریضه قبل از ادای آن جایز است یا نه **جواب** ظاهراً

جوازاست باسعه وقت فریضه سؤال لقطه بی نشان
مثل یکدانه لیره واشرفی شخص پیدا کند میتواند
تملک کند اگر چه غنی هم باشد یا حکم لقطه با نشان را
دارد جواب میتواند تملک کند اگر چه احوط واولی
اجتناب است مگر باذن حاکم سؤال اسکناسهای که سندات دولت
وجنس او کاغذ است مالیت دارد و بمنزله ملیات و اداء
دیون باضمیمه لانه نیست جواب بلی معامله با آنها
جایز است مستقلا و اداء دین با آنها میشود سؤال
بر تقدیر آنکه مالیت داشته باشد در حال رواج دین
رواج بود و بعد از رواج ساقط میشود ادای دین
شده است یا نه جواب هر گاه در زمان رواج داده ادا
دین بان میشود س شخصی در نماز ظهر شک میکند
بین دو و چهار عمل بشکش میکند بعد از تمام اگر دو رکعت
احتیاطی را بخواند نماز عصرش قضا میشود از وقت
هم بعد و یکرکعت باقی نماند چکند و در صورت
قضا نشدن که وقت مختص بعصر باشد تکلیف چیست
جواب اگر بعد از بجا آوردن نماز احتیاط مقدار

یکرکعت باقی بماند نماز ظهر را تمام کند و بعد نماز عصر را
هم ادا نماید و اگر از وقت هیچ باقی نماند ظهر را تمام نماید
و بعد ظهر و عصر را هر دو را قضا کند س مردی زن دارد
احتمال رواج میدهد که اگر زن دیگر اختیار کند زوجه اش
بجهة نقصان عقلش خود را تلف میکند با این احتمال تجدید
فراش کردن با نه بر تقدیر آنکه تزویج کرد و زوجه
سابقه خود را تلف کرد آیا ضامن است یا نه ج در
مفروض سؤال تجدید فراش عیب ندارد و اگر خود را تلف
نمود ضامن بر زوج نیست سؤال استمنا بید زوجه
و جاریه مثل آنها جایز است یا نه جواب جایز است س
وطی در دبر زوجه و جاریه حرام است یا مکروه ج
مکروه است سؤال عرق جنب از حرام پاک است یا نجس
جواب احوط اجتناب است سؤال بعد از حصول جنابت
از حلال خود را جنب کرد بحرام بر تقدیر آنکه عرق جنب
از حرام نجس باشد این جنابت بعد حکم دارد یا نه ج
جنابت بعد حکم علیحده ندارد سؤال صائم در ماه رمضان
افطار کند بعد قصد سفر میکند اختیارا و قبل از

زوال از حد ترخص خارج میشود کفاره ساقط میشود
یا نه جواب کفاره ساقط نیست سؤال متمکن از وضو
یا غسل بود اختیارا وقت را مضیق کرد و در ضیق وقت
با تیمم نماز خواند معصیت کرده یا نه جواب آری
باخداوند کویم است لکن عملش صحیح است سؤال شخص
جنب که ظن بضیق وقت دارد تکلیفش استصحاب وقت
و غسل است یا تیمم بر تقدیر آنکه تکلیفش غسل باشد
اگر بعد معلوم شود که وقت نداشته و تکلیفش تیمم
بوده غسلش صحیح است یا نه جواب با ظن بضیق وقت
غسل کند صحیح است و لو کشف خلاف شود سؤال
مأموم در ابتداء اقتدا قصدش اینست که در اثنا نماز
منفرد شود و نماز دیگر را اقتدا کند که دو نماز را
بیک نماز خوانده باشد صحیح است یا نه جواب با عزم
در اول امر خوب نیست مگر آنکه انفراد متفرع شود مثل
آنکه اقتدا نماید مغرب را بعشا امام در سه رکعتی
ظهر را از امام منفرد میشود و بعد عشا را با امام اقتدا میکند
سه را از تمام کعشا و منفرد میشود سؤال اگر زن

بر میت نماز بخواند از دیگران ساقط میشود یا نه ج
عیب او دو از دیگران ساقط میشود سؤال اجیر
شدن زن از برای مرد در حج جایز است یا نه جواب جایز است
سؤال شخص روزه دار در ضیق وقت نماز میخواند
غلط سینه اش بفضای دهنش میاید طوری که نمیتواند
خارج کند که نماز باطل نشود در غایت کدام یک را
دو واجب اهم است در اینجا جواب مجرد فرض است
وقوع خارجی ندارد چون ممکن است رفع غلط بدستمال
یا ضمیمه دیگر که موجب بطلان نماز نشود سؤال تولی
شخص واحد طرفین عقد نکاح و سایر عقود را در حال
اختیار بجای نکاح جایز است یا نه جواب در غیر نکاح
جایز و در نکاح احوط اجتناب است سؤال در عقد
نکاح از جانب زن وکالة بگوید زوجت موکلتی لنفسی
و از جانب خود اصالة بگوید قبلت التزویج در حال
اختیار جایز است یا نه و در سایر عقود این فرض
چه صورت دارد جواب تولی طرفین عقد جایز و در
نکاح احوط اجتناب است سؤال شخصی تقلید کرده

از مرحوم شیخ مرتضی اعلی الله مقامه پس از فوت او رجوع
کرد بمرحوم میرزا اعلی الله مقامه و بعد از او رجوع نمود
بحضرت مستطاب عالی میخواهد باقی بماند بر تقلید حضرت
تکلیفش بقاء بر کدام یک از این دو تقلید است جواب
در مفروض سؤال رجوع بمرحوم شیخ کند سؤال
سهم امام ع را بفقراء غیر سادات میتوان داد یا
مصارف فقراء سادات میباشند جواب جواز
دادن بسادات است باید بجائی که میدهند و ایشان بمصرف
میرسانند سؤال سهم امام و خمس را بمستحقات از علویات
که شوهرهای آنها فقیرند یا انفاق نمیکنند میتوان داد
یا نه جواب اما سهم امام ع را باید بجائی که میدهند
و اما خمس پس از قبیل علویات در حال اضطرارشان
بدهند عیبی ندارد سؤال زن ذوالعطاش که تکلیفش
افطار است مثل مریض مطلق العنان است جایز است
از آب پر کند خود را و خوردن چیزهای دیگر یا
ممنوع است از غیر آب و از زاید بر قدر ضرورت و از آن
جواب احوط اقتصار بر آب است بمقدار متعارف پس

معاوضه کند با نان مسئله جاری است یا بواسطه اجزاء مائیه
در طرف نان نسبت صدق نمیکند و ربا بعمل میآید بدهد معاوضه
کردن آرد با خمیر چه صورت دارد جواب اما معاوضه گندم
با نان عیبی ندارد و اما معاوضه آرد با خمیر مشکل است
سؤال آبی که از مقدار کر زیاد باشد بنجاستی وارد
میشود و بعضی بیشتر آن تغییر میدهد باقی کمتر از کر میماند
این انتقال متغیر نجس میشود یا نه جواب نجس میشود
آب مطلق مطهر از کر میشود سؤال پیه گوسفند
با شحمش و هر یک با گوشتش یا کره یک جنس محسوب میشود
یا نه جواب بحسب ظاهر یک جنس اند چون فرع یک اصلند
لهذا باید اجتناب کنند سؤال اشخاصیکه از ترس ظلم
و مال الناس ظالم است غصب میکند ملک و وقف را و مورد
مجبور و مقهور میسازد برای اینکه صورت بیع واقع سازد
متولی هم چون میداند بر هر تقدیر ملک وقف از تصرف
خارج میشود مغتنم دانسته صورت بیعی واقع میسازد
وجهی اخذ میکند از غاصب بطلان معامله واضح
ولی این وجه مأخوذ از غاصب چه حکمی دارد و

مصرفش چه میباشد جواب مظالم است بجا کو بدهند
بر مدیون تا تمکن از ادا و مطالبه از این دارد
نمیکند و در دو سعت وقت نماز میخواند صحیح است
یا نه جواب نماز در سعت وقت مشکل است سوال شخص غیر
مستطیع که مال مظالم است جمع دارد بمکه معظمه
میرساند آنجا که حاضر میشود تا وقت حج میتواند حج
باید حج کند لکن مجزی از حجة الاسلام نیست سوال
این شخص مذکور اگر بعد مستطیع شود بمال حلال حاصل
چلیست آیا واجب است بر او اعاده حج یا نه جواب بلی واجب است
اعاده نماید حج را سوال شخصیکه خمس و زکوة واجب
شده بر او و نمیدهد در سعت وقت میخواند نماز بخواند
یا نه جواب این نظیر مسئله سابقه است با سعه
وقت نماز مشکل است سوال جنب حمام بود و قضای حمام
اینست که از وجه خمس نداده یا عین پول حرام اجرت
حمام را بدهد غسلش صحیح است یا باطل جواب
مشکل است سوال نماز خواندن در کپی غاز دید که موی
زند بکو باشد چه صورت دارد و من از برای شوهر

جایز است یا نه جواب معلوم نیست عیب داشته باشد
اگر چه احوط اجتناب است سوال نماز خواندن در حالتی
که بدن و لباس آلوده بشیر زن باشد جایز است یا نه
ج عیب ندارد و سر رطوبات انسان غیر ما نماز کذا چه صورت
دارد ج عیب ندارد سوال رطوبات حیوان غیر مأکول
اللحم اگر خشک شود و عین نداشته باشد ضرر نماز
دارد یا نه جواب ضرر ندارد سوال کذب بر خدا و
رسول عمدا در روزه موجب کفاره جمع میشود
یا نه و هم چنین ابتلاع خلط سینه عمداً که بفضای
دهن آید موجب کفاره جمع است یا نه جواب احوط کفاره
جمع است در مطلق افطار بمحرم سر تصویر ذوات
الارواح بجز مجسم حرام است یا مکروه ج حرمتش
معلوم نیست سوال عکس انداختن که در این زمان
شایع است از مصادیق تصویر محسوب است یا نه جواب
عیب ندارد سوال بر تقدیر حرام بودن عکس انداختن
تمکین شخص از اینکه عکس او را بیندازند چه صورت دارد
ج جوابش معلوم شد سوال اقتدا نماز قضا بصلوة مفاد

امام صحیح است یا نه جواب بلی در مورد جواز معاده
امام اقتداء بآن جایز است و فرق نیست مابین اینکه اقتدا
نماید بنماز قضا از یا اداء او مورد صحت معاده امام
در جائیست که امام اولا فرادی نماز خوانده و بعد بخواهد
همان نماز را جماعت بخواند آنوقت نمازش صحیح و اقتدا
بچنین نمازی جایز و فرقی نیست مابین اداء و قضاء
در جواز اقتداء

تمام شد مسائلی که خود حضرت سؤال بود مراد از اینجا تا آخر مجموعه
آنچه ذکر میشود مسائلی است که یکی از برادران دینی سؤال
نموده چون صدور جواب از حضرت مستطاب بصحت پیوسته
بود ذکر شد سؤال در آب کر و حیاض اشیائی که قطرات
بردار باشد یا نباشد تعدد میخواهد یا نه و در قطرات
بردار عصر میخواهد یا نه و در صورت عصر بعد از
غسل ثانیه عصر میخواهد یا نه اکتفاء بعصر مابین
الغسلتین میتوان کرد یا نه جواب در غیر بول دفعه
واحده کافیست و احوط عصر است نیز و در بول
احوط تعدد غسل و عصر است سؤال اگر دست از

سر نکشته تا شانه نجس است و نصف دست در آب کر
داخل بشود اگر نشسته دو میخواهد تعدد بدهد و اگر نمیخواهد
دو مرتبه او را بخورد آنکه آب فرا گرفته است پاک میشود
یا نه جواب غمسی کند که آب از موضع نجس بموضع
ظاهر نکرود سؤال اگر ذکر کبیر و صغیر در رکوع
و سجود چون تخییر است بهر یک شروع کند بر باقی
جاری شود عیب دارد یا نه و اگر عادت بصغیر باشد
کبیره بالش جاری شود چگونه است و اگر سبحان گفت
بقصد کبیر بعد میتواند بصغیر رجوع کند یا بعکس
یا نمیتواند جواب در همه صور صحت است سؤال
جهر و اخفات آنچه که در محل اخفات از روی سهو یا
غفلت یا فراموشی جهر خوانده شود محتاج باعاده
است یا نه آنچه را که خوانده است اگر جهر یا اخفات قصد
داشته باشد در محل شان سهو کرده برخلاف خوانده
احتیاط مستحبی است اعاده او یا مطلق و اگر مطلق باشد
احتیاطش اگر در بین کلمه باشد یا بعد از تمام شدن
کلمه باشد و لحن وقف بحرکت میشود در قرائت باشد

یا تسبیحات او بعد از همانجا باید قطع کرد و اعاده کرد
یا اگر در بین کلمه باشد چه ذکر چه قرائت باید تمام کرد
بعد اعاده کرد **جواب** اعاده لازم نیست حتی اینکه اگر
کلمه را در نماز جهریه اخفات خواند بعد از التفات بقیه
کلمه را جهر اداکند اعاده لازم نیست **سؤال** اخلالی که در
نماز است بجز غیر قرائت و ذکرا است چه چیز است مثل تشهد
و سلامها و سمع الله لمن حمده و غیرها ذکرا است یا نه
غیر از سلام یا قرائت است یا ذکر **سؤال** اقوال مستحبه
در نماز از روی جهل یا سهو یا غفلت غلط خواند چه
در قرائت چه در ذکر و مثل آنکه واو را واف بگوید یا آنکه
قرائتش درست نباشد در نماز باشد یا در خارج نماز
چه صورت دارد در نماز باطل است یا صحیح است و اگر
صحیح است اعاده او مستحب است یا خیر و در صورتیکه بعد از ادای
کلمه ملتفت شدن اعاده کلمه لازم است یا خیر و [illegible]
اقوال مستحبه سجده سهو میخواهد یا نه **جواب** اگر غلط
موجب خروج کلام باشد از قرائت یا ذکر مبطل نماز است
اگر عمدا باشد یا جهلا نه سهوا و الا عیبی ندارد و در فرض

صحت اعاده اولی است در زیاد و کم اذکار مستحبه سجده
سهو ندارد **سؤال** با ظلمه رفتن و آمدن چه صورت دارد
بر فرض صحت یا عدم صحت نماز خواندن در خانهای ایشان
چه صورت دارد و معمولی یا مضیر یا چیزی بد هست یا خوب
کردنش چه صورت دارد **جواب** مراوده با ایشان
اگر اعانت بر اثم نشود عیبی ندارد و نماز خواندن در خانه
ایشان یا قبول هدیه از ایشان با احتمال اینکه حرام و
ندارد شد در مجلسی که اقامه جماعت بشود فرادی
نماز خواندن در صورتیکه توهین نشود چه صورت
دارد در صورت توهین نمازش صحیح است یا نه **جواب**
اگر توهین امام نشود بی اشکال است و اگر توهین بشود
جای دیگر نماز بخواند **سؤال** ملک موقوف مثل مدرسه
و مسجد را حاکم شرع بردارد و تغییر بدهد مثلا مدرسه
مسجد یا مسجد مدرسه نماید یا مسجد را بردارد و خانه
کند آیا جایز است یا خیر بر فرض عدم جواز نماز
خواندن در او چه صورت دارد و اگر مجتهد این تصرف را کند
یا غیر مجتهد فرقی دارد یا نه و احتمال اینکه غیر مجتهد

از مجتهد گرفته کفایت میکند یا خیر جواب جایز
است تغییر قصد در جمیع صور مذکوره سؤال خواندن
اذکار و دعاهای مستحبه که مأثور در کتب اخبار است
از حیثیت قدر و کیفیت مثل صورت الفاظ هر ختم
باشد هر چند مرتبه باشد هر جای نماز که باشد بقصد ورود
میتوان خواند یا نه در صورت توان گفتن خواه اذکار و دعا
که در کتب معتبره بوده باشد یا اذکاری که در رساله‌های علما
باشد میتوان بعضی از فقرات دعا و ذکر را بقصد ورود
خواند و بعضی از آنها را نخواند مثل آنکه در اول تشهد
اکتفا کند بگفتن بسم الله و بالله یا گفتن الحمد لله
تنها جواب خواندن اذکار و ادعیه مستحبه و
بعضی از آنها جایز است بقصد ورود و ورود شرط لازم نیست
سؤال به هر یک از دو صیغه سلام مصلی از نماز خارج
میشود یا نه و در صورت خروج قصد خروج هم لازم
دارد یا نه و اگر احتیاط بشود مستحب است احتیاطا مشو
یا مطلق جواب احتیاط هر دو سلام را بگوید از احتیاط
ترک نکند قصد خروج از نماز لازم نیست سؤال

در آخر وقت که ظن بقای وقت یا شک بقای وقت باشد
وضو را بنیت وجوب میتوان گرفت یا باید بقصد قربت
مطلقه کرد بعد از خواندن و در همین صورت
ظن و شک اقوال مستحبی را میتوان خواند یا نه و اکتفا
بواجبات باید کرد جواب قصد وجوب در این دو فرض
عیبی ندارد و احوط و اولی قصد قربت مطلقه است
و اگر خوف فوت وقت باشد ترک اقوال مستحبه نماید
سؤال آیا زوجه دائمه میتواند حق خود را هبه و بذل خوا
بی خود را که در چهار شب یکشب حق و در مقاربت
که چهار ماه یکمرتبه باشد بزوج خود ببخشد یا صلح کند
یا نه جواب در شبی که مضاجعه یا مواقعه باید بکند
میتواند اما حقوقی که بعد خواهد آمد هنوز واجب نشده
تا صلح یا هبه یا اسقاط شود سؤال آیا عبائی که هر دو
طرف آن قابل باشند باشد چنانکه حال معمول است که در
جیب میگذارند آیا ظرف است یا خیر و بر فرض ظرف
بودن در جیب بگذارد و نماز بخواند نماز صحیح است
یا خیر سر عصا و سر چپق و سر قلیان نقره یا طلا

ظرف پایه‌ندار سر قلیان که بکج میریزند و تنباکو میگذارند
ظرفیست یا خیر ما بین قلیان چه صورت دارد و انفیه
دان نقره چه صورت دارد جواب قلب متصل ظرف
نیست و بر تقدیر ظرف بودن نماز با آن عیبی ندارد
سر عصا هرگاه طلا یا نقره باشد عیبی ندارد اما سر
چوق یا سر سبیل یا سر قلیان هرگاه تمام مشروط به نقره
باشد جایز نیست و اما آن سر که کج میریزند هرگاه
هرگاه زیرش چوب دارد عیبی ندارد و همچنین میانه
قلیان عیبی ندارد و انفیه دان جایز نیست سؤال دستی
که لباس را فشار میدهد از محل دست را بر میدارد
و بمحل دیگر میگذارد چه غساله اولی باشد یا غساله
ثانیه یا در بین دو غساله چه صورت دارد و مثل آنکه
لباس که بزرگ باشد که نتوان مثل کوفتن فشار
داده نشود مواضع او را ابتدا بتدریج بایستی دست داشتن
دست را از محلی بمحل دیگر گذاشتن بجهت فشار دادن
یا خورد دست بغساله موجب تطهیر علیحده نمیشود یا باید
دست را شست و آن وقت با آن لباس گذاشت جواب

هرگاه

هرگاه بطریق متعارف در مقام شستن باشد عیبی ندارد
سؤال ولی طفل میتواند صبیه خود را که تکلیف
نشده است بعقد نکاح کسی یا بطریق متعه بجهة
محرمیت بکسی صیغه بخواند یا نه و بعد از صحیح بودن
آن مهریه را هرچه بخواهد میتواند قرار بدهد خواه
بکسیر نبات باشد چه صد تومان یا باید ملاحظه آبرو
و مصلحت طفل را بکند و بعلاوه بعد از عقد میتواند
مهر هرچه باشد یا چیزی که قرار داده است صلح یا
هبه کند بزوج یا نه جواب عقد صغیره دواما
و انقطاعا موقوفست بمصلحت طفل و همچنین
تعیین مهر باید بصلاح طفل باشد و بخشیدن مهر مشکل است
سؤال محمول نجس در نماز با شخص باشد چه صورت دارد
ج احوط در محمول نجس اجتناب است در نماز مستحبی غیر از
رواتب یومیه قبل از نماز ادا میتوان خواند یا نه
چه قضا ادا ... باشد یا نه ج عیبی ندارد و مطلقا
سؤال حد صله رحم چه قدر است که شخص باید قوم را
ملاقات کرده مثلا در سالی دو مرتبه دیدن کفایت میکند

یا یکمرتبه

ما مرتبه هم کفایت می‌کند یا بیشتر باید فقرا نش را
بفرمایید جواب باید بمقداری باشد که صدق
صله بکند سؤال عمل کردن برساله سرور العباد
چون حاشیه شما است از سرکار حجة الاسلام در کلمه
نوشته چه صورت دارد و بمعانی که مرحوم میرزا طاب ثراه
زده شده است عمل کردن چه صورت دارد جواب
هر دو رساله حاشیه شده است سؤال اگر کسی غیبت
کند مستمع حال مغتاب عنه را نداند که متجاهر است
یا نه آیا واجب نهی غیبت کننده در این صورت یا نه جواب
اگر مستمع حال مغتاب را نداند منع کند غیبت کننده را
سؤال آیا جایز است غیبت کردن متظلم از ظالم خود
یا خیر مثل اینکه بگوید او لش چه مرد بیست شانی بوده
والحال چه اظهار بلندی می‌کند جواب جایز است
غیبت کردن در مقامی که متجاهر بوده سؤال
آنکه میهمان کسی می‌شود و میزبان موافق شأن او
پذیرائی نمی‌کند حال جایز است غیبت میزبان کردن
یا اینکه منکر است یا بیت فطرتست یا خیر جواب

اینمسئله داخل مسئله متظلم ندارد و نا جایز باشد
سؤال بچه حد از تجاهر در فسق غیبت مؤمن مجوز است
مثلا اگر در بلدی متجاهر باشد یا در طائفه آیا در
هر طائفه یا هر بلدی جایز است غیبت آن یا آنکه جواز
مقصور است بهمان بلد متجاهر فیه و همچنین تا چه حد
جایز است مقصور است جواز بصنفی از فسق متجاهر فیه یا کلیه
مانعی نیست جواب مراد از متجاهر کسی است که باکی
ندارد از نسبت معاصی بآن و چنین کسی غیبتش جایز است
حتی در بلدی که سکنی در آن ندارد و لکن حکم بجواز مخصوص
است بهمان فسقی که متجاهر است سؤال اگر شخصی غیبت
کسی را کرد و اگر ترضیه بجوید از شان مغتاب اسم فاعلی
کسر ملتفت می‌شود یا آنکه غیبت کرده شده با اظهار مکدر
می‌شود یا وجوه این باز ترضیه لازم است یا استغفار کافی
است جواب استغفار کافی است در مفروض سؤال
سؤال اگر کسی صنفا ذمیمه غیر ذاتیها پیش خودش ذکر کند
با اخطار بالی نماید جایز است یا خیر جواب ذکر موت
اهم و اولی است سؤال حاکم شرع که متولی موقوف

است اگر بر حسب نظر خود در عین وقف تغییر کلی داد
مثلاً حجره مدرسه را خراب کرده و مسجد ساخت با
آنکه محتاج بود دارا مدرسه که واقف از برای آن محل
وظیفه نکرده این متولی که حاکم جامع الشرایط است
این حجره را موظف کرد جایز است خدا وظیفه را
صلوة بعد از آن مسجد یا نه جواب بعد از احراز عدالت متولی حکم
متولی تعرض با آن وجهی ندارد و احتیاط اولی است سؤال
اگر طلبه بعضی از مسائل فقهیه را نظر کرد و باعتقاد خود
فهمید ظن قوی بر طبق فهم خود حاصل کرد آیا جایز
است از برای عمل بر طبق ظن خود یا خیر جواب
اگر به مرتبه اجتهاد نرسیده ظنش حجت نیست سؤال
فتوی را در جواز اینکه ساق را ستر نمیکنند بیان فرمائید ج
مکروه است احوط و اولی اجتناب است سؤال در وجوب
نهی از منکر ظن تاثیر لازم است یا تجویز تاثیر کافیست
و در سقوط وجوب احتمال ضرر کافیست یا مناط ظن
بضرر است جواب احتمال تاثیر کافیست در وجوب
و خوف ضرر کافیست در سقوط تکلیف سؤال مقلد

ظنی حاصل کرد از قول کسی بر مسئله و خواست عمل کند
بر مقتضای ارشاد آن واجب است یا خیر جواب اگر کسی
مسئله را سؤال کرد از شخصی و سائل میداند که جواب
برای مقلد او نیست و بر طبق رای خود یا رای میت
جواب گفته از روی غفلت و عدم تفطن بر طبق جواب
خواست عمل کند یا واجب است ردع آن و ارشاد یا
نیست جواب ردع و ارشاد نماید سؤال شخص واحد
میتواند در کلیه عقود طرفین ایجاب و قبول واقع شود یا خیر
جواب عیب ندارد ولکن در نکاح احتیاط نماید سؤال
در لحوم و شحوم اصل عدم تذکیه است یا معاملات اصل را
جواب اگر از سوق مسلمین یا از ید مسلمین و ارض مسلمین
اخذ شود محکوم است به تذکیه و حلیت سؤال غنا
چه صوتی است جواب فهو تمشیق صوت با ترجیع مع الطرب
سؤال بنظر تو بیع متعارفه که مرسوم است مثلاً
میگویند فیهم من ها تشید هد میگیرد و میبرند ثمن
داده است و نه زمان ثمن را معین کرده است این بیع
نقدی و صحیح است یا اینکه بیع نسیه است و بی تعیین

زمان اخذ ثمن باطل است فرقی نیست و العبرة باشد که شکل این
دو بیع چه قسم است ج اباحه است نه بیع چون تصرف باذن
مالک شده عیب ندارد س معامله با اطفال ممیز چه صورت
دارد ج صورت ندارد مگر اینکه این طفل آلت باشد آنوقت
عیب ندارد س اینقسم معامله که بقال یا عطار با اطفال
میکنند بدون اذن ولیش چه صورت دارد و بر فرض بطلان
اگر از دخلش پولی بدهد بکسی از برای آنکس گرفتن
چه صورت دارد ج اینگونه معامله باطل است مگر
آنکه طفل آلت صرف باشد آنوقت عیب ندارد و اگر از
دخل پول بدهد و بداند مخصص که چنین پولی مخلوط
با پول خلائق شده یا اصلا اجتناب کند یا باذن ولی طفل
تصرف کند س چون اینقسم از کسبه که اشیا قلیله
از بقالی و عطاری و امثال اینها میفروشند اگر
بخواهند اینملاحظه‌ها را بکنند بر اینها عسر و حرج
میشود و لهذا طریقی ممکن هست که بآن طریق بتوانند دو
شرعی بکنند با اطفال اینرا بیان فرمایید که سهل بشود
ج صحیح نیست مگر اینکه معلوم شود اذن ولی شرعی

سؤال

سؤال در حجرات مدرسه که مشترک باشد و اگر رفیق
حجره بنا باید با بوظایف وقف عمل نکند تصرفات رفیق
که بوظایف وقف عمل میکند در آنحجره چه صورت دارد
و چون کلاهما راضی در تصرف بیکدیگر باشند چون حصتان
مشاع است محتاج باذن رفیق حجره‌ها که شرعا ذی حق
باشد یا از متولی شرعی اذن گرفتن هست یا نه ج
تصرفات عامل بتکلیف عیب ندارد سؤال متولی
غیر شرعی از املاک موقوفه اجاره اگر بگیرد و بمصارف
موقوف علیه برساند مثل گرفتن اجاره دکانی که وقف
بر مسجد باشد و حصیر بخرد از آن پول اجاره و در مسجد
بیندازد و تصرف در آن حصیر از قبیل نماز و غیره چه صورت
دارد جواب جایز نیست مگر باذن و اجازه متولی شرعی
یا حاکم شرع سؤال مسجدهائیکه در مدارس ساخته
شده و ما یتعلق بمسجد مثل حوض که در مدرسه واقع
و غیره و مسجدهائیکه عنوان مدرسه ندارد اگر غیر متولی
شرعی تصرف کند وضو ساختن در آنحوض و نماز خواندن
در آن مسجد بدون اذن متولی شرعی صحیح است یا نه

جواب

جواب نماز و وضو عیب ندارد سؤال احکام جهر و
اخفات در قرائت در تسبیح اربع هم هست یا نه و در وضو
قصد اخفات ولکن جهراً خواند که فرموده بد مقرر بود را
احتیاطاً اعاده کند اخفاتاً این احتیاط مطلق است یا
مستحبی است علاوه بر این اگر در بین کلمه یا کلمات لحم
از اینکه قرآن باشد یا ذکر باشد بخاطرش آمد باید
کلمه را بقیه حروفش بگوید تمام کند و از برای عاقم
برگردد یا از همانجا قطع کند جواب اگر اخفات کند
مصلی بجا جهر یا جهر کند در مقام اخفات نسیاناً یا جهلاً
نمازش صحیح است اعاده نمیخواهد و احتیاطی بنظر نمیرسد
بر فرض وجود مستحبی است سؤال در بین ذکر اگر شک
کرد در صحت آنچه خوانده است فرمودید باید از آنجا
قطع کند و اعاده کند بلکه اگر ما بقی خود ذکری باشد
تمام کند بقصد قربت مطلقه و آنوقت اعاده کند
اولاً فتوی فرمودید یا احتیاط مطلق است یا مستحبی
و ثانیاً ما بقی خود ذکری باشد معلوم نیست مثلاً سبحان
گفت ربی العظیم و بحمده تماماً ذکر است یا نه سبحان ربی گفت

العظیم و بحمده ذکر است یا نه یا اینکه العظیم با الف و لام
با غیرا و لذا اسماء الله با الف و لام ذکر است یا نه و بحمده
تنهایی ذکر است یا نه مثلاً در تسبیحات اربعه الحمد لله با حرف عطف
ذکر است یا نه مثلاً در تشهد سکوتی اشهد آنوقت شک
در صحت سکوت ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ذکر است یا
و هم چنین در وسط مثل ان لا اله و الا الله و اله
وحده و لا شریک له و ما بقی خودش ذکری مستقل باشد
چنین در اشهد ان محمدا عبده و رسوله اگر اشهد گفت
و شک کرد که ان محمدا عبده و رسوله ذکر مستقلی هست یا
یا اینکه ان را گفت و شک کرد که بقیه ذکر هست یا نه
یا محمدا را گفت و شک کرد بقیه ذکر هست یا نه یا بعد از
عبده شک کرد یا و رسوله تنها فی خصوص یا واو عاطفه
ذکر هست یا نه محمدا تنها فی بعض حروف تنها یا با حرف
ندا ذکر است یا نه و هم چنین در اللهم صل علی محمد و آل محمد
مثلاً گفت اللهم و شک کرد در صحت صل علی یا آخر ذکر است
یا نه یا اینکه صل را هم گفت شک کرد علی محمد و آل محمد ذکر است
یا نه یا علی را گفت و شک کرد محمد و آل محمد ذکر هست یا نه اگر

در بین کلمه کند و در کوئی باشد شک در صحت آن حرف و فیکه
در آن کلمه خوانده است کرده و ما بقی خود حرف کو مستقل
باشد غیر از حرف مشکوک از آن کلمه نخوانده است پس باید بقیه
آن کلمه را با آنچه از ذکر باقی مانده است بخواند یا در ذکر
صورت از همانجا قطع کند و از سر اعاده کند جواب آنچه
گفتیم آنست که اگر محل باقی است تمام کند و اگر محل باقی نیست
اعتنا نکند و محل در رسالها ذکر شده است مراجعه نماید
و این تفصیل مذکور در سؤال منظور نیست سؤال
اگر امام و مأموم در مسائلیکه ذکر شده سابقا اختلاف
داشته باشند مثلا در بعضی از آنها اگر تکلیف مأموم اعاده
کردن آن کلمه است بنا بر اینکه ذکر است یا آنکه تکلیفش
اعاده نیست امام تکلیفش در هر دو صورت بر عکس است و بنا
بر او در تکلیفش را با آنکه مأموم تکلیفش در صورت شک در
صحت و یقین در کو و قرائت و کلمه تمام کردن ذکر و آیه
و آن کلمه است بعد اعاده کردن و لکن امام تکلیفش قطع
کردن است در هر دو صورت جایز است اقتدا کردن جواب
هرگاه تکلیف امام فعل باشد و بجا بیاورد اقتدا صحیح است

واگر

و اگر تکلیفش بجا نیاوردن باشد اقتدا مشکل است س
اگر کسی کتاب رساله را از اول تا آخر بخواند و بنای اینکه
با او عمل کند گذارده و وقت حاجت عمل کند و هنوز عمل نکرده
است یا در مسائل این رساله تقلید کرده است یا هنوز تقلید
محقق نشده است جواب اخذ للعمل کافی نیست و تقلید کسی که هنوز
عمل نکرده باشد سؤال اگر چند مجتهد موافق باشند
در فتوی مقلد باید تعیین کند یکی از آنها را یا همین قدر
که میداند در این مسئله مخصوص فتوای ایشان موافق است
کفایت میکند و محتاج بتعیین نیست جواب تعیین
لازم نیست چون تقلید همه است سؤال اگر کشیدن مسح
اگر بخواهد انگشتها مستحب که قبا به از قدر واجب است مسح
بکشد بعد نظر کند و ببیند بجز قدر واجب بیشتر نکشیده
اطراف پا تمام مانده است همان قدر کفایت میکند یا نه
جواب همان قدر کفایت میکند سؤال یا چون قصد نموده
مستحب را کرده است و از روی پا تمام مانده است و مرتبه
بکشد یا اگر بجهة احتیاط خواسته و مرتبه بکشد مسح را
و آب موضع ممسوح غلبه داشته باشد بر ماسح میتواند

آیا

اترا پاک نماید بعد مسح بکشد یا نه ج لازم نیست فی باره
مسح بکشد س نمازهای مستحبی را در وقت مکروه وقت ادای
نمازهای واجبی میتواند مفتتح باشد یا نه ج انشاء الله عیب
ندارد س دختری که بالغه باشد میتواند بدون اذن پدر
و مادر شوهر نماید یا نه جواب هرگاه عاقله و رشیده هم
باشد میتواند و احوط آنست که بی رضای ابوین نکند سؤال معاشرت
با شیخیه چه صورت دارد از حیثیت کفر و طهارت و نجاست ج
هرگاه منکر ضروری دین باشد مشکل است سؤال اگر کسی
منحنی بگوید که متشیعه باشد بد نظر متمم کم این شخص
اسباب کفر او است یا نه یا لازم است بر او در مرحله
طهارت و نجاست اجتناب کند یا نه جواب در صورت
اشتباه پاک است سؤال آیا واجب است بر متمم که بر بدگو
الشخص را سؤال نماید که کفر است یا نه یا تکلیف خود عمل
کند یا احکام اسلام بر او جاری است و محتاج بسؤال نیست
جواب تجسس لازم نیست سؤال اگر کسی که از عین
مال خمس نداده تجارت میکند بیع و شری با او بکند
چه صورت دارد با آنکه مسکنی بخرد در آن مسکن نماز
میتوان

میتوان خواند یا نه اگر میتوان بهمان او و غیبت نماید هم بر قسم
مالی که زکوة بر او تعلق گرفته باشد جواب معامله
با او نکند و نماز در چنین مسکنی هرگاه بعین مال خمس
خریده شده نمیتوان خواند و اگر بذمه خریده شده با اذن
غیر مخمس ادا کند عیب ندارد و علی ضامن است و هم چنین است
حکم در زکوة سؤال محمول نجس در نماز حکم لباس دارد
یا نه جواب احوط اجتناب است مطلقا خواه ساتر باشد یا نه
س کف صابون نجس در روی آب کر پاک است یا نجس بیان فرمایند
ج احوط اجتناب است سؤال در مصحف جماعتی
از عوام ایستاده اند متصلا و شخص دیده اند که نوعا
صلوة این اشخاص بواسطه عدم مبالات باداء حروف
و صحیح نبوده قرائت مینمایند و مسائل صحیح نیست
بواسطه آن غلبه تامه ظن قوی بلکه متاخم ببطلان
صلوتشان دارد و لکن تتبع علم نرسیده باز اصل صحت
جاری است یا خیر میتواند اقتدا کند یا فصل این فرقه
جواب میتواند اقتدا کند بجهت اصل صحت سؤال
در صورتیکه در سجدتی سهو زیاده و نقصان و غیرها
داخل

واقع شود که اگر در نماز واقع شود موجب سجدهٔ سهو میشود
بایدکه آن نماز را اعاده کند سجدهٔ سهو را محتاج باعاده
نیست جواب اعادهٔ سجدهٔ سهو نمیخواهد سؤال اگر
سجدهٔ سهو بعد از نماز فراموش شود و شخص وارد نماز
دیگر بشود خواه آن نماز مستحبی باشد یا واجب موجب اعادهٔ
آن نمازیکه در دست دارد میشود یا نه تمام کند نماز را و
بعد سجدهٔ سهو را بجا آورد حتی اگر در نماز مستحبی هم باشد
موجب آن میشود که قطع کند نماز مستحبی را و مشغول
بسجدهٔ سهو بشود یعنی صحیح است آن نماز مستحبی که تمام کند
او را و بعد سجدهٔ سهو بجا بیاورد یا خیر جواب نماز را
تمام کند خواه واجب باشد یا مستحبی و بعد سجدهٔ سهو را
بکند اگر قبل از شروع در نماز ترک کرد سجدهٔ سهو را
و مشغول بنماز شد نمازش صحیح است یا اشکال دارد
جواب هرگاه عمدا ترک کرده است مشکل است سؤال
اینکه در سجدهٔ سهو احتیاطا فرمودید بزیادتی اشهد ان
محمدا رسول الله احتیاط مطلق است یا مستحب جزما یا دتی
احتیاط مطلق است سؤال فرق بین دعا و ذکر چیست

دعاها

دعاهائیکه در کتاب ادعیه مضبوط است مثل صحیفه و زاد
المعاد ذکر است یا اینها دعا فرق بیان فرمائید جواب آنچه مشتمل
بر تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید و مانند اینست ذکر و آنچه
مشتمل بر طلب است دعا است سؤال در بعضی جاها که فرموده اید
بطلانش معلوم نیست فتوی است یا اشکال است جواب
اشکال است در مورد احتیاط سؤال اگر علائم ظهور که مقارن
با ظهور است مثل صیحهٔ آسمانی و خروج سفیانی ظاهر شد
کسانیکه در بلاد بعید هستند واجب است بر اینها که
بهر طریق خودشان را بحضرت برسانند اگر چه ظن بهلاکت بدهند
و کشته شدن داده باشند یا آنکه مثلا اسباب حرکت کردن
فراهم نیست از قبیل عیال و ... نداشتن یا مؤونهٔ عیال
و حفظ اینها مانع است در همه صورت باید بروند یا در این
صورت لازم نیست حرکت کردن ایشان جواب با عدم
تمکن لازم نیست سؤال در صورتیکه دزدها بجهت حفظ
مال و عرض و قتل ترک ایشان و نماز کردن را بکنند و ...
و در وقت نمازش را بخواند صحیح است یا نه جواب با تحقق
خوف از فائت میتوانند تا نماز بخوانند سؤال در صورت

صحت

صحت قبله شرط است که متفحص نداشته باشد یا نه و در صورت
متشتبه شرط است یا نه جواب بقدر امکان ملاحظه
قبله را باید بکند و در صورتیکه بر اشاره کردن بخدا
باید بجا بیاورد در حالت ذکر رکوع و سجود بهمان حالت خمیده
باشد یا الا و اگر نه صحیح نمی‌شود بهمان حالت باید باشد تا نماز کرده شود
سؤال اگر کسی بعض معاملات حرام فلسفه یا شکی در خصوص
علم بحرام بودن ندارد بجهت اینکه جاهل مسئله است معاملات
با او کردن و غیره از او گرفتن چه صورت دارد و جواب اگر اعیان
آن محرمات باید اجتناب نمود و اگر در مجلس غیبت نشود توقف
کردن در آن مجلس در صورتیکه شرایط نهی از منکر نباشد چه
صورت دارد جواب از مجلس برخیزد و اگر مشغول نماز باشد
نمازش صحیح است یا نه جواب نمازش صحیح است و اگر در مجلس
فاسق و علم دارد یا ظن که غیبت میکنند و مشغول اشتغال
نماز شد آیا جایز است وارد شود یا نه جواب و در وقت غیبت
بعد از اشتغال خارج شود و در صورتیکه وارد شد
و نهی نکرد و مشغول نماز شد آیا نمازش چه صورت دارد جواب
نمازش صحیح است مثل کسیکه مشغول نماز است و سلام کند

و جواب

و جواب نداد آیا نمازش صحیح است یا نه جواب ممکن از زود
اشتغال نماز از جواب غافل نماز اشتباه در غیر نماز که سلام کنند
سلام کرد شخص جواب او را نداد فوراً گذشت باید در نماز جواب
بدهد یا نه اگر سلام کنند گذشته باشد تکلیفش چیست جواب
بعد خواب بدهد پس کسیکه میخواهد مشغول نماز جماعت شود
بگوید هر وقت نماز مثلا اتفاق افتاد بسبب ایستادن مسئله اقتدا نماز
فرادی میکنم اما هم چه کسی اقتدا میتواند کند یا نه جواب اقتدا کند ضرر
ندارد سؤال کفاره ماه مبارک رمضان اگر عمدا افطار کرد
چه بحلال و چه بحرام چه مکرر کرده باشد هر وقت که از افطار
بحرام و حلال آیا چه مکرر نکرده باشد چه افطار بحلال یا حرام
از یک جنس یا دو جنس و همه این صورت یک کفاره از کفارات
ثلث کفایت میکند یا نه تفصیلش را بیان فرمایید اگر تفصیل دارد
جواب در غیر جماع کافیست یک کفاره اگرچه موجب مکرر شد لکن بهتر این
و اگر بحرام باشد کفاره جمع بلی در جماع اگر مکرر شود آنوقت تعدد
کفاره است اینها که گفتیم در صورتیست که در یک روز واقع شود و اگر
در ایام متعدده باشد کفاره متعدد میشود بعدد ایام پس صوم
معین غیر از صوم رمضان اگر نذر کرد بشود و بسبب مانع نشود تا بگیرد آیا کفاره

در زمان دولت
کیوان رفعت شوکت سلطان ابن السلطان
السلطان ابن السلطان والخاقان ابن
الخاقان ابن الخاقان السلطان مظفر الدین
شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته و
ختم شد تمام مندرجات از رساله سؤال و جواب
بید اقل الکتاب العبد المذنب المحتاج
الحقیر الفقیر المسکین المستکین
محمد حسن الگلپایگانی
سنه ۱۳۲۲

رساله سؤال و جواب مسمی بهدایة المؤمنین از افادات حجة الاسلام
حاجی میرزا محمد حسین طهرانی سلمه الله تعالی عن جمیع الآفات

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد
صلی الله علیه و آله اجمعین اما بعد این چند مسئله ایست
که از جناب ملاذ الانام حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی
میرزا حسین مد ظله العالی سؤال و حضرت حجة الاسلام جواب را
بفارسی محرر و مزین فرموده اند تا مقلدین ایشان از
مطلب سؤال و جواب را درست بفهمند و از جادهٔ ضلالت براه هدایت
شوند بحمد او بدانشاء الله توفیق و طول عمر حضرت را
بایشان عطا فرمایند س امام در بین نماز شخص
وارد شد با جماع جماعت میتوانند اقتدا کنند یا نه
عادلین است ج بسم الله تمام نماز بجهت اقتداء جماعت میتوانند

اقتدا نمود مکلف اینکه موجب علم بعدالت شود س معین
فرمایید که حرم مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام تا چه میزان
وچه قدر جایز است که نماز را تمام بخواند ج بسمه تعالی
قدر متیقن تحت قبه است س در بعضی از مسائل تمامی
خود جنابعالی میتوان تقلید نمود و شما رجوع بغیر نمود یا خیر
ج در فتاوی رجوع بغیر نمایند ولی در احتیاطات رجوع
بغیر جایز است س عرق جنب از حرام پاک است یا نجس
ج احوط اجتناب است و این احتیاط ترک نشود سؤال
بر چه چیز تیمم میتوان نمود معین فرمایید ج تیمم بر خاک
خالص باید نمود احتیاطا با امکان س تیمم یکی بدو ضرب
و یکی بیک ضرب صحیح است یا خیر ج صحیح است سؤال
غسل قبل از وقت را به نیت قربت کرد میتوان در وقت
نماز بخواند یا خیر ج میتواند س کشمش را در وقت
دم کردن طعام میتوان الا اینکه بگذارد که با یکدیگر
دم بکشد یا خیر ج اگر دانهای کشمش شکسته نباشد
ضرر ندارد س در وسعت وقت نماز را در حمام میتوان

خواند

خواند یا خیر ج در صورت تمکن از تحصیل مکان طاهر غیب بداند
س در ضیق وقت نماز در مکان غصبی میتوان خواند و بعد هم
اعاده کند یا خیر ج میتواند نماز کند و در حال نماز بیرون رود
با مراعات استقبال و سایر شرایط س در سایر زمینها نماز را
بدون اذن صاحب ملک و زمین میتوان خواند یا خیر ج نمیتواند
س زن حایض در حرم یکی از ائمه اطهار علیهم السلام میتواند عبور
و توقف کند یا خیر ج عبور جایز و توقف نکند س مرد
جنب و زن جنب و حایض در صحن مقدس و مساجد میتوانند عبور
و مکث نمایند یا خیر ج اما در صحن مکث و عبور جایز است و اما
در مساجد عبور جایز و مکث جایز نیست س روزه ماه رمضان
شخص جنب میتواند با حالت تیمم باقی باشد وقت که داخل
شد بحمام برسد یا خیر ج احوط عدم تأخیر است س
شخص جنب از حرام بعد از غسل میتواند با آن غسل بکند و بعد هم
نماز بخواند یا خیر ج میتواند س زن که گوشواره در گوش
دارد میتواند غسل از تمامی و ترتیبی کند یا خیر ج میتواند
لکن گوشواره را حرکت دهد تا آنکه آب بظاهر بدن احاطه
نماید احتیاطا س شخص جنب با بدن [illegible] باد

باد ستمال استر میتوان غسل کند یا خیر ج اگر همّای غسل
حاصل بود عریان عیب ندارد س کیک و شپش و پشه که
خون جهنده دارند نه تطهیر از خون انها لازم است یا خیر ج
خون جهنده ندارند س عدد استبرا را معیّن فرمائید
ج استبراء از منی ببول است و استبراء از بول بکشیدن سه دفعه
از بیخ مقعد تا زیر بیضتین و از اصل قضیب را تا ختنه‌گاه سه دفعه
و فشردن ختنه‌گاه را هم سه دفعه که مجموع نه کشش است س موی زهار
در بدن بجهت نماز ضرر دارد یا خیر ج ضرر ندارد سؤال
شال و دستمال و بند زیر جامه ابریشمی در حال نماز چه حالت
دارد نماز صحیح است یا خیر ج شال مشکلست و اما دستمال
در جیب و بند زیر جامه ضرر ندارد و بسر ببندد س و طلا در بر
زن حلال است یا حرام ج مکروه است س نماز شخص
مسافر در چهار فرسخ قصر است یا اتمام ج اگر قصد
قاصد باشد رفتن چهار فرسخ و برگشتن را که مجموع رفتن
و برگشتن هشت فرسخ باشد باید قصر کند اگر قصد اقامه
نکند س شخص مسافر یا غیر مسافر که در کاروانسرا
وغیره بدون تعیین کرایه منزل کرد و صاحب

وصاحب ملک و کاروانسرا هر قدر که کرایه مطالبه کند صحیح است
یا باید اول شرط کرایه منزل را بنماید ج اول تعیین
کند و اگر تعیین نکرد مالک مستحق اجرة المثل است س شخص
مسافر چکمه یا کفش که در پا دارد بزحمت از پا بیرون میاید
آیا با همان چکمه یا کفش میتوان نماز بخواند یا خیر جواب
میتواند اگر طاهر باشد و مانع از رسیدن سر انگشتان
پا بزمین نباشد س و همچنین شخص مسافر با همین چکمه
یا کفش که بیرون آوردنش قدری زحمت دارد یا دست
یخ کرده وضو گرفته روی همین کفش و چکمه میتواند مسح
نماید یا خیر ج در حال اختیار نمیتواند س کیف چرم فرنگی
که در جیب یا بغل است با او نماز میتوان خواند یا خیر ج اگر
از کفار بخرد نمیتواند و اگر از مسلم بخرد و بداند که از ماکول
اللحم است عیب ندارد س در نماز جماعت و غیره کفش شخص عوض
شود حالا با آن کفش میتواند وضو بگیرد یا خیر ج وضو نگیرد س
استعمال نقره که ظرفیت پیدا میکند حرام است یا خیر ج بلی
استعمال ظرف طلا و نقره حرام است س از قبیل چپق و سر
قلیان و نی قلیان نقره چه صورت دارد ج و اما چپق و سر
قلیان اگر تمام نقره باشد استعمال جایز نیست و اگر بعضش
نقره و بعضی چوب باشد یا چیز دیگر عیب ندارد و اما نی قلیان

مطلقا عیب ندارد س در بیع و شرای جرم فرنگی صحیح است یا خیر
ج اگر از بازار مسلمین باشد عیب ندارد س اشکال صوره
مثل عکس و غیره در اطاق باشد در اینجا نماز خواندن چه
صورت دارد ج نماز صحیح است با کراهت س صورتهای
مجسمه مثل مجسمهای چینی و مقوائی که مقابل باشد یا در
اطاق باشد نماز چه صورت دارد ج نماز صحیح است با کراهت
س شخص مقروض میتواند بزیارت ائمه اطهار ع برود
یا خیر ج با عدم مطالبه عیب ندارد س تطهیر ظرفی که از
موش مرده نجس شده وجه تطهیر انرا معین فرمائید ج در آب
کر و جاری دو دفعه کفایت میکند س ظرف چینی که مو
پیدا کرده و سائر زبان برند تطهیر ان چه نوع است ج مثل
انکه مو نداشته باشد همان قسم تطهیر کنند س مرد جنب و زن
حایض و جنب میتوانند باخاک تربت حضرت سید الشهداء
تیمم نمایند یا خیر ج عیب ندارد س در زنان پیر نفاس
پیدا میشود یا خیر ج اگر یائسه باشد و زاید خیر و اگر نزاید
نفاس است چون نفاس خون بعد از زائیدن است سؤال
استبراء از بول واجب است یا خیر ج استبراء واجب نیست لکن اگر
رطوبتی خارج شد در انحال و احتمال بول داشته باشد نجس است
و موجب بطلان طهارت است س در کلمه متعتک نفسی بالمبلغ

المعلوم

المعلوم فی المدة المعلومة زن میتواند بلفظ خود متعه بشود
یا خیر ج بلی زن میتواند اجراء صیغه نماید س زن اقرار کند
که یائسه هستم کفایت میکند و میشود او را متعه نمود یا باید شهادت
بدهند بیائسه بودن او ج بمجرد دعوی مشکل است باید علم
حاصل شود یا اقامه بینه شود س شخص نماز قضا بر ذمه دارد
و قرائت او صحیح نیست و دست رس بجماعت ندارد میتواند
نماز قضاء خود را بخواند یا خیر ج نمیتواند باید اول قرائت
قرائتش را درست کند و بعد نماز قضا کند و اگر ممکن نباشد درست
کردن قرائت بخواند عیب ندارد س در سه سلام نماز خبر بدهید
کدام یکرا واجب میدانید ج سلام اول مستحب و دو سلام
اخر را بگوید احتیاطا و این احتیاط را ترک نکند س ظرف
نجس و متنجس را چند دفعه باید شست ج احوط سه دفعه است
هرگاه نجاست بولی باشد و دو دفعه در غیر بول س بول
پسر و دختر شیرخواره را معین فرمائید چند دفعه باید شست
ج احوط تعدد است در دختر و کفایت میکند ریختن اب
برای در پسر بدون فشار و تعدد بشرط انکه غذا خور نشده
باشد س گوسفند و مرغ و غیره را زن ذبح کند چه حالت
دارد صحیح است یا خیر ج ضرر ندارد س گوشتی که الوده
بجوش خورد گوسفند است شستن گوشت لازم است یا خیر
ج اگر الوده بجوش ملمع یعنی کردن نباشد شستن لازم
نیست س زن بدون اذن شوهر به نماز جماعت و عقب

مسائل دینیه خود میتواند برهد یا خیر ج بنماز جماعت میتواند
برهد و بجهت مسائل لازمه هرگاه شوهر تقصیر نماید در تعلیمش
میتواند س ابریشم و نوارهایکه از دست یهودی میخرند چه
صورت دارد ج اگر علم بنجاست ندارد طاهر است س
سوزانیدن حشیش و مکروه زنبور ضرر دارد یا خیر ج
حرام نیست س در خرید و فروش خرگوش و خوردن
گوشت خرگوش چه میفرمایید ج خرید و فروش عیب ندارد
واحوط ترک خوردن است س با حضرات بابیه معاشرت
کردن ضرر دارد یا خیر ج البته ترک معاشرت نمایند
مخصوص بقدر ضرورت و لوازمات خرج اسباب و اثاث البیت
دارد رد مظالم و سهم امام بران تعلق میگیرد یا خیر ج
اگر از حرام تحصیل شده و مالک معلوم اگر مجهول المالک است
از بابت رد مظالم بحاکم شرع بدهد وانچه بعد از گذشتن
سال میماند از کسب حلال خمسش را بدهد خوبست س
اشخاصیکه نوکر دیوانی هستند و مواجب میگیرند این پول
مواجب حلال است یا حرام ج اگر حرمتش را نداند
مباح است س ظرفیکه از شراب نجس شده چه طور باید
اورا تطهیر کرد و مثل تنگ و شیشه چه نوع باید
تطهیر نمود ج دو دفعه بشوید کافی است و اولی هفت
دفعه شستن است س پولی بدون منفعت خانه بدون

کرایه

کرایه اجاره مینماید صحیح است یا خیر و عیب و نقص اجره معین
فرمایید ج اگر قرض دهد و شرط کند که خانه بدون اجاره
باشد ربا است و حرام و اگر شرط نکند و لکن قرض کن برضا
برضا و طیب نفس خانه اش را بدون اجاره و مجانا بدهد
قرض ده احسانش نموده عیب ندارد س پول سیاه شخص قرض
کرده میتواند پول سفید پس بدهد یا بعکس یا خیر ج تبدیل
جایز است س اشخاصی هستند قران و زیارت را غلط
میخوانند یا خواندن قران و زیارت را ترک نمایند یا بهمان
حالت غلط بخوانند ج خواندن اولی است بقدری که
صحیح میخوانند اجر میبرند بقدر امکان سعی کند در تصحیح
س شخص وصیت میکند جنازه مرا حمل بنجف اشرف یا کربلا نمایند
بواسطه نداشتن پول و ممکن نشدن اسباب حمل تخلف جایز است جنازه
یا خیر ج اگر ممکن است عمل بوصیت کنند و اگر ممکن نشد
ناچار عمل بوصیت نخواهد شد دیگر جایز بودن معنی ندارد
س در حبس نمودن قران و تلاوت نکردن او چه معصیت دارد ج
جفا نموده و احترام بعمل نیامده دیگر حرمت معلوم نیست س
حب که در ان هست نجس شد ابرا باید خالی کرد و تطهیر
نمود یا ابرا بر روی همان بریزند کفایتست ج ابرا
بریزند و تطهیر کنند س موی گربه و پوست طاهر با نماز گذار
چه حالت دارد ج اجتناب کنند س اسکناس که پول است
و در عجم معمول است در جیب و بغل نماز گذار باشد ضرر دارد

یا خیر ج با عدم علم بنجاست ضرر ندارد س همین اینکه طلا
از بابت قرض خود طلبکار بدهد بری الذمه میشود یا خیر
ج هرگاه بفروشد بمقدار پولیکه مقروض بوده است انوقت صحیح
عوض او حبه قرض حساب کند عیب ندارد بری الذمه میشود س
شخص کافر ملی بگفتن کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله
پاک گشته مس برطوبت با او میتوان نمود یا خیر ج مسلمان
میشود با رطوبت ملاقات کنند ضرر ندارد س شخص
در حالت سجود دو مرتبه پیشانی او بمهر خورد نمازش چه حالت
دارد ج احتیاطا دو سجده سهو بجا بیاورد هرگاه در سجده
دوم باشد س چوب که نجس شده است چون فلان نفوذ کرده
باید خشک شود و طاهر شود یا در آب انداخته تا از آب پاک
طاهر شود ج اگر بخواهد باطنش را طاهر کند در آب بگذارد
تا آب طاهر بان نفوذ کند بمقداریکه آب نجس نفوذ کرده بعد
خشکانند در نجاست قلیل دو دفعه و در کر یکدفعه کافیست
س شخصی در طفولیت چیزی میکرد و میوه جات از باغ مردم (از جیب مردم)
میدزدید حالا که بزرگ شده آنها را نمیشناسد و چیزی را
هم قادر نیست آیا تکلیف او ساقط است یا مشغول ذمه است
ج طفل مشغول ذمه است باید با تمکن بصاحبش بدهد اگر
نشناسد آنها را و اولیا حاکم شرع از بابت مظالم بدهد س
نرخ که نجس شد قابل تطهیر هست یا خیر و طریق تطهیر او را

معلوم

معلوم فرمائید ج اگر آب نجس بمغزش رسیده دو دفعه در آب
کر بگذارند تا آب بمغزش نفوذ کند و خشکانند طاهر میشود اگر
بول نجس شده والا یکدفعه کافی است س معین فرمائید که
زکوة بچند چیز تعلق میگیرد ج در نه چیز است طلا و نقره
و گوسفند و شتر و گاو و گندم و جو و مویز و خرما س زن
بدون اذن شوهر میتواند بارحام خود چیزی بدهد یا خیر
ج نمیتواند مگر با علم برضای شوهر س مرد میتواند زن
خود را منع نماید از رفتن بخانه پدر و مادرش یا خیر ج
میتواند س زن مدتی در خانه شوهرش با خرج خود گذرانده
میتواند مخارجیکه کرده است عوض مهر زن حساب کند یا خیر
ج نمیتواند س اشخاصیکه مداومت بکشیدن تریاک مینمایند
چه میفرمائید ج با علم بضررش جایز نیست س کسانیکه گوسفند
و غیره نذر معین نمایند میتوانند پول او را بفقرا بدهند یا خیر
ج ~~نمیتوانند پول شمع بفقرا بدهند~~ آنچه را نذر کرده باید بدهد
شمع س اشخاصیکه نذر میکنند که در حرم روشن کنند میتوانند
پول شمع را بفقرا ~~بدهند~~ داد یا خیر ج نمیتوانند پول شمع بفقرا
بدهد س مهر زینب سید الشهدا علیه السلام که خرید و فروش
میشود میتوان پول قیمت او را عوض اجرت ساختن مهر قرار
داد یا خیر ج بیع و شرا آن عیب ندارد س شخص خمس بذمه
دارد و اطلاع دارد فلان سید فقیر و عیال وار است

ایا میتواند متدین جانماز را بان سید مرده کند یا خیر ج تاخیر
نکند کردن س از نکه از اهالی یکوهات نسیه میدهند به نیت خمس
ایا از خمس حساب میشود یا خیر ج بلی حساب میشود س سهم امام
ورد مظالم وفطریه را شخص میتواند بارحام خود یا بارحام
عیال خود بدهد یا خیر ج بغیر از والدین وپسر وزوجه ضرر
ندارد ودر سهم امام ورد مظالم باید باذن حاکم شرع بدهد
س شخص نذر معین نماید بجا نیاورد قضا برذمه او هست
یا خیر ج احوط قضا است س نذر امام علیه السلام نمود
ونداد ایا چیزی برذمه او هست یا خیر ج باید بدهد س
سایر نذرها مثل گوسفند وغیره تاخیر ان جایز است یا خیر ج
احوط تعجیل نمودن است س در بین نمازهایکه السجود علیه کرده
شد میتواند بر پشت دست حصیر و بوریا سجده کند یا خیر ج
حکم این مسئله بعد معلوم میشود س ان چیزهایکه جایز است
سجده بر ان کرد عدد انرا معلوم فرمایید ج جایز است سجده
بر زمین وگیاه که خوردنی انسان نباشد وکاغذ وجایز نیست
بر غیر اینها در حال اختیار وتمکن از اینها ودر صورت عدم
امکان هیچیک احوط انست که سجده بر پارچه لباس پنبه
یا کتان بعد از اینها بر معادن زمین مثل فیروزه پس از ان
هم بر پشت دست س لباس که فرنگیها میدوزند شخص مسلم

ومصلی

ومصلی میتوانند بپوشند ونماز با انها چه صورت دارد ج
اگر علم بنجاست ندارد ضرر ندارد س لباس فرنگی ما بر اگه میپوشند
نماز با انها چه صورت دارد ج عیب ندارد لکن بر تقدیر امکان
نپوشند س لباس ماهوت ودبیت وپشمینه را چه میفرمایید
ج نماز در انها جایز است س شخص غسل میت بر ذمه او است
میخواهد غسل نماید دسترس بحمام ندارد در نماز تکلیف صحیح
چیز است ج اگر ممکن است باب قلیل غسل نماید والا اگر ممکن
نیست تیمم بدل غسل نماید ووضو بسازد از برای نماز س
شخص اب قلیلی دارد ودر سفر جنب شد وقت هم وسعت
ندارد ایا با این اب غسل کند یا جهت اشامیدن خود بگذارد
ج اگر لازم دارد ابرا از برای اشامیدن غسل را تاخیر اندازد
حفظ نفس لازم تر است وتیمم کند س غسل مس میت را با غسل
جنابت بایک نیت بنماید یا خیر ج نیت غسل جنابت کند
کفایت از غسل مس میت میکند س حبس کردن حیوانات
حبوبات وگندم وجو وزغال را چه میفرمایید ج با حاجت مردم
حبس نکنند س بول صغیر نزد شخص است ایا شخص میتواند با ان
بول معامله وداد وستد کرده وچیزی هم بصغیر بدهد یا خیر ج
باذن ولی عیب ندارد س شخص زنی کرده مبلغی مقروض است ومعادل قرض

اموال مختلفانی هم دارد آیا این مال را بطلبکار بدهند یا اگر
صغیر داشته باشند بصغیر باید بدهند ج باید بطلبکار
بدهند س ولی یا وصی یا مادر صغیر میتوانند خانه یا مال
صغیر را بفروشند و صرف خرج صغیر بنمایند یا نه آیا میشود
یا خیر ج اما وصی و ولی میتوانند با صرفه و غبطه و مادر هم
با اذن وصی یا ولی میتواند س شخص وصیت میکند جنازه
مرا حمل بکربلا نمایند بعد که فوت شد او را در زمین دفن نمودند
آیا میتوانند او را از قبر بیرون و حمل بکربلا کرد یا خیر ج
نمیتوانند س اشخاصیکه در روز عاشورا تیغ بسر خود
میزنند چه صورت دارد ج جایز نیست س زنهای روضه
خوان و نوحه گر چه صورت دارد جایز است یا خیر ج اگر اجنبی
صوت ایشان را نشنود عیبی ندارد س نی زدن بالای سر مریض
جایز است یا خیر ج اگر علاج منحصر باین باشد جایز است
س کوه دادن نظر بحالت اختیار و اضطرار بیان فرمایید
ج در حالت اختیار جایز نیست س در خانه که دف و طنبور
میزنند در آنخانه نماز میشود خواند یا خیر ج نماز ضرر ندارد
س شخصی که بدهکار محتاج بقرض است میتواند قرض منفعتی نماید
ج نمیتواند س شخص مبلغی منفعت پول خورده حالا توبه
کرده مع هذا اداء آنرا باید بنماید یا خیر جواب بلی

مشغول الذمه است باید آنچه منفعت گرفته بصاحبانش رد
کند و اگر نمیشناسد بحاکم شرع از باب مظالم بدهد سؤال
در خانه که هر نوع اسباب قمار باشد در آنخانه میشود نماز خواند
یا خیر ج میشود س اشخاصیکه تریاک میکشند توبه آنها
قبول میشود یا خیر و حرمت او چه قدر است معین فرمایید جواب
حرامست توبه آن قبولست س امام در رکوع ماموم سهوا
سر از رکوع برداشت میتواند برگردد برکوع امام و متابعت کند
یا فرادی کند جواب یا فرادی کند یا برگردد متابعت کند و بعد
از نماز اعاده کند نماز را احتیاطا س شخص مسلمان کرده و مرده
بابیه در آمده و بابی شد توبه او قبول میشود یا خیر ج بحسب ظاهر
توبه آن مشکل است سؤال شخص مشغول نماز عشا شد در رکعت
چهارم یقین کرد نماز عصر را نکرده میتواند عدول بعصر
کند یا خیر ج اگر در محل قیام است چون محل عدول باقی است
میتواند عدول کند سؤال در ضیق وقت مشغول نماز قضا شد
در بین نماز بخاطرش آمد که نماز ظهر و عصر را نخوانده میتواند
عدول بظهر و عصر کند یا خیر ج جایز نیست عدول از قضا
باداء بلی اگر مشغول نماز قضا شد و در بین نماز بخاطرش
آمد که نماز ادا را نخوانده و وقت ادا مضیق است نماز

قضا را باطل کند و نماز ادا را بجا بیاورد س همسایه در وقت
نماز خوابست بدون اذن میتواند او را بیدار کرد در صبح
یا خیر ج عیب ندارد س شخص اخر صف جماعت است
صوت امام را نمیشنود بخواندن امام حمد و سوره متابعت
امام بکند یا خیر ج هرگاه ماموم صوت یا همهمه امام را
نشنود احوط اولی خواندن ماموم است قرائت را س
شخص مشغول نماز عشا شد در رکعت چهارم شک بسه و
چهار کرد و یقین هم کرد نماز مغرب را نخوانده تکلیف
او چیست ج اگر در حال قیام است نماز باطل است
و اگر بعد از داخل شدن در رکوع باشد بنا را بر چهار بگذارد
و تمام کند و بعد اعاده نماید عشا را بعد از خواندن
مغرب س شخصی در بین نماز یکسجده از نماز اول را
فراموش کرد و در رکعت دویم رکوع را فراموش کرد در
در سجده دویم خاطرش آمد تکلیف او چیست جواب
این رکعت اول را اول قرار دهد و نماز را تمام کند بعد
از برای قیام بیجا و زیادتی هر یک دو سجده سهو بکند
س شخص مسلم که مقدمات و شکیات و سهویات و
نجاسات و مفطرات را نمیداند چه صورت دارد ج
فاسق است اگر تقصیر نموده س شخصی روزه ماه مبارک را

خورد

خورد و بعد توبه کرد قدرت بر اداء کفاره هم ندارد آیا
آیا بری الذمه میشود یا خیر ج بعد از تمکن و قدرت بر اداء
باید بدهد س فطره ماه مبارک دین است یا خیر ج واجب است
تا قبل از ظهر و بعد از ظهر هم باید بدهد احتیاطا س بقای
بر تقلید میت جایز است یا خیر ج باید باقی بماند بر تقلید
س عمل بی تقلید چه صورت دارد ج اگر در معاملات باشد
و مطابق واقع شود صحیح است والا باطل است و اما در عبادات
باطل است مطلقا س خرید و فروش اجناسی که در ولایت
کیل است و میزان دارد و عددی میفروشند چه صورت دارد
ج بیع و شری باطل مگر اینکه بعد از فروختن هم متعارف
شود آن وقت عیب ندارد س خرید و فروش طفل ممیز
جایز است یا خیر ج مشکل است مگر آنکه آلت باشد عیب ندارد
س اشخاصیکه نوکری فرنگی مینمایند پول و معاشرت آنها
چه صورت دارد ج نکنند س شبهای جمعه که معمول است حلوا
بجهت اموات میبرند و لقمه لقمه بمردم میدهند بجهت خواندن
فاتحه خوردن و دادن او جایز است یا خیر ج ضرر ندارد
س کفاره ماه رمضان را که باید بشصت مسکین بدهند روزه
میتوانند بتدریج بدهند یا باید یکمرتبه داد ج بتدریج

بدهد عیب ندارد س زنان مسلمه در حین ولادت قابله یهودیه را
بیاورند چه صورت دارد ج عیب ندارد س شخص دعانویس که
اسماء الله واسامی ائمه را در نعل وکاغذ مینویسند و در زیر
اتش مینهند که زنده دعا ونویسنده دعا چه معصیت دارد ج البته
باید ترک نمایند س بجهت محرمیت زنان دختر شیرخواره را چه
نوع باید صیغه خوانند که تا دیر محرم شود ج احتیاطا بمقدار
از زمان بلوغ یا زمان قابلیت تمتع داد داخل نمایند س تطهیر
ولوغ سگ را از آب وخاک معین فرمایید ج در ظرف یکدفعه
با خاک ودو دفعه با آب بشویند س ظرف بزرگ را که جنبانیدن
فضله موش دران یافتند تطهیر بزرگ چه نوع است بیان فرمایید
ج اول بزرگ را خشک کنند تا آب طاهر دران نفوذ کند پس یکدفعه
دیگر در آب کر طاهر بگذارند تا اینکه دران آب نفوذ کند بعد از آن
طاهر میشود س شخص نماز گذار که طمانینه نماز را بجا نمیاورد
نمازش چه صورت دارد ج نمازش باطلست س انجا صیغه دختر
وپسر شیرخواره بجهت یکدیگر عقد مینمایند عقد اینها چه صورت دارد
ج اگر پدر یا جد پدری عقد کند صحیح است س اعانت تارک
الصلوة در حق همسایه چه صورت دارد ج خوب نیست سئوال
زنها بدون اذن شوهر میتوانند طفل همسایه یا غیر همسایه را

شیر بدهند یا خیر ج عیب ندارد س زنان همسایه که طفلهای یک
دیگر را شیر میدهند زنها برادرهای یکدیگر محرم میشود یا خیر ج
محرم نمیشوند مگر اینکه شیر کامل بالحقوق شرایط بدهند انوقت
محرمیت حاصل میشود س حکم تارک الصلوة را بیان فرمایید ج
فاسق است وبجهت امر بمعروف باید آزار برسانند وحکم با حاکم شرع
س مثلا اگر کسی بکسی بگوید ای بیکتاب حکم اینها چه چیز است
ج معصیت کار است س انجا صیغه یکدیگر را دیوث وولد الزنا
وقرمساق میگویند حکم اینها چیست ج معصیت کارند موجب
حد است این گونه عبارات س اذیت کردن یهود ونصاری چه صورت
دارد ج اگر عمل بشرایط ذمه میکنند جایز نیست س سلام
بر یهودی وغیر مذهب جایز است یا خیر ج سلام بر کفار جایز نیست
س صدفهای استخوانی وماهی بجهت شخص مصلی چه صورت دارد
ج اگر بدانند که از حیوان حلال گوشت است واز بازار مسلمین بخرند
عیب ندارد از برای نماز والا مشکل است س چرم فرنگی همراه شخص
باشد نمازش صحیح است یا خیر ج حکم این مسئله مثل مسئله بالو است
س نماز جهریه را اخفاتا واخفاتیه را جهر بخوانند عمدا نمازش صحیح است
یا خیر ج نمازش باطلست س شخصی در نماز اخفاتیه بعضی
از کلمات نماز را جهر بخواند صحیح است یا خیر یعنی درست نمیتواند اخفات

بخواند ج اگر میتواند کلمه را اخفا تا ادا کند بطریق صحیح جهری
عیب ندارد س تطهیر مسجد واجب فوریست یا نه ج بلی واجب
فوریست س شخصی مثلا صد تومان بصیغه قرض الحسنه قرض کرده
و اسبابی برهم کرد و بصاحب پول داد بعد صاحب پول اسباب را بآن
شخص رد کرد که مثلا ماهی پنج تومان شخص مدیون باو بدهد آیا
این پول بجهت صاحب پول حلال است یا نه ج حلال نیست س
زن جنب شد و دست رسی باب پیدا نکرد فردا ایش حایض شد
حالا که میخواهد غسل نماید غسل جنابت را مقدم بنماید یا حیض را
ج غسل جنابت کند کفایت از غسل حیض میکند س زن
حایض پاک شد و دست رسی باب پیدا نکرد دیگر جهة غسل و در این بین جنب
شد حالا کدام غسل را مقدم بدارد ج غسل جنابت کند کفایت
از حیض میکند س زن حایض و جنب هر دو غسل را بیک نیت میتواند
بکند یا نه ج میتواند نیت هر دو را بکند و میتواند قصد جنابت
تنها را بکند و کفایت از حیض جنابت کند است س زن حایض
پاک شد و چند روز گذشت اب پیدا نکرد تکلیف تیمم او چه
نوع است ج دو تیمم بکند یکی بدل از غسل و یکی بدل
از وضو اگر اب ندارد اصلا و اگر بقدر وضو اب تحصیل نمود
یک تیمم بدل از غسل کند و وضو بگیرد س مرد مثلا شب جنب
شد و صبح با همه انکه اب پیدا نکرد تیمم کرد بجهت نماز
ظهر

ظهر را خواند بعد یا دو روز گذشت یا دو روز کمتر باز اب ممکن
او نشد یا دو تیمم کند بجهت نماز یا یکی وضو بگیرد و یکی تیمم
کند ج یک تیمم بدل از غسل جنابت کند کافیست س
شخص روزه دار چشمش درد کرد دوا یا دارو بچشم کشید
روزه اش صحیح است یا باطل ج دارو بکشد عیب ندارد در روزه
اش صحیحست س شخص فرنگی که منافع از اسلام میبرد پول
یا اسباب او بدست شخص مسلم افتاد یا شخص مسلم میتواند خمس
این پول و اسباب را بدهد و بقیه را خودش ضبط کند یا نه ج
اگر از اهل کتاب باشد و عمل بشرایط ذمه کند یا در پناه مسلمین
باشد جایز نیست که پناه دادنش جایز است نمیتواند و اگر
چنین نباشد ضرر ندارد س شخص در حال نماز بعضی
کلمات بیجا مثل الحمد لله بیجا یا سبحان الله یا تقبل الله
بیجا عمدا یا سهوا بگوید نمازش صحیحست یا نه ج اگر
عمدا بگوید بقصد مطلق ذکر نه بقصد اینکه جزء نماز است
عیب ندارد و سجده سهو ندارد و اگر سهوا گفت یک سجده سهو
کند س تعیین اب کر را بفرمایید ج سه وجب و نیم
طول در سه وجب و نیم پهنا در سه وجب و نیم عمق است
اگر حوضی اینقدر اب داشته باشد کر است س
اشخاصیکه کبوتر بازی میشانند یا گنجشک و بلبل و [illegible]

در قفس حبس مینمایند چه صورت دارد ج محض نگاه
داشتن ایشان ضرر ندارد س شخص طلبی از کسی دارد و
نمیدهد آیا شخص میتواند بقدر طلب خود از مال مدیون
بطور خفا بردارد و تصرف کند یا نه ج اگر مدیون
میداند که بدهکار است و مطلع بر مطالبه شد و ممکنش
بود ادا کردن طلبکار میتواند بمقدار حق خود بردارد
از بابت تقاص حق خود باذن حاکم شرع س غیبت
شخص مسلم باعث بطلان روزه میشود یا نه ج خیر
س در ضریح یکی از ائمه یا امامزاده شخص میتواند
شمع یا خورده نقره یا غیره بجهت تیمن و تبرک بردارد
بدون اطلاع متولی یا نه ج نمیتواند س شخص
صید حلال را به تیر یا تفنگ زده بدون ذبح شرعی برسد
گوشت او بهمان تیری که خورده حلال است یا حرام جواب
بتیر حلال است بشرط تسمیه در زمان تیر انداختن و اما
بر تفنگ حلال نمیشود س شخص در مکان غصبی جهت
نماز خواند بعد بعد از اطلاع نماز صحیح است یا باید اعاده
کند ج نماز صحیح است و اعاده لازم نیست سؤال
زمینی ملک دیوان است با وسعت وقت میتواند در آن
زمین نماز بخواند ج با عدم علم بغصبیت و

حکم

عرض سلام

عرض سلام بخدمت عالیجا

عرض سلام بخدمت عالی ...

عرض سلام